

کتاب معلم

رهنمای تدریس

تفسیـــر شریـف

صنف ۱۱



سال چاپ: ۱۳۹۹ هـ ش.



سرود ملی

دا وطن افغانستان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولو کور دی
د پښتون او هزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هیواد به تل ځلیږي
په سینه کې د آسیا به
نوم د حق مو دی رهبر

دا عزت د هر افغان دی
هر بچی یې قهرمان دی
د بلوڅو د ازبکو
د ترکمنو د تاجکو
پامیریان، نورستانیان
هم ایماق، هم پشه یان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکه زړه وي جاویدان
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم



وزارت معارف

کتاب معلم

رهنمای تدریس تفسیر شریف

صنف یازدهم

سال چاپ: ۱۳۹۹ هـ ش.

مشخصات کتاب

مضمون: رهنمای تدریس تفسیر شریف

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی بخش دیپارتمنت تعلیم و تربیهٔ اسلامی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: یازدهم

زبان: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۹ هجری شمسی

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادهٔ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی و رهنمای تدریس در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، با استفاده از این رهنما، از هیچ نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندهٔ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

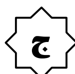
همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادهٔ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این رهنمای تدریس مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف



فهرست

عناوین **صفحه**

سخنی چند با معلمان محترم

استادان گرانقدر!

السلام علیکم ورحمة الله و برکاته

واضح است که یک نهاد تعلیمی و تربیتی خوب باعث تشکیل یک جامعه خوب ومترقی می گردد.

جامعهٔ خوب ومترقی آن جامعه یی است که ارزشهای اسلامی و مزایای اخلاقی در آن رعایت گردیده باشد؛ زیرا با رعایت ارزشهای اخلاقی و هدایات الهی هویت اسلامی و ملی افراد جامعه محفوظ و مصون می‌ماند که این خود هدف اساسی و بنیادی وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان است.

استادان گرامی!

برای اینکه اولاد وطن اشخاص مسلمان و برومند و برخوردار از سجایای دینی و آگاه از منافع اجتماعی، ملی و بین المللی و هم با روحیه وفرهنگ اصیل افغانی پرورش یابند و در رفتار، سلوک وذهنیت ایشان اثر مثبت پدید آید، لازم است استادان محترم تدریس را مطابق شیوه‌ها و هدایات این رهنما که با زحمات دست اندر کاران ریاست انکشاف نصاب تعلیمی وتألیف کتب درسی ترتیب و به میان آمده است به پیش برند.

این کتاب (رهنمای معلم) برای مضمون تفسیر صنف یازدهم ترتیب یافته است. ساختار رهنمای دروس طوری است که در آغاز عنوان درس با ذکر شماره و صفحه درس، تعیین وتقسیم ساعت درسی با ذکر هدف و معانی بعضی کلمات قابل توضیح دربعضی دروس درج گردیده، سپس با بیان شیوه وروش تدریس، معرفی مواد ممد درسی و فعالیت‌های معلم که در برگیرندهٔ احوال پرسی، تنظیم صنف، گرفتن حاضری و فعالیت‌های مشترک میان معلم و شاگرد می‌باشد پرداخته شده است. در اخیر ارزیابی صورت گرفته و خلاصهٔ درس و سپردن کار خانه‌گی به شا گردان توضیح گردیده است.

برای تدریس بهتر بعد از عنوان و مشخصات درس، دانش لازمی در راستای اعطای معلومات مزید پیرامون درس به معلم محترم ذکر گردیده است .

یک معلم خوب باید:

_ تقوا، دیانت واخلاق حمیده داشته باشد.

_ دارای آرزوهای عالی باشد.

_ اعتماد به نفس داشته باشد.

_ شخصیت عالی داشته تحت تأثیر خواسته‌های دیگران نباشد.

_ قادر به حفظ وآرامش حالت روانی و تنظیم وظایف خود باشد.

_ شکیبا بوده و از تحمل مشکلات هراس نداشته باشد.

_ با شا گردان روابط نیک و حسنه دا شته باشد.

_ با انگیزه و زحمت کش بوده وپابند به وظیفه باشد.

_ با علم و معرفت علا قمندی داشته باشد.

_ وقت را غنیمت بشمارد.

_ در تعلیم و تربیهٔ شاگردان کوشا بوده در مطالعه و مذاکره از روش علمی استفاده نماید.
_ زمینه‌های تطبیق درس را در زنده‌گی پیگیری نماید؛ یعنی دروس را بازنده‌گی ارتباط دهد.
_ درجستجوی معلومات بیشتر باشد و از تجارب دیگران استفاده نماید.
_ رسیده‌گی آن منحصر به درس نبوده بلکه همه جانبه باشد .
_ در همه زمینه‌ها برای شاگردان سر مشق والگوی نیک باشد.

صفات یک شاگرد خوب

۱_ به معلم احترام گذاشته و با علاقمندی فراوان به سخنان معلم گوش فرا میدهد.
۲_ از پدر و مادر فرمانبرداری مینماید.
۳_ به وقت معین در مکتب وصنف حاضر میشود.
۴_ دروس خود را مطالعه نموده و وظایف خانگی را انجام دهد.
۵_ در همه اوقات امور نظافت وپاکیزه‌گی را رعایت می‌نماید.
۶_ نکات مهم درس را در هر ساعت درسی درکتابچهٔ یاد داشت خود مینویسد.
۷_ به دیگران احترام می‌کند و دوستان خوب انتخاب می‌نماید.
۸_ به ادای نمازهای پنجگانه در جماعت پابندی نشان می‌دهد.
۹_وسایل وضروریات درسی را برای خود آماده می‌سازد، ودر تهیهٔ مواد مناسب درسی از رهنمایی معلم خود استفاده می‌نماید.
۱۰_ از اسراف اجتناب می ورزد و اعتدال و میانه روی در همه امور را پیشه خود می‌سازد.
۱۱- از تقلیدهای بیجا و از تشابه نا مطلوب خود داری می‌کند.

پلان درسی

پلان در لغت تدبیر، سنجش وتصمیم گیری برای اجرای یک کار را گویند و در اصطلاح پلان عبارت از طرح «نقشه» ذهنی است که برای انجام یک کار، فعالیت‌های آنرا تنظیم می‌نماید.
پلان درسی عبارت از طرح یا نقشه ذهنی بوده که از طرف معلم تمام فعالیت‌های معلم و شاگردان که در یک ساعت درسی انجام می‌دهند بخاطر اجرا در آن درج شده باشد.

فواید عمده و وظایف پلان درسی

_ ترتیب و تنظیم نمودن بهترین مواد و حل مطالب مغلق و پیچیده.
_ استفاده از روش‌های مختلف در تدریس.
_ سهیم گر دا نیدن شاگردان در فعالیت‌های درسی.
_ معلم محترم می‌تواند به اطمینان خاطر تدریس نماید تا برای شا گردان موثر واقع گردد.
_ پلان وتدریس خوب معلم را به هدف می‌رساند.

توضیح محتویات رهنمای معلم

۱_ اصطلاحات

اصطلاحات جمع اصطلاح کلمه عربی بوده که از ریشهٔ صلح گرفته شده و به مفهوم آشتی کردن و اصطلاح به معنی اتفاق هم آمده است ولغتی است که عده یی برای خود وضع می کنند.

اصطلاح اسم مطابق فرهنگ بر ترمینالوژی(Terminology) کاربرد اصطلاحات، حقایق و نظریه‌های خاص هر قوم، ملت، مذهب و فرا گیر همه ماهیت‌های علوم است که به اتفاق جمع کثیر بر یک مفهوم اساسی، مهارتها و طرز فکر و ذهنیت خود وضع کرده اند.

مثلاً: اصطلاحات آیت، سوره، رکوع وغیره در قرآن کریم و یا اصطلاحات کلمه، نماز، زکات وحج در تعلیمات دینی وغیره.

۲_ اهداف

اهداف جمع هدف است در فرهنگ معین، هدف چنین تعریف شده است هر چیز بلند و بر افراشته، نشانه، تیر، آن چه آدمی برای رسیدن به آن بکوشد، مقصود وغایت.

اهداف یک واحد درسی بر اساس اهداف وآرمان ملی اهداف کلی نظام تعلیم وتربیه اهداف دوره‌های تعلیمی، اهداف مفردات، اهداف مضمون درسی در یک صنف در حیطهٔ دانش، مهارت و ذهنیت محتوا طرح می گردد.

تعیین اهداف کلی و جزیی در یک مضمون و در یک واحد درسی به قصد ایجاد تغییرات در رفتار شاگردان وانکشاف ذهنی در معلومات ایشان اجرا می‌شود که این تغییرات همان هدف‌های بر نامهٔ درسی میباشد.

قلمرو و منابع اهداف عبارت از طبیعت دانش آموزان، جامعه و دانش گرد آوری شده برای تربیت شاگردان است که با نیازها، نظر سنجی‌ها، تحقیق و مطالعه انتخاب می گردد.

رابطهٔ هدف با برنامه درسی تا آن حد مهم و اساسی است که اگر ما هدف نداشته باشیم بر نامه هم نمی‌توانیم داشته باشیم؛ به عبارت دیگر، بر نامه ریزی(طرح وتهیه مواد آموزشی چون کتاب درسی، راهنمای معلم و....) تنها زمانی صورت علمی ومنطقی به خود می گیرد که هدف مشخص را دنبال کند.

در حقیقت محتوای یک درس را، اهداف دانشی که شاگردان چقدر می‌دانند؟ اهداف مهارتی که شاگردان چه سان عمل کرده می‌توانند؟ و اهداف ذهنی و یا طرز تلقی که چطور شاگردان منحیث افراد و اشخاص انکشاف می‌نمایند و در زنده‌گی اجتماعی سهم فعالانه می گیرند، تشکیل می‌دهد.

۳- تعریف مواد درسی

مواد درسی عبارت از اشیا و وسایلی است که معلم و شاگردان را برای به دست آوردن هدف درس کمک می‌نماید و یا به عباره دیگر آن وسایل سمعی و بصری که معلم در تدریس از آن کار می گیرد.

٤_ مواد ممد درسی

مواد ممد درسی شامل مواد طبیعی ساده محیطی چون دانه‌های لوبیا، نخود، سنگریزه و غیره و مواد غیر محیطی چون چارت، فلش کارت مودلها چون(کره زمین، نقشه، تصویر)و غیره. از نگاه نوعیت و ماهیت مواد به دودسته تقسیم می‌شود: مواد عمومی از قبیل کتاب درسی، تخته، تباشیر و غیره. وهم موادی مثل مودلها، گرافها، سی دی، فلم،

پرجکتور، لابراتوارها، کارت‌های مصور وساده، چارت مقوایی، فلب چارت، بکس هندسی، نقشه وغیره که توسط معلم و شاگردان تهیه و در یک درس از آن‌ها استفاده می‌شود.

مواد درسی شاگردان را از مرحله میخانیکی(که طوطی وار درس را به حافظه بسپارند) به مرحلهٔ عینیت وفهم عمیق میرساند.در را هنمای معلم هدف ما از مواد درسی مواد عمومی؛ مانند: کتاب، تخته و تباشیر و .. نیست، بلکه هدف آن مواد کمکی و موثری است که از منابع دیگر به شکل ساده و یا مدرن معلم آنرا تهیه میکند و یا تو سط فابریکه و یا کدام مرجع دیگر چون دفتر تکنالوژی آموزشی در اختیار مکاتب قرار می‌دهد.

٥_ فعالیت‌های آموزشی

هدف از آوردن فعالیت‌ها، اشتغال فراگیری شاگردان است به شکل مجموعی، انفرادی و گروپی در ایفای نقش، رونویسی، متن خوانی، مشاهده، بر قراری ارتباط، طبقه بندی و غیره که در فضای آموزشی انجام می‌یابد و یا بیرون از صنف در میدان مکتب، سیر علمی، اشتراک در جلسات و برنامه‌های فرهنگی، دینی و غیره.

برای فعالیتها در پلان درسی فرصت بیشتر اختصاص داده شده تا درس بصورت موثر در ذهن شاگردان بنشیند و شاگردان از دانش کسب شده، مهارت انجام شده و ذهنیت مثبت ایجاد شده در زنده‌گی روزمره استفاده کرده بتوانند و شاگردان به ارزش واهمیت درس که در رشد شخصیت و سلوک فردی و اجتماعی شاگردان نقش اساسی دارد پی ببرند.

٦_ارزیابی

یکی از ارکان برنامهٔ درسی است که ارزیابی پایان یک درس و ارزیابی مستمر را احتوا دارد.

ارزیابی انعکاسگر تحلیل و تفسیر اطلاعاتی است که به شکل سیستماتیک در دانش آموز، هدفهای مورد نظر سیستم آموزشی (درسی)تحقق یافته اند ویا در حال تحقق یافتن هستند و ما را مطمئن می‌سازد که به چه اندازه به اهداف دانشی و نگرشی درس مورد نظر رسیده ایم که از طریق مشاهده، آموزش کتبی ویا جدول معیاری نمرات صورت می‌پذیرد.

٧_ اهمیت درس

در زنده‌گی روزمره شاگردان متن خوانی درس، مهارتها وتک مهارتها (مهارت‌های خورد و کوچک از یک روش تدریس) چقدر کار برد عینی و عملی دارد ورشد فردی و روابط اجتماعی شا گردان به کدام مقیاس پیشرفت به دست می‌آید مورد ارزیابی قرار می گیرد.

معلم محترم می‌تواند ارزش ونتیجهٔ حاصل هر درس را از طریق مشاهده و تغییرات در رفتار، سلوک، طرز برخورد و ارتباط شاگرد با شاگرد کشف و سنجش نماید و خود را متیقن بسازد.

٨_ کار خانه گی

از اینکه شاگرد بیشتر اوقات خود را با فامیل و در میان اعضای خانواده می گذراند، بنا بر آن کار خانه گی که در حقیقت پیمایشگر اهداف درس و جزء لا ینفک یاد گیری و یاد دهی است مطابق با توانمندیهای شاگردان به شیوهٔ بسیار ساده داده شود و شا گردان تشویق به اجرای آن در اوقات فراغت به کمک دوستان، اولیا و اعضای خانواده می‌شوند.

اصول یا روش‌های تدریس

حقیقت مسلم است که انسانها هر کاری راکه میکنند باید اصول آنرا بدانند، هر گاه اصول آنرا ندانند از اجرای آن نتیجه مثبت گرفته نمی‌توانند، اصول جمع اصل و به معنی اساس و بنیاد است و در تعلیم و تربیه عبارت از یک سلسله مقررات و روش‌های منظم است که استاد در تدریس یک موضوع از آن کار می‌گیرد و در نتیجه وی رابه هدف تدریس می‌رساند.

به هر اندازهٔ که معلم به روش‌های بیشتر آشنا باشد محتوا و مواد دلخواه خویش را با در نظر داشت شرایط زمانی و مکانی در اختیار شاگردان قرار می‌دهد و هیچ شاگرد در جریان تدریس غیر فعال نبوده و تدریس استاد دلپذیر می‌شود.

تدریس: عبارت از آن سلسله فعالیت‌های منظم تعمیری است که معلم و شاگرد هر دو را به هدف تدریس می‌رساند و این اصول تدریس را میتود تدریس و یا روش تدریس نیز می گویند.

میتود یا روش تدریس

برای انجام یک کار طی نمودن مراحل لازم را میتود می گویند ویا روش یا میتود راه منظم و با قاعده و منطقی برای ارائهٔ درس است؛ پس معلوم شد که آن فعالیتهای لازم که معلم به کمک آن از طریق آسان در وقت کم مطلب را به شاگردان آموزش بدهد میتود است.

اصول تدریس اقسام زیاد دارد؛ مانند لکچر، خطابه، مشق وتمرین، سؤال وجواب، نمایش، مسابقه اجرای نقش، کار گروپی، سیر علمی، مناقشه ومذاکره، روش انفرادی، مطالعه وغیره. ما صرف آن روش‌هایی که در این رهنما از آن استفاده نموده ایم به شما معرفی مینماییم.

۱- روش کارگروپی

شا گردان یک صنف به چند گروپ تقسیم می‌شوند، هر گروپ بالای یک موضوع که از طرف معلم برایشان داده می‌شود بطور مشترک کار مینمایند، نظریات و افکار خود را باهم شریک نموده و بخاطر یاد گرفتن یک موضوع از یکدیگر می‌پرسند.

بحث و مناقشه صورت می‌گیرد، در این روش معلم حیثیت رهنما و مشاهد را داشته هر گاه درگروپ‌ها مشکل پیدا شود به سؤال‌های شان جواب می‌دهد (تجارب ثابت ساخته که آموزش گروپی نسبت به آموزش انفرادی موثر تر است).

نکات عمده‌یی که معلم باید در وقت اجرای کار گروپی در نظر داشته باشد:

۱_ بهتر است اعضای گروپ از ۳_۶ نفر باشد و گروپ‌ها نام گذاری گردند.

۲_ هدایت کار گروپی باید خوب و واضح باشد.

۳_ در صورت امکان در کار گروپی شا گردان بشکل دایروی تنظیم شوند.

۴_ در بین گروپ‌ها باید فاصله موجود باشد تا معلم بخوبی گشت و گذار کرده بتواند.

۵_ معلم گروپ‌ها را بررسی ونظارت نموده وسؤال‌های آنها را جواب می‌دهد.

۶_ در کار گروپی موضوعات باید طوری به شاگردان داده شود که قدرت اجرای آنرا داشته باشند.

۷_ در کارگروپی آینده باید شاگردان تغییر و تبدیل شوند.

۸_ در کار گروپی وقت تعیین شود.

۹_ در آخر کار گروپی نتیجهٔ آن اعلان شود.

۲_ روش اجرای نقش: شاگردان سهم می‌گیرند و موضوع درس را که قابل تمثیل باشد به شکل صحنهٔ حقیقی تمثیل می‌نمایند.

نکات عمده که در روش اجرای نقش باید در نظر گرفته شود:

۱_ از این روش وقتی استفاده گردد که مردم آنرا بد نبینند.

۲_ مواردی که برای اجرای نقش ضرورت است باید قبلاً تهیه شود.

۳_ معلم باید در مورد اجرای نقش شاگردان موقف تسهیل گر و یک رهنما را داشته باشد.

۴_ دروقت اجرای نقش، معلم باید کنترول صنف را مد نظر داشته باشد.

۵_ در روش اجرای نقش باید برای شاگردان هدایات واضح داده شود که کدام شاگرد در کدام نقش، چه کارها را، چه وقت انجام دهد.

۶_ در روش اجرای نقش باید شاگردانی انتخاب شوند که قدرت اجرای آنرا داشته باشند.

۷_ اجرای نقش در همان نقطهٔ صنف اجرا شود که تمام شاگردان دیده بتوانند.

۳- روش سؤال وجواب

در این روش موضوع درس به قسمت‌های کوچک تقسیم گردیده و از هر قسمت آن سؤالات طرح می‌شود. نکات عمده یی که در این روش باید در نظر گرفته شود قرار ذیل است:

۱_ معلم باید طوری بپرسد که شاگرد مفهوم پرسش را بداند.

۲_ وقتیکه یک شاگرد سؤال مینماید معلم باید سؤال این شاگرد را به شاگرد دیگر راجع سازد تا او جواب بدهد.

۳_ به شا گردان موقع داده شود تا از یکدیگر سؤال نمایند.

۴_ در وقت سؤال و جواب باید معلم از موضوع خارج نشود.

۵_ در روش سؤال و جواب به اکثریت شا گردان سهم داده شود.

۶_ شا گردی که همیشه می‌خواهد سؤال را جواب بگوید با تشویق همین شاگرد، برای دیگران هم فُرصت داده شود.

۷_ وقت باید در نظر گرفته شود.

۸_ شاگردی که در سؤال و جواب سهم نمی‌گیرد در سؤال و جواب شامل ساخته شود.

۹_ معلم محترم شاگرد را در صورت ارائهٔ جواب غلط، تهدید نکند.

۱۰_ معلم محترم باید شاگرد را در صورت ارائهٔ جواب صحیح تشویق نماید.

٤_ روش مسابقه

مسابقه یکی از روش‌های اصول تدریس میباشد، در این روش رقابت مثبت بین شاگردان ایجاد شده و یک گروپ از شاگردان کوشش می‌نماید تا از گروپ دیگر مسابقه را ببرد، در این روش شاگردان بیشتر فعال بوده و مرکز فعالیت قرار میگیرند. در این اصول(روش) شاگردان به دو گروپ یا بیشتر ازآن نظر به لزوم دید تقسیم می‌شوند و از هر گروپ به سویه‌های مساوی به تعداد مساوی شا گردان انتخاب می‌شوند و از این روش در صنوف ابتدایی و ثانوی میتوان کار گرفت.

نکاتی که در روش مسابقه باید در نظر گرفته شود، قرار ذیل است:

۱_ هدایت مسابقه باید واضح باشد.

۲_ در وقت مسابقه صنف باید کنترول شود.

۳_ در توزیع نمرات عدالت مراعات شود.

۴_ سؤالات مسابقه باید متنوع بوده و آسان و مشکل ترتیب گردیده و از هر گروپ مساویانه پرسش صورت گیرد.

۵_ در روش مسابقه یک شا گرد از شاگرد دیگر سؤال می کند، و اگر شا گرد سؤال کرده نتواند معلم سؤال خواهد کرد.

۶_ در اخیر باید نتیجهٔ مسابقه اعلان شود.

٥_ روش مباحثه و گفتگو

درین روش معلم سؤالات تفکر بر انگیز را ارائه می‌نماید و فرصت مناقشه را برای شاگردان می‌دهد، بعد جوابات صحیح را انتخاب نموده و آنرا در روی تخته می‌نویسد، تا که همه عناصر موضوع به پایه اکمال رسد و در اخیر جمع بندی می‌نماید و ارتباط بین افکاری که همراه شاگردان به توافق رسیده باشد با استدلال از آیات، احادیث، سیرت و دلایل فقهی و اقوال و اعمال سلف صالح مبتنی بر سهم گیری شاگردان، برای اینکه منابع شریعت سر چشمه‌های اساسی برای اندیشیدن و استدلال باشد استفاده می گردد.

٦_ روش حل مسأله

درین شیوه از طرح یک مشکل و یا یک پرسشی که مربوط به زنده‌گی روزمره است کار گرفته می‌شود تا توجه شاگردان را جلب نموده و آنان را به کاوش وا دارد تا راه رسیدن به حل مشکل و یا پرسشی را در یابند.

با به کارگیری این شیوه توا نایی شا گردان در اندیشیدن و جستجو نمودن افزایش یافته، مهارت بکار گیری منابع و تنظیم معلومات پدید می‌آید؛ زیرا احکام و دساتیر اسلامی رابطه تنگاتنگی با زنده‌گی روزمره شاگردان داشته و به قضایای زنده‌گی و مشکلات آنان ارتباط دارد، و درست بکار گیری این اسلوب که شا گردان توانایی سهم گیری فعال را به دست می‌آورند و شاگردان را به درک حکمت شریعت کمک می‌نماید، درک شریعتی که روابط انسان‌ها را نظم بخشیده و مصلحت‌های آنان را بهتر بر آورده می‌سازد ورابطه شاگرد را با خداوند بزرگ محکمتر وعمیق ترمی سازد.

۷_ روش تحلیل(تجزیه)مفاهیم

در این روش محدود ساختن درس که دارای مفاهیم باشد و استوار با مثالها را ارائه نماید واین کار با بکار گیری یکی یا بیشتر از استراتیژی‌های این اسلوب تدریس انجام می‌پذیرد؛ مثلاً:

_ مثالهای مثبت و منفی، تعریف، فشردهٔ خصایص.

_ تعریف مفهوم، مثالهای مثبت و مثالهای منفی.

_ مثالهای مثبت و منفی، تعریف مفهوم.

استخدام چنین روش در تدریس تربیهٔ اسلامی کمک نموده و برای شناخت بیشتر و ترسیخ آن در ذهن شا گردان صورت می گیرد و شا گردان را به فهمیدن حقایق اسلام به صورت واضح و دور از هر نوع شبه و فهم نادرست قادر می‌سازد.

۸_ روش قصه و حکایت

معلم جهت تدریس تاریخ و واقعیات تاریخی از اسلوب قصه استفاده می‌نماید، اساسات قصه را مراعات نموده تا مورد د لچسپی و علا قمندی شا گردان قرار گیرد و چیزهایی که شیوۀ قصه در پی دارد؛ مثل: تحلیل و نتیجه‌گیری از حکمت‌های که در آن نهفته است مراعات گردد. کوتاه ساختن قصه، واضح نمودن اندرزهایی که در آن موجود می‌باشد؛ چنین روش هم برای خورد سالان و هم برای بزرگ سالان بکار برده می‌شود و همچنان از روش قصه جهت تدریس سیرةالنبی ﷺ بیشتر استفاده شود.

در اسلوب قصه نکات ذیل باید در نظر گرفته شود:

_ قصه باید کوتاه باشد وقبل ازختم ساعت درسی تمام شود.

_ در قصۀ انتخاب شده فهم شاگردان مد نظر گرفته شود.

_ قصه مورد علاقه و دلچسپی شا گردان قرار گیرد.

۹_ روش نمایش

در ین شیوه معلم برخی از موضوعات درس را تحریر نموده، بعد برای هر شاگرد نقشی را تعیین می‌نماید و آنرا به طور فعال و مؤثر اجرا نموده تاکه تأثیر آن در ذهن شا گردان باقی بماند.

برای بر آوردن این هدف می‌توانیم از نمایش‌های شنیدنی ویا دیدنی مثل رادیو و ویدیو استفاده نماییم.

لازم است تا در شیوۀ تمثیل از ایفای نقش انبیای کرام علیهم‌السلام وکبار صحابه رضی‌الله‌عنهم جداً خود داری نمود تا خدای نخواسته به شخصیت آنها صدمه وارد نشود.

۱۰_ روش لکچر (سخنرانی)

معلم زمانی این شیوه را بکار می‌برد که قبلاً برای شاگردان مفاهیم مهم را ارائه کرده باشد و خود را مطمئن سازد تاچه حد معلومات و مفاهیم در اذهان شاگردان جاگزین گردیده است. قابل تذکر میباشد که در این شیوه معلم از اطالت ودراز ساختن بیش ازحد موضوع پرهیز نماید تا سبب خستگی و پراگنده‌گی اذهان شاگردان نگردیده و همچنان سخن‌های استاد در بر گیرندۀ سؤالاتی باشد تا باعث جلب توجه شاگردان گردد و همزمان ایشان بتوانند سهم فعال در آموزش بگیرند تا اسلوب سخنرانی و خطابه نیز در آن تحقق یابد.

۱۱_ روش مشق وتمرین(تکرار)

از این شیوه در تدریس قرآن کریم، احادیث نبوی و متن‌هایی که از شا گردان خواندن دقیق و درست آن مطالبه و مقصود می‌باشد کارگرفته می‌شود، شا گرد قرائت و نطق کلمات و متن‌ها را با تطبیق احکام تجوید می‌شنواند.

در آموزش تلاوت برای صنوف ابتدایی به خصوص برا ی حفظ سوره‌ها و احادیث توسط شا گردان، معلم نا گزیر، از بکار گیری این شیوه می باشد؛ به گونه ای که استاد یک آیه و یا جزء آن را می‌خواند و شاگردان در گروه‌ها و دسته‌ها با آن تکرار می‌نمایند، چنانکه کلمات دشوار و عباراتی که به توضیح بیشتر نیاز دارد جدا گانه تکرار می‌نمایند.

۱۲- روش تمرین عملی

تمرین عملی در به دست آمدن مهارت‌های عملی در موضوعاتی که به عمل نیازمند است آشکار می‌گردد، مانند نماز، وضو، تیمم و مهارت کامل تلاوت، و مهارت‌های تحقیق و به کار گیری مراجع ورسم نقشه‌ها و خواندن آنها. درین

شیوه شاگردان آنچه را قابل تطبیق است در داخل و یا خارج از صنف زیر نظر معلم وبه رهنمایی او که از فهم شاگردان بالا نباشد عملی می‌نمایند.

۱۳_ روش جستجو و کشف

درین شیوه شاگرد مکلف به مراجع و مصادر و منابع علمی، منابع مضمون درسی و دریافت معلومات ضروری و تعمق در آیات قرآن کریم، کتب تفسیر، باز دید از اماکن و مراکز تخصصی و استفاده از نشریات و روزنامه‌ها می گردد.
درین شیوه نقش شاگردان بحث، اکتشاف و جمع آوری معلومات است؛ سپس منظم نمودن آن‌ها و تقدیم نمودن و مناقشهٔ آنها با شاگردان و تهیه خلاصه آنچه مناقشه شده برروی تخته می باشد، تا خلاصه کار شاگرد برای دیگر شاگردان سرمشق قرار گیرد. برای معلم که شیوه‌های یاد شده را بکار می‌بندد مناسب است تا موارد آتی را مد نظر داشته باشد:
_ مقدمهٔ درس را آماده نموده و اذهان شا گردان را به وسیلهٔ یکی از شیوه‌های یاد شده آماده سازد، مانند بر انگیختن به اشکال، و یا طرح سؤال، خوانش قصهٔ جالب، نمایش تصویر یا تکرار درس گذشته و یاچیزهای دیگری که در اسلوب مقدمه و وسایل آن توضیح داده شده است.
_ عقیدهٔ اسلامی مبدأ و سر چشمه همه موضوعات مربوط به تعلیمات اسلامی باشد.
_ شاگردان را تشویق به سهم گیری فعال در جریان استفاده از شیوه‌های یاد شده نماید تا آنجا که ممکن است خود آموزی را در آنان تقویت کند.
_ در هنگام استفاده از شیوه‌های تدریس تنوع را به کار برده تا اهداف مد نظر بر آورده شده و تفاوت‌های فردی را که در میان افراد صنف است در نظر داشته باشد، بنا برین، تدریس خود را با بکار گیری شیوهٔ گفت و گو، داستان، تمثیل، جستجو، تحلیل مفاهیم، و تمرین عملی متنوع نماید تا کفایت خوبی در تدریس از خود بروز داده و مشارکت وسیع شاگردان را جلب نماید؛ بدیهی است که باید از تدریس ملالت آور واستفاده از یک روش تدریس دراز مدت اجتناب گردد.
_ معلم محترم باید بیشتر کوشش نماید تا شواهدی را از قرآن کریم با توجه به سطح دانش و توانایی‌های عقلی و علمی شاگردان انتخاب نماید.
در اخیر توجه استادان گرامی را روی چند اصل آتی خواهانیم تا باشد که با رعایت آن اثر بیشتر در سلوک و ذهنیت شاگردان هویدا گردد:
۱_ معلم محترم به رعایت هدایات و رهنمایی‌های این کتاب مکلف است و در عین حال از هر آنچه که در تدریس مفید واقع می گردد استفاده کند.
۲_ از و جایب معلمین ماست که رهنما را قبلاً مطالعه نموده و برای ارائهٔ درس آماده‌گی لازم بگیرند.
۳_ دا نش‌های لازمی را عمیقاً مطالعه نموده محتویات آن را در صورت امکان به زبان ساده به شاگردان انتقال دهد.
۴_ معلم محترم حین ورود به صنف بعد از ادای سلام به تدریس آغاز نماید و با گفتن نام خداوندﷻ با در نظر داشت کسب ثواب، ترقی وطن و اولاد وطن درس را به پیش ببرد.
۵_ از اظهار سخنان اضافی خود داری نموده، حقایق علمی و شرعی را از شاگردان نپوشاند.
۶_ در صورت مواجه شدن به اغلاط طباعتی کتاب درسی ورهنمای معلم در تصحیح آن بکوشد.
در اخیر از خداوند بزرگ برای همه معلمان محترم و فرزندان وطن خویش توفیق مزید را خواهانیم.

درس اول (قسمت اول)

عنوان: دلایل وجود و وحدانیت خداوند تعالی در کاینات

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- آیت شماره(۱۶۴) سورۀ بقره را به صورت درست تلاوت و حفظ کرده بتوانند.
- در روشنایی این آیت مبارکه به دلایل وجود ذات واجب الوجود و توحید الوهیت او تعالی، معلومات حاصل نمایند.
- آفرینش آسمان‌ها و زمین، گردش شب و روز، حرکت کشتی‌ها در بحر، پیدایش آب و رویانیدن گیاهان و زنده‌جان‌ها را از دیدگاه آیات تکوینی و علوم ساینسی تحلیل و تجزیه کرده بتوانند.

دانش لازمی

توحید

توحید اولین و اساسی ترین شرط رستگاری و رسیدن به کمال معنوی است، توحید مهمترین موضوع مطرح شده در همه کتابهای آسمانی و مخصوصا قرآن مجید است، توحید هدف بعثت رسل و سر لوحه دعوت همه انبیاء از آدم تا خاتم و در واقع دعوت مشترک همه انبیا بوده است؛ یعنی با وجود اینکه بسیاری از پیامبران شریعت و کتاب جداگانه و مستقلی داشته اند و در فروع هرکدام احکام مخصوص خود را تبلیغ میکرده اند؛ اما توحید موضوع مشترک در دعوت همه آنها بوده که این خود بیانگر اهمیت مسألۀ توحید است. قرآن مجید دعوت انبیا را به تفصیل بیان کرده و توحید را اساس دعوت همه پیامبران قرار داده است، چنانکه می فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولاً أَنِ اعْبُدُواْ اللّهَ وَاجْتَنِبُواْ الطَّاغُوتَ فَمِنْهُم مَّنْ هَدَى اللّهُ وَمِنْهُم مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلالَةُ فَسِيرُواْ فِي الأَرْضِ فَانظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ﴾ [النحل: ٣٦]

ترجمه: ما در میان هر ملتی پیامبری فرستادیم که خدا را بپرستید و از طاغوت دوری کنید، پس خداوند گروهی از آنها را هدایت داد و گروهی از ایشان گمراهی بر آنها واجب گردید، پس در زمین گردش کنید و ببینید که سر انجام کار کسانی که تکذیب کرده اند به کجا کشیده است.

اگر دین را عبارت از اعتقاد، اخلاق و اعمال بدانیم بدون شک مهمترین بخش آن ، بخش اعتقاد است و مهمترین بخش مسایل اعتقادی ، اعتقاد به خدای یکتا است و تنها همین اعتقاد است که انسان را به رضای الهی و بهشت جاوید می رساند و بدون این عقیده اگر کسی حتی به اندازه تمام دنیا اعمال صالحه و اخلاق فاضله داشته باشد باز هم عاقبتش جهنم و عدم رضایت خداوند خواهد بود﴿إِنَّ اللّهَ لاَ يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاء﴾ [النساء: ۴۸]

ترجمه: به تحقیق خداوندﷻ این را که به او شرک ورزیده شود، نمی‌آمرزد و فروتر از آن را بر هر که بخواهد می‌آمرزد. موحد گناهکار بخشیده خواهد شد اما عابد مشرک هرگز بخشیده نمی‌شود؛ زیرا مشرک بزرگترین ظلم را نسبت به خداوند مرتکب شده و ظالم هرگز رستگار نمی گردد. ﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴾ [لقمان: ۱۳].

ترجمه: بدون شک شرک ظلمی است بزرگ.

شاه ولی الله دهلوی رحمه الله می فرماید : «توحید سه مرتبه دارد: اول اینکه تنها خداوند را واجب الوجود بدانیم ، دوم اینکه تنها خداوند را خالق و گرداننده آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است بدانیم ، سوم اینکه هیچ کس را جز ذات الله لایق عبادت ندانیم».

برای اینکه شخص موحد قرار بگیرد لازم است به همه این موارد اعتقاد داشته باشد و در هیچ یکی از این سه موارد با خداوند شریک نسازد. شرح مختصر موارد سه گانهٔ توحید قرار آتی می‌باشد:

۱- توحید فی وجوب الوجود: یعنی اعتقاد به این که انسان ذات الله ﷻ را واجب الوجود، قدیم و ازلی بداند و معتقد باشد که الله ﷻ همیشه بوده و است و جز او هیچ کس واجب و ازلی نیست؛ بلکه دیگران ممکن الوجودند، با مشیت الهی بوجود آمده اند و روزی هم با مشیت الهی از بین می‌روند. قرآن مجید در این باره می فرماید: ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ [القصص: ۸۸] در جایی دیگر می فرماید ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ * وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾. [الرحمن: ۲۶-۲۷] هر که بر روی آن (زمین) است فنا شنونده است و ذات پروردگارت که ذو الجلال والاکرام است باقی می‌ماند.

خداوند متعال در قدیم بودن ذات و صفات خویش تنها و منفرد است ، پس وجود الله هیچ آغازی ندارد و جز او تعالی هیچ کس در ذات و صفات قدیم نیست.

قرآن مجید در این باره می فر ماید : ﴿أَلاَ لَهُ الْخَلْقُ وَالأَمْرُ﴾. [الأعراف: ۵۴].

ترجمه: آگاه شو که خلقت و آفرینش و تدبیر امور خاص به دست خداوند است.

و در جایی دیگر می فرماید: ﴿قُلِ اللهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ [الرعد: ۱۶] ترجمه: بگو خداوند آفریننده هر چیزی است و اوست یگانهٔ قهار.

علامه آلوسی در این مورد می گوید: خلق کردن یعنی اختراع بدون استفاده از الگو و نمونه، ولی گاهی بمعنی طراحی کردن بکار می‌رود؛ پس به معنی اول هیچ کس جز خداوند به آن متصف نمی‌گردد؛ اما به معنی دوم گاهی دیگران هم متصف میگردند.

۲- توحید فی التصرف و التد بیر : یعنی اعتقاد بر این که گرداننده و کنترول کنندهٔ جهان هستی ذات خداوند متعال است و هیچکس با الله در این صفت شریک نیست و حتی در جزئی ترین مسایل کسی جز الله تصرفی ندارد ، نه ذاتا و نه عطاءً، یعنی نه خود چنان قدرت و صلاحیتیی دارد و نه خداوند به کسی چنین فضیلتی را عطا کرده است که بتواند با قدرت غیبی و ما فوق اسباب درفعل وانفعالات عالم تأثیری داشته باشد، مثلاً: در گردش زمین و زمان، لیل و نهار، آبادانی و ویرانی و یا آوردن حالات مختلف همانند پیروزی و شکست ،پریشانی و خوشحالی ، کشتن و زنده کردن ، ضرر رساندن و نفع دادن ، دادن فرزند و عقیم کردن و خلاصه در هیچ پدیدهٔ کوچک و بزرگی کسی نمی‌تواند اعمال نظرکند، و این تنها ذات بی مانند الله است که همه کارهای عالم را می گرداند ، اوست که دگرگونی‌ها را در جهان ایجاد می کند ، به هرکس که بخواهد می‌بخشد و از هر کس که بخواهد می گیرد. ﴿يُدَبِّرُ الأَمْرَ مَا مِن شَفِيعٍ إِلاَّ مِن بَعْدِ إِذْنِهِ﴾ [یونس: ۳].

ترجمه: خداوند امر را تدبیر میکند، هیچ شفاعت گری مگر بعد از اذن او نیست.

﴿يُدَبِّرُ الأَمْرَ يُفَصِّلُ الآيَاتِ لَعَلَّكُم بِلِقَاء رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ ﴾[الرعد: ۲] ترجمه: خداوند کار آفرینش را تدبیر میکند و آیات خود را به روشنی بیان میکند، باشد که شما به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید. قرآن مجید تصرف دیگران درعالم هستی و تغییرات آنرابه صراحت ردکرده است. مثلا در مورد گردش ایام می‌فرماید: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاء أَفَلَا تَسْمَعُونَ * قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ [القصص: ۷۱- ۷۲] ترجمه: بگو (ای پیامبر) آیا نگریسته اید اگر خداوند شب را تا روز قیامت همیشه بر شما ماندگار کند بجز خدا کدام معبود است که بتواند برای شما روشنایی بیاورد آیا نمی‌شنوید، بگو به من خبر بدهید اگر خداوند روز را تا قیامت بر شما جاودانه گرداند بجز خدا کدام معبود است که بتواند برای شما شبی را بیاورد تا در آن بیارامید آیا نمی‌بینید. و در مورد فرود آوردن باران می فرماید: ﴿أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاء الَّذِي تَشْرَبُونَ * أَأَنتُمْ أَنزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ﴾ [الواقعه: ۶۸ – ۶۹] ترجمه: آیا هیچ در مورد آبی که می‌نوشید اندیشیده اید آیا شما آنرا از ابر فرود آورده اید یا ما آنرا فرود آورنده ایم . و در مورد اعضاء و جوارح انسان می فرماید: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُم مَّنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللّهِ يَأْتِيكُم بِهِ﴾ [الانعام: ٤٦] ترجمه: بگو به من خبر دهید اگرالله شنوایی و بینایی تان را بگیرد و بر دلهایتان مُهر نهد غیر از الله آیا معبودی است که آن را به شما برگرداند.

۳- توحید فی الالوهیت : سومین و مهمترین بخش توحید این است که درعبادت کسی باخدا شریک قرارداده نشود و همه عبادتها ازجمله عبادتهای قولی، عملی ، مالی و مخصوصا دعا و تضرع که مغز عبادت است فقط برای ذات الله انجام بگیرد ، همه نذرها و نیازها به نام او داده شود ، در مشکلات فقط او خوانده شود و فقط از او کمک گرفته شود. جز او برای هیچکس سجده ، طواف و اعتکاف نشود وهیچ کس جز او برای حل مشکلی و یا حصول نعمتی خوانده نشود. توحید فی الالوهیه مهمترین بخش توحید است و بیشترین آیات قرآن مجید برای تأکید آن نازل شده اند زیرا بزرگترین انحراف بشر در همین بخش از توحید بوده است .قرآن مجید در این باره می فرماید : ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾ [محمد: ۱۹] ترجمه: پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست. ﴿اللّهُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ [آل عمران: ۲] ترجمه: الله؛ جز او معبودی نیست، حی و قیوم است.

علامه ابو العز الحنفی می‌فرماید:

«اگر کسی به توحید ربوبیت معترف باشد اما با وجود آن تنها خدا را عبادت نکند و ازعبادت غیر الله بیزار نباشد همانند دیگر مشرکین مشرک است ».

معانی کلمات:

تجری: حرکت می کند.

روش تدریس: مسابقوی، توضیحی، سؤال و جواب.

مواد ممد درسی: کتاب تفسیر، مودلها و پوسترها.

جریان درس:

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	معلم محترم حین ورود به صنف تحفۀ خالدۀ اسلام را که لفظ السلام علیکم ورحمة الله و برکاته است به شاگردان القاء می‌نماید و پس از حمد و ثنای باری تعالی و درود به حضرت فخر کاینات محمد مصطفی با شاگردان صمیمانه احوال پرسی می‌کند و سال نو تعلیمی را ضمن ارتقای شاگردان از صنف دهم به صنف یازدهم تبریک می‌گوید و خود را به شاگردان معرفی می‌نماید. معلم محترم با یک مرور گذرا به درسهای تفسیر شریف صنف دهم، فهرست درس‌های صنف یازدهم را بصورت اجمال به شاگردان ارایه بدارد. - معلم محترم با گفتن استعاذه و بسمله آیت مبارکه(۱۶۴) را به آواز رسا و زیبا و با رعایت تجوید تلاوت نماید و سپس از سه نفر شاگرد بخواهد تا بالنوبه آیت(۱۶۴) سورۀ بقره را قرائت کنند.
۲۵ دقیقه	معلم محترم عناوین جانبی درس را به تخته می‌نویسد و در بارۀ هر مطلب که از فحوای آیت مبارک نمودار می‌شود و بر وجود وحدانیت الله تعالی دلالت صریح دارد به شکل توضیحی به شاگردان ارایه می‌نماید و هر گاه پوسترها و مودلهایی در این رابطه در دسترس باشد و دال بر دلایل قدرت و وحدانیت الله تعالی باشد نشان دهی کند. معلم محترم به شاگردان هدایت می‌دهد تا در گروپ‌های دو نفری معانی کلمات قرآنی را به کمک یکدیگر نوشته کنند و به نماینده‌گی از صنف یکنفر شاگرد نقاط مهم درس را به همصنفانش ابراز نماید. ـ معلم محترم شاگردان را به دو گروپ تقسیم نموده، گروپ اول نظریات شان را در بارۀ آفرینش آسمان‌ها و گروپ دوم در مورد آفرینش زمین با هم به شکل مسابقوی بحث و خلاصۀ آن را نماینده گان هر گروپ ایراد نمایند و معلم محترم گروپ‌ها را مورد تشویق قرار دهد. ـ معلم محترم به شاگردان فرصت دهد تا سؤال‌های شان را به ارتباط یادگیری درس و حل نقاط مشکل طرح نمایند و معلم محترم با جبین گشاده پاسخ‌های مناسب ارایه می‌کند. **خلاصۀ درس** ▪ در این آیت مبارک مخلوقات و پدیده‌های هستی در کاینات برای اثبات وجود خداوند متعال، وحدانیت و قدرت او تعالی ذکر گردیده اند. ▪ خداوند یکتا و توانا آسمانها را با این همه وسعت و بزرگی بدون ستون برقرار ساخته و آن را با آفتاب و مهتاب و ستارگان روشن و استوار ساخته است. ▪ خداوند قادر و توانا زمین را آفرید و آن را هموار ساخت تا انسان بالای زمین زندگی کند و از نعمت‌های بیکران او تعالی بهره مند گردد و شکر خالق و منعم خویش را بجا آورد. ▪ گردش پیهم و منظم شب و روز یکی از نشانه‌های بزرگ قدرت خداوند جل جلاله بوده و فواید و منافع زیادی را برای انسان و دیگر مخلوقات خداوند متعال میسر گردانیده است. ▪ حرکت کشتی‌ها در بحر نقش و تأثیر اساسی در حیات جوامع بشری دارد، ذکر کشتی‌ها و

حرکت آن در بحرها منافع انسانها، در زمان نزول وحی یکی از نشانه‌های قدرت خداوند یکتا و یکی از معجزه‌های قرآن کریم می‌باشد. **ارزیابی** معلم محترم با استفاده از سؤال‌های متن درس شاگردان را به گونهٔ مثال چنین ارزیابی می‌کند: ۱. کدام یک از شما میتواند آیت مبارکهٔ درس را به آواز بلند تلاوت نماید؟ ۲. دلایلی که بر اثبات وحدانیت خداوند تعالی ضمن آیت کریمه آمده نام بگیرید. ۳. مفهوم "تصریف الریاح" چیست واضح سازید. ۴. از گردش کشتی‌ها در بحر برای انسانها چی فایده می‌رسد؟ **کارخانه‌گی** معلم محترم به شاگردان وظیفه بدهد تا در بارهٔ فواید آفرینش کرهٔ زمین و اقلیم مناسب آن برای زنده‌گی انسانها یک مقالهٔ ده سطری بنویسند و در ساعت درسی صنف قرائت کنند.	۱۵دقیقه

درس دوم (قسمت دوم)

عنوان: دلایل وجود و وحدانیت خداوند تعالی در کاینات

صفحه: ۷

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- موارد و نشانه‌های تکوینی قدرت خداوند جل جلاله در آیت مبارکه را تطبیق و نشاندهی کرده بتوانند.
- از فواید و آموختنی‌های درس در زنده‌گی استفاده کنند و به دیگران هم مصدر خدمت شوند.

معانی کلمات:

دَآبَّةٍ: هر جنبدهٔ بالای زمین(موجودات حیه).

يَعْقِلُونَ: می‌فهمند و اشیای محسوس و معقول را به جوهر عقل درک می‌کنند.

روش تدریس: سؤال و جواب، کار گروپی و ایفای نقش.

مواد ممد درسی:کتاب تفسیر، البوم‌ها و پوسترهای طبیعی در صورت موجودیت.

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	معلم محترم بعد از تقدیم (السلام علیکم و رحمة الله وبرکاته) با شاگردان صمیمانه احوالپرسی نموده و بعد از ملاحظهٔ کارخانه‌گی با طرح چند سؤال درس گذشته را چنین ارزیابی میکند: ۱. کی میتواند آیت مبارکهٔ درس را به آواز بلند تلاوت نماید؟ ۲. در آیت کریمه لفظ (السماوات) به چه دلالت می‌کند؟ ۳. چهار فایدهٔ زمین و گردش شب و روز را بیان نمایید. ۴. آیا گفته میتوانید که گردش کشتی‌ها در بحر برای انسانها چه فایده می‌رسانند؟
۲۵ دقیقه	با خواندن استعاذه و بسمله آیت مبارکه(۱۶۴) سورهٔ بقره را خود تلاوت می‌کند، و سپس در رابطه به قسمت اول درس مظاهر قدرت، وجود و وحدانیت خداوند جل جلاله را بالترتیب در مورد آفرینش آسمان‌ها، زمین، گردش شب و روز و کشتی‌های روان در بحر از چهار نفر شاگرد میپرسد و بعد از حصول اطمینان بقیه آیت مبارکه را از ﴿وَمَا أَنزَلَ اللّهُ مِنَ السَّمَاء﴾ الی آخر آیت ترجمه و تفسیر نماید و در هر قسمت از شاگردان نیز نظر خواهی کرده به سؤال‌های شان جواب‌های قناعت بخش ارایه کند. ـ معلم محترم عناوین جانبی درس (فرود آوردن آب از آسمان، زنده ساختن زمین، تحریک و توجیه بادها، ابرهای معلق در فضا) را روی تخته نوشته و ضمن توضیح مفاهیم و مطالب پیام آیت مبارکه، شاگردان را در بحث با خود مشارکت بخشیده و در بارهٔ آب عنصر زنده‌گی و فرود آمدن آب باران از آسمان، و زنده ساختن(صالحیت زمین برای کشت و زراعت و رشد و نموی حبوبات، نباتات، درختان مثمر و غیر مثمر، گل‌ها و باغستانها و همچنان وزش بادها و نسیم سحرگاهی و ابرهای فشارندهٔ باران که در بین آسمان و زمین معلق اند و به مشیت و ارادهٔ الهی ﷻ به هر طرف در حرکت اند و بادها، ابرها را سوق می‌دهند که در این موضوعات فکر و بصیرت صاحبان عقل سلیم تفکر می‌کنند، به تفصیل

صحبت باهمی می‌نمایند. ـ معلم محترم شاگردان را به شش گروپ مطابق مطالب پیامد درس تقسیم نموده و هر گروپ در بارهٔ یک مطلب از اعجاز خلقت و مظاهر قدرت الله تعالی و منابع سرشار مواد غذایی و انرژی انسانها و سایر زنده جان‌ها با هم بحث و گفتگو کنند و نمایندهٔ هر گروپ در پیشروی صنف نتیجهٔ فعالیت شانرا طور شفاهی و انجام ایفای نقش ارایه نماید. **خلاصهٔ درس** معلم محترم در پایان درس قسمت اول و قسمت دوم واحدهای درسی را چنین جمعبندی نموده و ایراد می کند: ▪ فرود آوردن منظم قطره‌های باران از آسمان (ابرهای فشرده شده) بیانگر قدرت کامله و وحدانیت خدا جل جلاله است. ▪ آب باران سبب رویش انواع نباتات و زنده جانهاست. ▪ آب عنصر حیات است زمین خشک و بایر را آمادهٔ کشت و زراعت میگرداند. ▪ بادها سبب جهش ابرها و بقای حیات سایر زنده جانها در روی زمین اند. ▪ ابرهای معلق که در بین آسمان و زمین مسخر و زیر فرمان خدای تعالی قرار دارند که مطابق حکم و ارادهٔ الهی در وسط فضا قرار می‌گیرند از نشانه‌های دیگر قدرت و وحدانیت خدای متعال میباشد. ▪ عقل سلیم و اندیشهٔ سالم باید تا در این امور هشتگانه تفکر نموده و به شهکار قدرت الهی به صورت ملموس بیشتر معتقد شود.	۵ دقیقه
ارزیابی ـ معلم محترم به هدف حصول اطمینان از یادگیری درس، شاگردان را با طرح سؤالهایی از متن کتاب درسی چنین ارزیابی می کند: ۱. در بارهٔ فرود آوردن آب باران از آسمان به وجود و وحدانیت خدا جل جلاله چگونه استدلال میکنید؟ ۲. نقش حرکت بادها در تشکل ابرها و باریدن باران و اثرات آن را بیان نمایید. ۳. کی میتواند در رابطه به محتوای آیت کریمه یک حدیث شریف را که به تفکر و تدبر کاینات فرا می‌خواند ارائه نماید؟ **کارخانه‌گی** استاد محترم با استفاده از هدایت کتاب درسی به شاگردان وظیفهٔ خانه‌گی می‌سپارد.	۱۰ دقیقه

درس سوم

عنوان: مراحل خلقت انسان در پرتو قرآن کریم

صفحه: ۱۰

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- آیات شماره(۱۲-۱۴) سورهٔ المؤمنون را درست تلاوت، ترجمه و تفسیر کرده بتوانند.
- دلایل قدرت و عظمت الله تعالی را در شکل گیری انسان از بدو پیدایش بفهمند.
- اعجاز علمی قرآن کریم را در رابطه به مراحل خلقت انسان بیاموزند.
- تطور خلقت انسان را از دیدگاه قرآن و علم طب مقایسه کرده بتوانند.

دانش لازمی

علم جدیدی به نام جنین‌شناسی وجود دارد، که در مورد شکل‌گیری جنین در رحم مادر بحث می‌نماید و در سال‌های اخیر پیشرفت چشم‌گیری نموده است و داکتران و دانشمندان می‌توانند تحولات و تکامل جنین را در رحم در هفته‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم تصویربرداری نمایند در میان این تصویرها از جنین، تصویر هفتهٔ ششم موردنظر و توجه ما می‌باشد. در تصویر دیده می‌شود که بینی و دهان با هم مخلوط شده و به چشم متصل شده‌اند، و سر به تنه چسبیده است، این تصویر جنین در آغاز هفتهٔ ششم می‌باشد، و چون این هفته به پایان رسد سر از تنه جدامی گردد، و شکل‌های چشم، گوش، دهان و دست و پا ظاهر می‌شوند، این شکل‌ها سیمای آخر هفتهٔ ششم جنین را تشکیل می‌دهند، و چون هفته هفت روز است، پس هرگاه هفت را در شش ضرب نماییم حاصل ضرب چهل و دو می‌شود .

در این را بطه پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید :

عَنْ حُذَيْفَةَ بن أُسَيْدٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: " إِذَا مَرَّ بِالنُّطْفَةِ ثِنْتَانِ وَأَرْبَعُونَ لَيْلَةً بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهَا مَلَكًا ، فَصَوَّرَهَا وَخَلَقَ سَمْعَهَا وَبَصَرَهَا وَجِلْدَهَا وَلَحْمَهَا وَعَظْمَهَا ، وَقَالَ : يَا رَبِّ ، أَذَكَرٌ أَمْ أُنْثَى ؟ فَيَقْضِي رَبُّكَ مَا شَاءَ وَيَكْتُبُ الْمَلَكُ ، ثُمَّ يَقُولُ : رِزْقُهُ ؟ فَيَقْضِي رَبُّكَ مَا شَاءَ وَيَكْتُبُ الْمَلَكُ ، وَالصَّحِيفَةُ فِي يَدِهِ ، فَلا يَزِيدُ عَلَى مَا أُمِرَ وَلا يُنْقِصُ ".[1]

حذیفه بن أسید روایت نموده که از پیامبر خدا شنیدم می‌فرمود : هرگاه چهل و دو شب از عمر جنین سپری شود خداوند فرشته‌ای را بسوی وی فرستد برای اینکه گوش، چشم، پوست، گوشت و استخوان او را شکل دهد، سپس فرشته گوید ای پروردگارم دختر باشد یا پسر ؟، خداوند هر چه بخواهد حکم نماید و فرشته بنویسد و بگوید خدایا! اجل او چگونه باشد؟ پروردگارت هر چه بخواهد حکم نماید و فرشته می‌نویسد، سپس [فرشته] می گوید : خدایا روزی وی چگونه باشد؟ پروردگارت هر چه بخواهد، حکم نماید و فرشته می‌نویسد، سپس فرشته با صحیفهٔ خود بیرون رود و از دستور خداوند هیچ چیزی کم و بیش ننماید.

[1]- مسلم (۲۶۴۵)، طبرانی در معجم کبیر (۳۰۴۴)، بیهقی، السنن الکبری (۱۵۲۰۱).

سپس آن را نطفه‌ای در جایگاه امن قرار دادیم

در قرن هجدهم زمانی که جهان غرب راه علم می‌پیمود، و بعد از اینکه میکروسکوپ کشف گردید، در ذهن دانشمندان جای گرفته بود که انسان فقط از نطفه مرد به وجود می‌آید سپس نظریه مذکور نقض گردید، و در ذهن آنان نظریه دیگری جای گرفت که انسان تنها از نطفه زن به وجود می‌آید، و نطفه مرد فقط برای تحریک می‌باشد و دانشمندان در قرن هفدهم و هیجدهم در نظریات و فرضیه‌ها، سر در گم دست و پا می‌زدند، ولیکن چهارده قرن پیش از پیامبر اسلام ﷺ سؤال گردید که: انسان از چه آفریده می‌شود؟ جوابی را ارائه نمودند که از جمله دلایل نبوت او محسوب می‌گردد. عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: مَرَّ يَهُودِيٌّ بِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يُحَدِّثُ أَصْحَابَهُ، قَالَ: قَالَتْ قُرَيْشٌ: يَا يَهُودِيُّ، إِنَّ هَذَا يَزْعُمُ أَنَّهُ نَبِيٌّ، فَقَالَ: لأَسْأَلَنَّهُ عَنْ شَيْءٍ لاَ يَعْلَمُهُ إِلاَّ نَبِيٌّ، فَجَاءَ حَتَّى جَلَسَ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، مِمَّ يُخْلَقُ الإِنْسَانُ؟ قَالَ: يَا يَهُودِيُّ، مِنْ كُلٍّ يُخْلَقُ: مِنْ نُطْفَةِ الرَّجُلِ، وَمِنْ نُطْفَةِ الْمَرْأَةِ، فَأَمَّا نُطْفَةُ الرَّجُلِ، فَنُطْفَةٌ غَلِيظَةٌ فَمِنْهَا الْعَظْمُ وَالْعَصَبُ، وَأَمَّا نُطْفَةُ الْمَرْأَةِ، فَنُطْفَةٌ رَقِيقَةٌ، فَمِنْهَا اللَّحْمُ وَالدَّمُ فَقَامَ الْيَهُودِيُّ فَقَالَ: هَكَذَا كَانَ يَقُوْلُ مَنْ قَبْلَكَ وَاللَّفْظُ لأَحْمَدَ.

از عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که « پیامبرﷺ در حال صحبت با یارانش بود که فردی یهودی از کنار رسول خداﷺ عبور کرد، قریش گفتند ای یهودی محمد ادعا می‌کند که او پیامبر است، یهودی گفت من از او سؤالی خواهم کرد که جز نبی کسی آنرا نداند، نزد پیامبر آمد و گفت ای محمد! انسان از چه آفریده میشود؟ پیامبرﷺ فرمود : ای یهودی از نطفهٔ مرد و از نطفه زن با هم آفریده می‌شود، اما نطفه مرد نطفه غلیظ و از آن استخوان و عصب بوجود آید، اما نطفه زن رقیق می‌باشد که از آن گوشت و خون به وجود می‌آید. فرد یهودی برخاست و گفت : پیامبران پیش از تو نیز چنین می‌گفتند.[1]

چرا رحم قرار یا جایگاه امن نامیده شده است؟ چون ماده‌ای چسبنده را افراز می‌نماید، که هر گاه تخمک تلقیح شده به طرف رحم بیاید به دیوارهٔ رحم بچسبد، لذا رحم محل استقرار نطفه بوده و محل عبور آن نیست و در رحم تعداد غیرقابل تصوری از رگ‌های خونی وجود دارد، که همگی جهت تغذیه جنین خون را برابر نطفهٔ تلقیح شده فراهم می‌نمایند، و تا اینکه جنین به سرعت رشد نماید، این تخمک بارور شده از لحاظ بافت در تکثیر و تقسیم آن جزو سریع‌ترین اعضای جسم می‌باشد. مطلب دیگر اینکه؛ جنین در پردهٔ نازکی است، و این پرده در عکس‌هایی که از جنین گرفته شده ظاهر گشته است که او با پرده نازکی پیچیده شده است، و این پرده رقیق در قسمت بالایی رحم آویزان شده است، و با دیواره‌های رحم برخورد نمی‌کند، و علاوه بر آن مایعی اطراف جنین را فرا گرفته که از تمام صدمات [ممکن] جلوگیری می‌نماید و عجیب‌تر اینکه تمام رحم در لگن زن به بندهایی به اطراف لگن آویزان است، رحم و جنین جاری و روان می‌باشند، و میان رحم و جنین مایعی است که تمام صدمات و فشارهای (ممکن) را می‌گیرد، برخی پزشکان متخصص استخوان و مفصل‌شناس می‌گویند : استخوان‌های لگن سخت‌ترین استخوان در نوع بشری است، و این سختی سبب جلوگیری از صدمات می‌باشد.

تمام این توضیحات در آیهٔ زیر جای می‌گیرد که قرآن با بیانی رسا می‌فرماید: ﴿ثُمَّ جعلنه نطفةً فی قرارٍ مّکین﴾ [مؤمنون: ۱۳]
ترجمه: باز او (انسان) را نطفهٔ در جایگاهی استوار قرار دادیم (که همانا رحم است).

[1]- مسند احمد بن حنبل جزء ۱ صـــ ۴۶۵.

مراحل سه‌گانۀ بارداری

خداوند عزّوجلّ می‌فرماید :

﴿ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا﴾[بقره : ۲۳۴]

ترجمه: و کسانی که از شما می‌میرند و همسرانی از خود به جای می‌گذارند، همسرانشان باید چهار ماه و ده شبانه روز انتظار بکشند.

انسان از این رقم و تعداد معین تعجب می‌کند (چهار ماه و ده روز) چرا چهار ماه یا پنج ماه یا شش و یا دو و سه ماه نگفته است؟ پزشکان می‌گویند : زن حامله سه مرحله را پشت سر می‌گذراند، مرحله اول، مرحله شک، که در آن مرحله عادت ماهیانه قطع می‌شود و انقطاع عادت ماهیانه علامت حمل زن می‌باشد، اما آیا این علامت قطعی است؟ نه خیر، زیرا بسیاری اوقات عادت ماهیانه به دلایلی (غیر از حمل) قطع می‌گردد، مانند اضطرابات روحی، یا هورمونی و یا به علت اختلال در دستگاه تناسلی زن، تمام موارد فوق مستلزم انقطاع عادت ماهیانه می‌گردد، پس انقطاع دوره دلیل قطعی بر حامله بودن نیست، و بعد از مرحله شک به مرحله دوم مرحله ظن و گمان پای می‌نهد، به طوری که عارضه‌های درونی مانند ناراحتی جهاز هضمی، استفراغ ، سرگیجه، میل به عزلت و عارضه‌های هضمی و تنفسی به وی روی می‌آورند به طوری ظن غالب بر این است که زن حامله است، ولیکن آیا این مرحله نیز دلیل قاطعی بر حمل می‌باشد؟ دوباره جواب منفی است؛ زیرا عارضه‌هایی هستند که اسمشان عارضه‌های حمل کاذب است، ناگهان دوره ماهیانه برگشته و حمل الغاء می‌گردد، و اما در روز بیست و ششم بعد از صد (روز) یعنی در روز دهم بعد از چهار ماهی که قرآن کریم ذکر نموده است قلب جنین می‌تپد، و با تپش قلب حرکت می‌نماید، و زن حرکت و تکان آن را احساس می‌نماید، در این هنگام زن به مرحله سوم که مرحله یقین باشد، وارد می‌شود. پس حرکت کودک در شکم مادر دلیل قطعی و مطمئن بر حمل می‌باشد.

این حقایق پزشکی با قرآن کریم تطابق و هماهنگی عجیبی دارد، در روز بیست و ششم بعد از صد [روز] قلب جنین می‌تپد، و همراه با تپش قلب تکان می‌خورد و زن به مرحلۀ سوم مرحله یقین وارد می‌شود.

﴿ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ [الأنعام: ٩٦] ترجمه: این است طرح و تدبیر خدای دانا و مقتدر.

معانی کلمات

وَلَقَدْ: به حقیقت، بدون تردید.

خَلَقْنَا: پیدا کردیم، آفریدیم.

طِينٍ: گِل.

فَكَسَوْنَا: پس پوشانیدیم.

الْعِظَامَ: استخوان‌ها.

لَحْمًا: گوشت.

روش تدریس: مباحثوی، توضیحی، کار گروپی، سؤال و جواب.

مواد ممد درسی: کتاب درسی، کتب تفسیر، پوسترها.

جریان درس:

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	معلم محترم بعد از موضوعات مقدماتی از یکنفر شاگرد می‌خواهد تا مقاله اش را در بارهٔ نعمت آب و اهمیت آن در زنده‌گی بخوانش بگیرد و نکات مشکل را با مشارکت شاگردان حل می‌سازد، سپس با طرح چند پرسش مختصر به ارتباط درس گذشته، میزان فهم و یاد گیری شاگردان را ارزیابی می کند و سپس عنوان درس جدید (مراحل خلقت انسان در پرتو قرآن کریم) را به خط خوانا و درشت به تختهٔ صنف می‌نویسد و بالترتیب هر یک را توضیح نموده و سپس از چند شاگرد بخواهد تا یک یک عنوان جانبی درس را به نوبت تشریح نمایند.
۲۵ دقیقه	ـ معلم محترم آیات مبارکهٔ شماره(۱۲-۱۴) سورهٔ مؤمنون را بالای سه نفر شاگرد بالنوبه تلاوت نماید و اشتباهات قرائتی و تجویدی شان را اصلاح نماید و بعد کلمات درس را بر تخته نوشته و با استفاده از ترجمه و تفسیر آیات کلام الهیﷻ و در مطابقت با اکتشافات طب معاصر در مورد خلقت انسان در مراحل مختلف و مظاهر قدرت، عظمت وحدانیت او تعالی با شاگردان مباحثهٔ علمی نماید و در هر نقطه به سؤالهای شاگردان جواب قناعت بخش ارایه نماید، و بیشتر به جنبه‌های عینی و فزیکی شناخت آدمی که طب امروز و علوم بیولوژیکی و کتلوی از طریق پوسترها آزمایشگاه‌های برقی و لابراتوارها در تأیید ارشادات قرآنی مکاشفه نموده اند به بحث و بررسی بگیرند. ـ معلم محترم شاگردان را به هفت گروپ تقسیم نماید و به هر گروپ مطابق ارشاد آیت کریمهٔ شماره(۱۲-۱۴) سورهٔ مؤمنون هفت موضوع را هدایت بدهد تا پیرامون آن چهار گروپ تبادل نظر نمایند و سه گروپ دیگر خلاصهٔ نظریات را نوت کرده در پایان فعالیت به همگان قرائت کنند. گروپ اول: در بارهٔ خلقت انسان از طین(گِل). گروپ دوم: در بارهٔ خلقت انسان از نطفه(آب منی). گروپ سوم: در بارهٔ علقه(خون بسته). گروپ چهارم: در بارهٔ(مضغه) گوشت جویده شده یا پارهٔ از گوشت. گروپ پنجم: در بارهٔ شکل گیری جهاز عظمی(استخوان بندی). گروپ ششم: در بارهٔ نموی جهاز عضلی و تنظیم سلولهای عظمی با عضلی. گروپ هفتم: در بارهٔ ترکیب کامل عیار صورت انسان به خلقت تازه و دمیدن روح در قالب آدمی. **خلاصهٔ درس** ▪ آیات شماره(۱۲-۱۴) سوره المؤمنون یکی از شگفت انگیزترین آیات قرآن کریم در بخش اعجاز لفظی و علمی و توحیدی می‌باشد. ▪ مراحل خلقت انسان از یکسو بر وجود وحدانیت الله جل جلاله گواه و شاهد است و از سوی دیگر به صدق رسالت و نبوت حضرت محمدﷺ و حقانیت قرآن مجید و رهنمایی و سعادت بشر شهادت می‌دهد. ▪ قرآن کریم پانزده قرن پیش از امروز پدیده‌های شگفت آفرین مظاهر قدرت الهیﷻ در انسان و جهان را به زبان عربی مبین بیان فرموده است.

▪ قرآن کریم انسان را به این تفکر می‌انگیزاند تا در ساختمان وجود خود و مراحل تطور آن از حین خلقت تا سن رشد و کمال در پرتو علم طب به آثار قدرت و علم الهی پی ببرد. **ارزیابی** معلم محترم با استفاده از سؤال‌های متن درس شاگردان را ارزیابی می کند. ۱. مراحل تکوین جنین را با ترتیبی که در آیات مبارکه این درس آمده توضیح نمایید. ۲. مفهوم هر یک از مراحل تکوین جنین را که قرآن کریم توصیف نموده توضیح بدهید. ۳. در بارهٔ اعجاز علمی قرآن کریم با استفاده از مراحل تکوین جنین در ارتباط با اکتشافات علم طب و جنین شناسی عصر جدید تشریح نمایید. **کارخانه گی** معلم محترم مطابق هدایت کتب درسی کارخانه گی توصیه کند.	۵ دقیقه ۱۰ دقیقه

درس چهارم

عنوان: انسان ارزشمندترین آفریدگان الهی است

صفحه: ۱۶

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- به مهفوم تحلیلی و موضوعی آیت مبارکهٔ شماره(۷۰) سورهٔ إسراء آشنا شوند.
- کرامت انسانی خود و افراد جامعه را محترم شمرده رعایت کنند.
- صورت ظاهری و مواهب کمالی و استعدادی انسان را در پرتو ارشادات قرآنی بیاموزند.
- فضیلت و برتری انسان را بر سایر مخلوقات به دیگران برسانند.

دانش لازمی

انسان بیهوده خلق نشده ومهمل فروگذاشته نخواهد شد

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ﴾ [المؤمنون: ۱۱۵-۱۱۶]

ترجمه: آیا گمان برده اید که ما شما را بیهوده خلق کردیم وبعد از مرگ هرگز به ما رجوع نخواهید کرد ؟ خداوندی که فرمانروای راستین است وهیچ پروردگاری جز او نیست وصاحب عرش عظیم است.(وبرتر از بیهوده آفریدن است).

هر انسانی که گمان می‌برد خداوند اورا بیهوده آفریده است چاره ای ندارد مگر اینکه چشمان خود را ببندد تا بداند که آیا این دو چشم بیهوده آفریده شده اند ، یا سعی کند گوش‌های خودرا ببندد تا به حکمت وجودی آنها پی ببرد ، یا انگشتان خودرا قطع نماید تا ببیند بیهوده خلق شده اند ، یا رگ کوچکی از بدن خودرا قطع کند می‌بیند که چه دردهای سختی به همراه دارد ؟ اگر انسان در نفس خود به خوبی بیندیشد در خواهد یافت که برای پی بردن به حکمت وجودی اجزای انسان ، نیاز مند سال‌ها تحصیل در زمینهٔ علم طب می‌باشد .

به هنگام طرح این پرشس که هدف وحکمت از خلق اجزای وجود انسان چیست ؟ متخصصان این علم جواب خواهند داد : انجام وظیفه ای که به اجزای جسم محول شده تا کیان انسان سالم بماند: پس، دهان برای کل بدن تغذیه می کند وقلب خون را به تمام اعضا روانه می‌دارد، اینچنین کلیهٔ اعضا کار می کنند تا اعمال بدن تنظیم شود.

هنگامی که هر جزء در وجود انسان برای حکمتی خلق شده باشد واین حکمت به گونه ای باشد که به طور کامل به ادای وظیفهٔ خود بپردازد ، آیا به فکر انسان عاقل خطور می کند که انسان بیهوده خلق شده است ؟!

بزرگترین نا دانی

قضاوت ما در بارهٔ کسی که حکمت خانه ای را که در آن ساکن است ، فرشی که آنرا پهن کرده است یا لباسی را که می‌پوشد نمی‌داند چگونه می‌باشد ؟ بدون شک موضع ما دربرابر این نادان ، تعجب ومسخره کردن او به خاطر نادانی اوست . اما از او نادان تر کسی است که حکمت خلق چشم ، گوش ، دهان و سر خود را نمی‌داند . چون این جهل به مراتب بیشتر از جهالت کسی است که حکمت وجودی خانه ، لباس وفرش را نمی‌داند، با وجود این، جهالت بالاتر از

این نیز وجود دارد وآن نادان کسی است که حکمت وجودی خودرا به طور کامل نمی‌داند ونمی داند برای چه رسالتی آفریده شده وهدف از تولد او چیست.

حکمت از آفرینش انسان

همیشه برای کافران ونادانان این دو سؤال مطرح است که " آیابرای زندگی کردن می‌خوریم ؟"یا" برای خوردن زندگی می کنیم " . اما مسلمان می‌داند که هدف وحکمت از وجود و خلقت وی بندگی وعبادت پرور دگار است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ * مَا أُرِيدُ مِنْهُم مِّن رِّزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَن يُطْعِمُونِ * إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾

[الذاریات: ۵۶_ ۵۸]

ترجمه: و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند و از آنان هیچ رزقی نمی‌خواهم و نمی‌خواهم که مرا خوراک دهند، بی گمان خداوند است که روزی بخش و دارای قوت متین است.

خداوند در آیهٔ فوق صورتی راکه باید از او اطاعت کنیم مشخص کرده است ، اینگونه بندگی ما نسبت به او تحقق می‌یابد وما خلیفه او در زمین خواهیم شد و به هر آنچه که او دستور داده است عمل می کنیم واز هر چه نهی کرده دوری می‌ورزیم .

زمانی که هر جزء از اجزای ما گواهی می‌دهد که بیهوده خلق نگشته وخداوند آنرا برای حکمتی آفریده است وهنگامی که هدف از خلقت انسان در این دنیا معلوم نشود نتیجه ای که گرفته می‌شود آنست که حکمت خلق انسان در دنیای دیگرکه همهٔ نسل‌های بشری یکی بعد از دیگری به سوی آن می‌روند آشکار خواهد شد .

زندگانی ما دراین دنیا به زندگی جنین در رحم شباهت دارد؛ بطوری که اگر جنین با خود فکرنماید هد ف از خلق دست وپا، چشم و گوش و شُش برای او چیست؟ او از هدف وحکمت خلق هیچ یک از آنها آگاه نیست وبا خود می‌گوید بیهوده خلق شده اند؛ ولی وقتی از رحم خارج گشت به حکمت خلق وجودی همهٔ آنها پی خواهد برد ومی داند که بیهوده خلق نشده اند . زندگی ما نیز به زندگی این جنین شباهت دارد؛ یعنی هدف ازخلقت خودرا به طور کامل نمی‌دانیم . مرگ برای ما مانند خارج شدن جنین از رحم ودرک حقایق است .

روش تدریس: مباحثوی، توضیحی، سؤال و جواب.

معانی کلمات

كَرَّمْنَا: کرامت و اعزاز بخشیدیم.

وَفَضَّلْنَا: فضیلت و برتری دادیم.

مواد ممد درسی: کتاب درسی و کتب تفسیر شریف.

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	معلم محترم بعد از موضوعات مقدماتی از کارخانه‌گی شاگردان می‌پرسد و به قسم نمونه مقالهٔ یک شاگرد را در بارهٔ مراحل خلقت انسان در روشنایی اکتشافات علمی روز می‌شنود و به تشویق شاگردان می‌پردازد. معلم محترم با طرح سؤال‌های کوتاه درس گذشته را ارزیابی نموده و با نوشتن عنوان درس جدید (انسان ارزشمندترین آفریدگان الهی است)، ارتباط منطقی درس جدید را با درس گذشته ارایه می‌کند.
۲۵ دقیقه	ـ معلم محترم نص آیت مبارکه شماره(۷۰) سورهٔ إسراء را توسط یکنفر شاگرد تلاوت می‌کند و سپس به شاگردان موقع می‌دهد تا پیرامون موقف و مقام والای انسان با هم در گروپ‌های دو نفری مباحثه کنند. ـ معلم محترم عناوین جانبی درس (توازن و زیبایی شکل و صورت، زمین مسخر انسان است، تسخیر بحرها و فضیلت و برتری انسان بر مخلوقات) موضوعات محوری درس را در تخته رو نویس نموده و سپس از دو شاگرد می‌خواهد تا نتیجهٔ بحث شانرا در مورد مقام و کرامت انسان به همصنفی‌های شان بیان کنند و سپس مواردی را که شاگردان به آن اشاره نکرده اند با استفاده از متن درس به شاگردان افاده می‌دارد. ـ معلم محترم از شاگردان بخواهد تا از بین شان دو نفر بصورت داوطلبانه در بارهٔ موضوع درس و شناخت انسانی خود بدیعه پردازی کنند و در هر مرحله معلم به تشویق شان بپردازند. ـ معلم محترم از شاگردان بخواهد تا در گروپ‌های دو نفری در بارهٔ منافع انسانها و فراهمی رزق شان را از بحرها با هم بحث و گفتگو نموده و در پایان بحث یکنفر شاگرد به نماینده‌گی از صنف نتیجه را به صنفی‌ها ارایه نماید.
۵ دقیقه	**خلاصهٔ درس** ▪ در آیت مبارکه درس، الله تعالی به مقام شامخ انسانی و نوازش‌های الهی ﷻ که در حق بنی نوع انسان عنایت فرموده است، ارشادات نیکویی دارد. ▪ تکریم الهی ذکر شده در آیت مبارکه برای گروه و یا قوم خاصی نبوده و فراگیر همهٔ بنی نوع انسان می‌باشد. ▪ خداوند متعال انسان را بر سایر مخلوقات مزیت و برتری داده و او را در بهترین شکل و صورت آفریده است. ▪ یکی از مظاهر تکریم و برتری انسان مسخر گردانیدن نیروهای طبیعت در زمین و آنچه که در زمین است برای وی می‌باشد و از بر و بحر و منافع آنها استفاده می‌نماید که الله تعالی آن را، رام و قابل انتفاع انسان ساخته است.

▪ از مظاهر دیگر تکریم خداوند تعالی برای انسان موهبت عقل، بصیرت و هوشمندی است و بزرگترین فضیلت و برتری انسان خلافت او در روی زمین است. **ارزیابی** معلم محترم جهت اطمینان از آموزش با مفهوم درس، شاگردان را با استفاده از سؤالهای طرح شده کتاب درسی چنین ارزیابی کند. ۱. در آیت مبارکه پنج نوع تکریم برای بنی نوع انسان ذکر گردیده هر یک را بیان نمایید. ۲. مظاهر نعمت‌های الهی برای انسان را در بر (خشکه) مختصراً توضیح بدهید. ۳. فرق میان رزق و روزی انسان و سایر حیوانات و زنده جانها چیست؟ ۴. انسان در مقابل این همه تکریم و نعمت‌های الهی چه مکلفیت دارد؟ ۵. (خواص بنی آدم؛ حتی نسبت به فرشته گان خداﷻ برتری دارند) را توضیح بدارید. ۶. فرق میان تکریم و فضیلت برای انسان چگونه بوده ارایه نمایید. **کارخانه گی** معلم محترم با استفاده از کتاب درسی به شاگردان کارخانه گی را رهنمایی نماید.	۱۰ دقیقه

درس پنجم
عنوان: «آیة الکرسی» نقطهٔ عروج قرآن

صحفه: ۲۱-۲۵.

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- صفات وحدانیت، حیات، قیومیت، مالکیت که از **آیة الکرسی** شریف استنباط می‌گردد بیاموزند و به دیگران بگویند.
- **آیة الکرسی** شریف را خوب بفهمند و بعد از هر نماز آن را تلاوت کنند.

دانش لازمی
شفاعت

شفاعت در حقیقت مسأله‌یی بسیار مهم در باب توحید و شرک است. اکثر مشرکین معبودان خود را بعنوان شفیع، عبادت و پرستش کرده‌اند. در حالی که عبادت با تمام اقسامش حق اختصاصی رب العالمین است.

در دنیا سه نوع شفاعت بین انسان‌ها معمول است:

۱) شفاعت وجاهت (پست و مقام).

۲) شفاعت محبت.

۳) شفاعت بالاذن.

۱- شفاعت وجاهت (پست و مقام) آنست که مشفوع له را بدون رضایت شفاعت پذیر بری می‌گرداند. شفاعت پذیر از مقام و پست شفیع احساس خطر می‌کند و بدون ارادهٔ قلبی بناچار شفاعت صاحب پست و مقام را از روی مصلحت می‌پذیرد، مثالش را چنین بیان کرده‌اند: سارق هنگامی که گرفتار می‌شود و حاکم می‌خواهد جهت اجرای حد دست او را قطع کند، وزیری، بعنوان شفیع بمحضر او بشفاعت می‌پردازد. حاکم از مقام بلند او تحت تأثیر قرار می‌گیرد و شفاعت در حق سارق را مصلحتاً می‌پذیرد اگر چه قلباً نمی‌خواست آن سارق را عفو کند. سبب پذیرش شفاعت وزیر مقام و پست او می‌شود. این نوع شفاعت به پیشگاه احکم الحاکمین امکان‌پذیر نیست، که خداوند متعال از مقام و وجاهت کسی تحت تأثیر قرار گیرد و شفاعت او را بپذیرد. خداوند متعال پاک و مبرا است از اینکه از وجاهت و مقام کسی مرعوب باشد و شفاعت او را بدون رضایت و پسند خودش بپذیرد چنانکه حاکم بدون رضایت و پسند قلبی اش از پست و مقام وزیر مرعوب می‌شود و شفاعت او را مصلحتاً در حق سارق می‌پذیرد.

حکم این نوع شفاعت: اگر کسی این عقیده را داشته باشد که خداوند متعال از مقام و وجاهت کسی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و بدون رضایت خودش شفاعت آنها را می‌پذیرد این چنین عقیده نسبت به خداوند متعال کفر است؛ چون که خداوند متعال از جاه و مقام هیچ احدی از مقربان خودش خوف و هراس ندارد و نسبت به حکومت خودش از هیچ صاحب پست و مقامی احساس خطر نمی‌کند، برخلاف پادشاهان دنیا که از وزرای خویش برای کشورشان احساس خطر می‌کنند. علامه شاه اسماعیل شهید می‌فرماید : اگر کسی چنین عقیده‌ای داشته باشد که خداوند متعال از وجاهت و

مقام پیامبر، امام، ولی، شهید یا فرشته‌ای تحت تأثیر قرار می‌گیرد بدون رضایت خودش شفاعت آنها را می‌پذیرد، حقا که مشرک و جاهل مطلق نسبت به ذات اقدس سبحانه و تعالی است و او مقام شامخ مالک الملک را نفهمیده است[1].

۲- شفاعت محبت آنست که محبت شفیع باعث پذیرش شفاعت شود اگر چه شفاعت پذیر قلباً خشنود و راضی در پذیرش شفاعت نبوده است.

مثال شفاعت محبت : دزدی محکوم به مجازات قطع دست شده است. یکی از محبوبان حاکم برایش شفاعت می‌کند، مثل زن یا فرزند او، حاکم از محبت محبوبان خودش تحت تأثیر قرار می‌گیرد بدون رضایت و خشنودی قلبی سارق را عفو می‌کند، اگرچه از مقام آنها احساس خطری برای حکومت خودش نداشت لیکن محبت آنها او را مجبور به پذیرش شفاعت می‌کند. شاه اسماعیل شهید می‌فرماید : که این نوع شفاعت به پیشگاه رب العالمین امکان ندارد و اگر کسی این عقیده شفاعت را نسبت به خداوند متعال داشته باشد او مشرک و جاهل مطلق نسبت بذات مقدس رب العالمین است.

۳- شفاعت بالاذن آن است که شخصی در محضر الله سبحانه و تعالی مطابق خشنودی و رضامندی او برای دیگران شفاعت بکند.

مثلاً کسی را نفس اماره فریب داده است و او مرتکب عملی خلاف قانون شده است، اما قصد تخلف را نداشته و بر آنچه مرتکب شده نادم و پشیمان است، گریه و زاری می‌کند و خود را مجرم می‌شناسد و به حقانیت قانون معترف و مقر است و اعتراف به تقصیر و جرم دارد.

حاکم را بر او ترحم می‌آید و اظهار می‌دارد که مجرمی حرفه‌ای نیست و بر آنچه مرتکب شده اعتراف دارد. اطرافیان حاکم احساس می‌کنند که حاکم می‌خواهد این مجرم را عفو کند، لیکن عفو بدون توجیه را خلاف مصلحت و قانون می‌داند. چون که اگر بدون توجیه عفو کند برای قانون هیچ احترامی باقی نمی‌ماند؛ لذا آنها از اشارات و کنایات یا تصریح حاکم متوجه می‌شوند که او می‌خواهد مجرم را عفو کند، لیکن مشروط بتقاضای عفو از او، آنها نیز در حق مجرم شفاعت می‌کنند و حاکم که قلباً می‌خواست او را عفو کند شفاعت آنها را می‌پذیرد و مجرم را عفو می‌کند این را «شفاعت بالاذن» می‌گویند.

حکم این شفاعت: این شفاعت نزد اهل سنت حق و ثابت است در این دو فایده وجود دارد اول احترام قانون، دوم اکرام شفیع. علامه شاه اسماعیل شهید می‌فرماید: این نوع شفاعت به بارگاه ایزد منان امکان دارد و انجام می‌گیرد و آنچه در قرآن مجید و احادیث سرور کاینات منقول شده است همین شفاعت بالاذن مراد است که انبیاء علیهم السلام و اولیاء الله به اذن و اجازهٔ خداوند متعال آن را انجام می‌دهند[2].

---

[1]- تقویة الإیمان ص ۳۵: مولف شاه اسماعیل ابن عبدالغنی دهلوی.

[2]- شاه اسماعیل دهلوی مشهور به اسماعیل شهید فرزند عبدالغنی دهلوی و نوادهٔ شاه ولی الله دهلوی یکی از علماء و محدثین مشهور شبه قارهٔ هند و نویسندهٔ کتاب تقویة الایمان می‌باشد، علاوه از خدمات علمی رهبری مسلمانان را به دوش داشت و در مقابل استعمار انگلیس جهاد نمود و در سال ۱۲۴۳ هـ ق در معرکه بالاکوت به شهادت رسید.

خلاصه : شفاعت وجاهت و محبت در حقیقت مورد خشنودی و پسند شفاعت پذیر نیستند بلکه از خوف مقام صاحب مقام و از ترس رنج محبوبان شفاعت آنها را می‌پذیرد و خلاف آنچه تصمیم گرفته بود عمل می کند.
این دو نوع شفاعت به پیشگاه احکم الحاکمین امکان ندارد، حتی در ادیان سماوی گذشته کسی معتقد به این دو نوع شفاعت در دنیا و آخرت نبوده است. چون که خلاف شأن عظیم الله سبحانه و تعالی به حساب می‌آید.
لیکن مشرکین مکه عقیده شفاعت محبت را داشتند. قرآن مجید شدیداً عقیدهٔ آنها را رد کرده و عقیده شفاعت محبت را از نوع شفاعت قهری و شرکی قرار داده است.
و در حقیقت در شفاعت بالاذن مؤثر حقیقی خشنودی و رضامندی شفاعت‌پذیر است و شفاعت ثمرهٔ رحم و احسان و اذن اوست اگر چه ظاهراً شفاعت را سبب قرار داده است، و در این نوع شفاعت دو حکمت پنهان است.
اول تعظیم و تکریم شفیع، دوم تکریم و احترام قانون خداوندی و این شفاعت هرگز خلاف عظمت و عزت رب العالمین نیست چون که در واقع این شفاعت اثر ترحم و اکرام احکم الحاکمین است.
در اثبات شفاعت بالاذن و نفی شفاعت قهری آیات و احادیث متعددی نقل شده که به ذکر برخی آن اکتفاء می‌شود، مانند این قول خداوند متعال:
﴿مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلاَّ بِإِذْنِهِ﴾ [بقره: ۲۵۵] ترجمه: چه کسی است که بتواند بدون اجازهٔ خداوند در پیشگاه او شفاعت و میانجیگری کند؟».
در این جمله که بصورت استفهام انکاری ذکر شده است شفاعت قهری را نفی و بالاذن را اثبات نموده است.
و در سوره سبا آیه ۲۳ چنین فرموده است :
﴿وَلَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ عِندَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ﴾ [سباء: ۲۳] ترجمه:شفاعت سودی در پیشگاه الهی ندارد مگر برای کسی که او تعالی اجازه دهد».
و در سوره النجم فرموده است :
﴿وَكَم مِّن مَّلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِن بَعْدِ أَن يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَن يَشَاء وَيَرْضَى﴾ [نجم: ۲۶] ترجمه: فرشتگان زیادی در آسمان‌ها قرار دارند که شفاعت آنها هیچ سودی ندارد مگر بعد از اذن خداوند متعال که برای هر کسی بخواهد و از او خشنود باشد.
از آیات مبارکه معلوم می‌شود که شفاعت بدون اجازه رب العالمین انجام نمی‌گیرد برای هیچ کسی هیچ شفیعی نمی‌تواند بدون اذن شفاعت کند؛ بلکه همه آنها (فرشتگان و انبیاء علیهم الصلاة والسلام) گوش بفرمان رب العالمین هستند؛ حتی یک سخن هم بدون اجازهٔ رب العالمین تلفظ و تکلم نمی‌کنند چنانکه این مطلب را در سوره نبا آیهٔ ۳۷ بیان فرموده است:
﴿ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا﴾ [نبأ: ۳۸] ترجمه:روزی که در محضر رحمن، روح (جبرائیل ﷺ) و فرشتگان بصورت صف می‌ایستند هیچ احدی تکلم نمی‌کند مگر کسی که به او رحمن اجازه بدهد و او مطابق رضامندی او سخن بگوید.
از آیه شریفه معلوم می‌شود که معززترین فرشته که جبرئیل امین باشد بدون اذن و اجازهٔ رب العالمین سخن نمی گوید، پس چگونه بدون اذن برای کسی شفاعت می کند؟

در تشریح این آیه و آیه‌های ماقبل علامه ابن کثیر فرموده است :

«وأخبر أن الملائكة التي في السموات من المقربين وغيرهم، كلهم عبيد خاضعون لله، لا يشفعون عنده إلا بإذنه لمن ارتضى، وليسوا عنده كالأمراء عند ملوكهم، يشفعون عندهم بغير إذنهم فيما أحبه الملوك وأبوه»[1].

مفسر می‌فرماید که خداوند متعال خبر داده است که ملائکه که در آسمان‌ها، وجود دارند از مقربین و غیره در پیشگاه خداوند متعال خاشع و خاضع‌اند و به پیشگاه او تعالی شفاعت نمی‌کنند، مثل امراء به دربار ملوک نیستند که بدون اذن و اجازه ملوک به شفاعت می‌پردازند در مواردی که ملوک آنها را پسند دارند یا اینکه پسند ندارند.

در پیشگاه رب العالمین به هیچ عنوانی سخن گفته نمی‌شود چه جایی که شفاعت برای کسی انجام گیرد.

وقتی که شفاعت به اذن خداوند متعال انجام می‌گیرد بر ما بندگان لازم است که فقط او سبحانه و تعالی را در هر جا و هر وقت بخوانیم او به هر کسی از بندگان مقربش که بخواهد اجازه شفاعت برای ما می‌دهد و به این خاطر دستور داده است که هر جا و هر وقت فقط او را بخوانیم و بس، و شفاعت شافعین را نیز از او بخواهیم؛ چنانکه پیامبر گرامی اسلام در دعای اذان به ما آموزش داده است که مقام محمود و مقام وسیله و فضیلت و شفاعت را برای او از خداوند متعال مسئلت نماییم.

«اللهم رب هذه الدعوة التامة، والصلاة القائمة، آت مُحَمَّداً الوسيلة والفضيلة، وابعثه مقاماً محموداً الذي وعدته، [إنك لا تخلف الميعاد]» و **فی رواية: «وارزقنا شفاعته»** «ای الله! مالک این دعوت کامله و نماز قائمه عنایت بفرما به محمد ﷺ مقام وسیله و فضیلت را و مبعوث بگردان او را در مقام محمود که به او وعده کرده‌ای، یقینا تو وعده را خلاف نمی‌کنی». و در یک روایتی آمده است: «و نصیب ما بگردان شفاعت او را». از دعای اذان معلوم می‌شود که مقام محمود و مقام وسیله و فضیلت را برای سرور کاینات باید از خداوند متعال مسئلت کرد.

همچنین در دعاء جنازهٔ اطفال، سرور کاینات به امتش آموزش داده است که شفاعت اطفال را نیز از خداوند متعال مسئلت نمایند.

«اللهم اجعله لنا فرطاً واجعله لنا أجراً وذخراً واجعله لنا شافعاً ومشفعاً» ای الله! این طفل را برای ما پیش فرستاده‌ای بگردان و او را برای ما اجر و ذخیره ای قرار بده و او را برای ما شافع بگردان و شفاعت او را برای ما بپذیر.

و در هیچ آیه‌ای و حدیثی خداوند متعال به ما دستور نداده است که انبیاء و اولیاء و فرشتگان او را بعنوان شفیع بخوانیم و برای آنها نذر و خیرات بدهیم. بر ما بندگان لازم است که از خداوند متعال کمک و استمداد بخواهیم او تعالی اختیار دارد از هر کسی به هر کیفیتی که بخواهد برای ما کار بگیرد، لذا بر همه ما لازم است که تنها یک خدای قادر و توانا را بخوانیم، او مختار است که هر کس را اذن شفاعت یا دستور خدمت برای ما بدهد.

[1]– ابن کثیر ص ۴۵، ج ۴.

معانی کلمات

الْحَيُّ: دارای حیات کامل و به معنای پایدار ابدی که فنا بر او عارض نمی‌شود.

الْقَيُّومُ: هر آن که به تدبیر امور و شؤون خلق می‌پردازد.

سِنَةٌ: خواب پینکی.

نَوْمٌ: خواب.

يَشْفَعُ: سفارش می کند.

وَسِعَ: فراخ است.

وَلاَ يَؤُودُهُ: او را سنگین و خسته نمی کند.

حِفْظُهُمَا: نگهبانی آسمانها و زمین.

الْعَلِيُّ: منزلت بلند و مقام عالی که خدای متعال از آن برخوردار است.

إِكْرَاهَ: وادار کردن انسان به امری که از آن بیزار است از طریق جبر و قهر.

الطَّاغُوت: از طغیان آمده و به معنی هر چه انسان را یاغی کند و از طریق حق و هدایت او را گمراه کند.

الْوُثْقَىَ: محکم و استوار.

انفِصَام: به معنای شکستن و گسستن است.

روش تدریس: بیان شفاهی، سؤال و جواب، توضیحی و مباحثوی.

مواد ممد درسی: کتاب درسی، پوستر آیة الکرسی، شکاستیپ.

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	ـ معلم محترم بعد از تقدیم سلام و موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح پرسشهایی ارزیابی می کند و میزان یادگیری شاگردان را سنجش نموده، هر گاه در بین شاگردان کدام مشکل و پرسشی رونما گردد، در حل آن می‌پردازد، سپس با ارتباط دادن درس جدید با درس گذشته و تحلیل جوانب موضوعات تفسیری هر درس،(انسان ارزشمندترین آفریده گان الهی و فضیلت(آیة الکرسی نقطهٔ عروج در قرآن) بیان شفاهی نماید. معلم محترم عنوان درس جدید را به تخته نوشته و از شاگردان می‌خواهد تا در گروپ‌های دو نفری آیت(۲۵۵) سورهٔ بقره که آیة الکرسی مبارکه است یکی برای دیگر بخوانند و سپس به نماینده‌گی از همه شاگردان یکنفر آیت مبارکه را به قرائت ترتیل تلاوت کند.
۲۵دقیقه	ـ معلم محترم پوستر کلمات آیة الکرسی را به دیوار صنف می‌آویزد و به ترجمه و تفسیر مفاهیم و نکات مهم آیة الکرسی شریف به شاگردان معلومات می‌دهد. ـ معلم محترم با استفاده از کلمات مقدسهٔ قرآن کریم که در آیة الکرسی شریف چون صفت وحدانیت، صفت حیات، صفت قیومیت و سائر صفات ذات واجب الوجود الله تعالی و فضیلت عظمت این آیت و اینکه در این آیت به اسم اعظم اشاره شده است با فرمایشات تأییدی نبی کریمﷺ به همراه شاگردان مباحثه می کند.

ـ معلم محترم از شاگردان بخواهد تا متن درس را با هم خاموشانه بخوانند و در صورت مواجه شدن با مشکل از معلم استمداد جویند. **خلاصۀ درس** ■ آیة الکرسی نقطۀ اوج قرآن و مشتمل بر ده جملۀ مستقل است که هر کدام دارای مفاهیم عالی و همه جانبه میباشد. ■ آیة الکرسی بیانگر وحدانیت، صفات عظیمۀ الله تعالی بوده و هژده بار اسمای خدای تعالی به شکل اسم ظاهر و یا ضمیر درین آیت یاد شده اند. ■ در آیة الکرسی صفات حیات، قیومیت، مالکیت، حاکمیت، معبودیت و تصرف علم باری تعالی به صورت واضح متبلور است. ■ هیچکس و هیچ نیروی انسانی و مادی توانمندی احاطۀ علم الهی را ندارد. ■ بر الله تعالی هیچگاهی أعراض چون خواب و پینکی عارض نمی‌گردد و از آن پاک و منزه است. ■ گذشته و آیندۀ بندگان در پیشگاه علم خداوند تعالی یکسانند. ■ آسمانها و زمین و مُلک و ملکوت زیر فرمان و اراده و تدبیر و ادارۀ خدای دانا و توانا قرار دارند که نگهداری آنها هیچگونه ثقلت و سنگینی (خستگی و درمانده‌گی) را بر الله تعالی وارد نمی‌کند. ■ این آیت کریمه به صفات علیت و عظمت الهی به یک خاتمۀ منطقی و زیبا افاده شده و دال بر این است، ذاتی که چنین اوصاف بزرگ دارد تنها و تنها لایق پرستش میباشد.	۵ دقیقه
ارزیابی معلم محترم جهت اطمینان از میزان یادگیری مفاهیم و اطلاعات درس، شاگردان را با طرح سؤالهای از کتاب درسی ارزیابی می‌کند. **کارخانه‌گی** معلم محترم با استفاده از کتاب درسی به شاگردان کارخانه‌گی توصیه می‌کند.	۱۰ دقیقه

درس ششم

عنوان: زمین برای منفعت انسان

صفحه: ۲۶- ۲۹.

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- به مفاهیم توضیحی و تفسیری آیات مبارکه(۱۵-۱۷) سورهٔ(الملک) آگاهی کامل حاصل نمایند.
- به اعجاز تکوینی قرآن کریم و مظاهر شگفت انگیز زمین پهناور درست پی ببرند.
- از منافع و منابع سرشار مادی و معنوی زمین استفادهٔ درست و متوازن کرده بتوانند.
- با استفاده از نکات مهم درس و پیام سعادت بخش آیات مبارکه در تقویت ایمان خود و دیگران بکوشند.

دانش لازمی

زمین گهوارهٔ زندگی انسان

ما بر روی سیاره‌ای به نام زمین زندگی می‌کنیم؛ اما چرا از میان تمام سیاره‌های منظومهٔ شمسی: عطارد، زهره، مریخ، مشتری، زحل، اورانوس، نپتون و پلوتون، فقط زمین است که برای حیات مناسب است؟ در مورد هر کدام به معلوماتی جزئی می‌پردازیم تا موضوع برای ما روشن گردد.

سیارهٔ عطارد: این سیاره دارای هشتاد و هشت روز در سال یعنی چهل و چهار شب و چهل و چهار روز پی در پی می‌باشد. آیا چنین شرایطی برای زندگی مناسب است؟ هرچه که می‌خوابی و بیدار می‌شوی، شب به انتها نمی‌رسد هر چهار فصل سال در این هشتاد و هشت روز است و این ستاره در این مدت دور کامل خورشید را تمام می‌کند. علاوه بر این فاقد هواست که با این اوصاف، شایسته زندگی نیست.

سیارهٔ زهره : دارای دوصد و بیست و پنج روز است که نصف آن در حدود صد روز شب و بقیه روز پی در پی است. اما هوای آن در روز به بیست درجه می‌رسد و شب‌ها به بیست درجه زیر صفر تنزل می‌کند. آیا چنین شرایطی برای زندگی مناسب است، جایی که نه هوا و نه آب وجود دارد.

سیاره مریخ: هرچند که دارای روز بیست و چهار ساعته می‌باشد اما هر سال آن ششصد و هشتاد و هفت روز است، اگر انسان در آنجا زندگی کند، باید پس از سه نسل بتواند فصلی مانند تابستان را ببیند یعنی هیچ پدری به همراه فرزندش قادر به دیدن فصل جدید نیست و نمی‌توانند از زیبایی‌ها و تغییرات متنوع، که حاصل تغییر فصول است بهره‌مند شوند، این سیاره در مدت ششصد و هشتاد و هفت روز به دور خورشید می‌چرخد و دمایی برابر هفتاد درجه زیر صفر دارد و از آب و هوا نیز خبری نیست. آیا چنین مکانی شایسته زندگی است؟

سیاره مشتری: که روزهای آن با گذشت پنج ساعت به انتها می‌رسد و هر سال آن دوازده روز است و حرارتی برابر صد و سی درجه زیر صفر و ضخامتی برابر $\frac{۱}{۴}$ ضخامت زمین دارد، در واقع سیاره‌ای متشکل از گازها است، آیا اینجا نیز شایسته زندگی است؟

زحل: سیاره‌ای است با داشتن بیست و نه روز در سال و در حدود یک میلیارد و چهارصد هزار کیلومتر با خورشید فاصله دارد.

اورانوس: هر سال آن چهل و هشت روز است و نپتون هر سال آن صد و شصت و نه روز است و پلوتون هر سال آن دوصد و چهل و هفت روز است. آیا در چنین سیاره‌هایی امکان زندگی می‌باشد؟

پس تنها همین سیارهٔ زمین شایسته حیات است که خداوند متعال در بارهٔ آن فرموده است :

﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا﴾ [1] آیا نگردانیدیم زمین را فرش (گهواره ای برای رهایش)؟

آیا این زمین را که انسان‌ها بر آن سکونت دارند ، برای استقرار آنها ورفت و آمد آنان در اطراف و اکناف آن آماده نکرده ایم؟ وآیا آنرا مانند فرش وبستر برایتان قرار نداده ایم که روی آن استقرار یابید واز دشت و دمن وسیع وگستردهٔ آن برای کشت وزرع استفاده کنید؟

چگونه ممکن است که ما انسان‌ها برای اطفال خود، گهواره‌ای راحت و نرم با حرارت معتدل را مهیا می‌کنیم که از هر جهت با او سازگار باشد؛ اما خداوند متعال با انسان چنین نکند؟ بلکه او نیز به لطف خود، زمین را گهوارهٔ انسان برای زندگی قرار داده است، لذا فاصله آن را با خورشید متعادل قرار داده، حرارتش را از صفر تا چهل درجه تنظیم کرده، ضخامت آن را متوسط، خورشید و نیروی جاذبه و سرعت روزانه آن را با خورشید و طول فصول آن را متعادل و در حد متوسط و سازگار با حیات انسان قرار داده ونعمت خود را بر ما تکمیل کرده است، لذا می‌فرماید :

﴿اَلَّذی جَعَلَ لَکُمُ الأرْضَ مَهْداً و جَعَلَ لَکُم فِیها سُبُلاً لَعَلَّکُم تَهْتَدوُنَ﴾[زخرف:۱۰] ترجمه:کسی که زمین را گهوارهٔ (زندگی و محل آرامش) شما گردانیده است و در آن راه‌هایی بوجود آورده است تا اینکه رهنمود شوید.

خداوند متعال با این بیان و نیز با آیه:

﴿اَلَمْ نَجْعَلِ الأرْضَ مَهاداً﴾ [نبأ: ۶]

افکار ما را بیدار و عقل‌های ما را هوشیار و دیدگان ما را به سوی خود متوجه می‌گرداند، این زمین برای شما و استقبال از شما آفریده شده است، آیا در این فکر کرده‌اید؟ آیا در زمینی که خداوند آن را محل استقرار و ثبات شما قرار داده، اندیشیده‌اید؟ زمینی که در هر ثانیه، سی کیلومتر راه می‌پیماید، آیا در روی آن چیزی تکان می‌خورد؟ آیا دیواری ویران شده و سقفی فرو می‌ریزد؟ (که نتیجه حرکت و سرعت زمین باشد).

هوای اطراف زمین به همراه آن در گردش و حرکت است، بادهایی لطیف و پاکیزه کنندهٔ هوا به وجود می‌آید و آرامش دو چندان به بشر می‌دهد. اگر اینگونه نبود و هوا ساکن و زمین متحرک بود، توفان‌هایی با سرعت هزار و ششصد کیلومتر ایجاد می‌شد. با این که می‌دانیم خطرناک‌ترین توفانی که اثری از حیات بر روی زمین باقی نمی‌گذارد، حداکثر سرعت آن به هشتصد کیلومتر در ساعت می‌رسد و در سرعت دوصد کیلومتری قدرت تخریب و ویرانگری بسیار بالا دارد. حال اگر سرعت این توفان‌ها به هزار و ششصد کیلومتر برسد، چه خواهد شد؟

[1] – ابن کثیر در تفسیر خود، ج ۳، ص ۱۵۷، می‌فرماید : **[منظور از مهد، جای قرار و آرامش است که می‌توانید روی آن ایستاده، بخوابید و یا سفر کنید]**.

چگونه ممکن است که زمین آرامگاه باشد و در عین حال در حرکت و سرعت؟ و چگونه ممکن است بر روی زمینی با این سرعت، ساختمان‌هایی چندین طبقه ساخت؟ در حالیکه اگر اندکی بلرزد همه چیز نابود می‌شود، ساختمان‌ها، خانه‌ها، پل‌ها، کانال‌های آبی و همه چیز دیگر ویران، نابود و در هم ریخته می‌شود.

ای انسان، خداوند برای بیداری تو و نجاتت از غفلت، گاه‌گاه زلزله‌های زمین را به تو نشان می‌دهد که در چند ثانیهٔ اندک، پستی و بلندی آن را دگرگون می‌سازد. و شهرهای بزرگ را زیر آوارها و خاک قرار می‌دهد. باز می‌پرسیم :

چه کسی زمین را در مسیر خود نگه داشته است؟ چه کسی سرعت آن را در قطر کوچک بیشتر و در قطر بزرگ، کمتر می‌کند؟ چه کسی این تغییر سرعت را به آرامی و آهستگی ایجاد می‌کند؟ و کیست که تو را از سقوط و نابودی نجات می‌دهد؟ آیا غیر از خداست و آیا دستی به غیر از دست او در کار است؟ کیست که به زمین حرارتی مناسب عنایت کرده است؟ که اگر زمین متوقف شود، گرمی وسردی آن به سیصد و پنجاه درجه بالای صفر در روز و دو صد و هفتاد درجه زیر صفر در شب می‌رسید. پس چه کسی حرارت آن را متناسب با زندگی و جسم ما قرار داده است؟ کیست که زمان روز و شب آن را متناسب با نیاز خواب و بیداری ما قرار داده است؟

پس اگر قرآن را تلاوت کردید، در آیات آن توقف کرده و تأمل کنید. وقتی که او می‌فرماید ﴿**أَلَمْ نَجْعَلِ الأَرْضَ مَهاداً**﴾ بنگر که چگونه زمین را برای تو مهیا کرده و تو را با آن متناسب قرار داده است؟ بنگر که چگونه در اندازه و سرعتی مناسب، آفریده. و آن را با آب و هوا و خورشید و گیاهان و حیوانات و پستی و بلندی‌ها و شب و روز و حرکت و جاذبه، سازگار و با نیازهای تو هماهنگ کرده است؟ بنگر که چگونه تو را دو پا، دو دست، دو چشم، دو شُش، دو گوش، قدرت عقل و قضاوت و زبان آزاد و توانا در سخن و بیان عطا فرموده است.

معنای کلمات

جَعَلَ: خلق(آفرید).

فَامْشُوا: پس بروید(سیر و سفر کنید).

يُرْسِلَ: بفرستد.

روش تدریس: توضیحی، تشریحی، سؤال و جواب.

مواد ممد درسی: کتاب درسی، کتب تفسیر شریف، منابع علمی، پوسترهای اقلیمی و مناظر طبیعی.

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	ـ معلم محترم حسب معمول حین ورود به صنف بعد از تقدیم سلام و موضوعات مقدماتی از شاگردان می‌خواهد مقالات شان را در رابطه به فضیلت و جایگاه«آية الكرسی» در قرآن کریم و احادیث وارده در ویژه‌گیهای شامخ آن ارایه کنند و از یک شاگرد می‌خواهد تا مقالهٔ ده سطری اش را به صدای مناسب قرائت نماید و به تشویق و ترغیب شاگردان بپردازد و از جملهٔ مقالات(۳) مقاله را که به مراتب عالی، متوسط و خوب باشد به تختهٔ نشراتی صنف به هدف آگاهی همگان انتخاب و نصب نماید. معلم محترم عنوان درس جدید (زمین برای منفعت انسان) را توسط یک دانش آموز به تخته می‌نویسد و

۲۵دقیقه	وجه مناسبت آیت‌های(۱۵– ۱۷) سورهٔ(الملک) با آیة الکرسی از نگاه تکریم ذات انسانی و اینکه انسان اشرف مخلوقات است و زمین هم برای منفعت و طرز استفاده درست از آن برای انسان مسخر و رام گردانیده شده است به شاگردان افاده کند. ـ معلم محترم آیات شماره(۱۵– ۱۷) سورهٔ تبارک شریف(الملک) را با گفتن استعاذه و بسمله به صدای خوش قرائت می‌کند و سپس از سه نفر شاگرد بطلبد تا به نوبه یک یک آیت را تلاوت و معلم کلمات قرآنی را به تخته بنویسد و معنا کند. ـ معلم محترم از چند شاگرد بخواهد تا عناوین جانبی و کلمات کلیدی درس را به تخته نوشته کنند و هر یک را به طلاب توضیح نماید و سپس از چند شاگرد بخواهد تا به نوبت یک یک عنوان جانبی را تشریح بدارند و معلم در هر قسمت آنان را همراهی و رهنمایی نماید. ـ معلم محترم با استفاده از تحلیل و تفسیر آیات مبارکه از روی کتاب درسی و با استفاده از پوسترهای جیوپولتیک پیرامون آفرینش زمین و منافع و نعمت‌های ظاهری و باطنی زمین و شگفتی‌های فزیکی و مظاهر دلالت‌های علمی آیت مبارکه را به شاگردان طوری بیان کند که علوم زمین شناسی و جغرافیا نیز در پرتو این آیات قرآنی در این زمینه تحقیقات نموده اند و تا هنوز به حقایق نهفته که در کلمهٔ مبارکه(ذَلُولًا) می باشد بشر به آن دست نیافته است. ـ معلم محترم عناوین جانبی درس را به تخته نوشته و هر یک را تشریح نماید و سپس از چند متعلم بخواهد تا به نوبت یک یک عنوان جانبی درس را تحلیل و تشریح نمایند.
۵ دقیقه	**خلاصهٔ درس** ▪ آیات مبارکه سوره (الملک) در مجموع به خلقت کاینات و منجمله آسمانها، زمین، ستاره گان با شگفتی‌های آن و انسانها و آفریدن مرگ و زنده‌گی برای آزمایش و اظهار وحدانیت او تعالی تاکید نموده است. ▪ مظاهر قدرت ذات الهی در نظام آفرینش و حرکات اجرام سماوی و تحولات کیفی و کمی در هوا و در اطراف زمین همه بر حکمفرمایی و پادشاهی مطلق خدای یکتا و بی همتا گواه است. ▪ آیات مبارکه (۱۵– ۱۷) این سوره در خصوص آرامش زمین در صورت ظاهر و حرکات و لرزش‌های قوی آن و تحول نظام شبا روزی، فصول سال و پدیدار شدن ارزاق و نعمت‌های فراوان در بحر و بر و میوه‌ها با رنگ‌های مختلف، هوای خوشایند و آب گوارا و شیرین همه و همه انسان را به تفکر به دستگاه قدرت لایزال الهی فرا می‌خواند تا تفکر کند و از نعمت‌های فراوان که در زمین وجود دارد استفادهٔ مشروع نماید.
۱۰ دقیقه	**ارزیابی** معلم محترم با استفاده از سؤالهای دانشی، مهارتی و ذهنیتی کتاب تفسیر شریف، شاگردان را ارزیابی کند.
	کارخانه‌گی معلم محترم از روی کتاب درسی به شاگردان کارخانه‌گی توصیه می‌کند.

درس هفتم

عنوان: محبت خداوندﷻ در پیروی پیغمبرﷺ است

صفحه: ۳۰- ۳۴.

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- در پرتو تفسیر آیات مبارکه راه و روش درست کسب محبت خدای تعالی را بیاموزند.
- شأن نزول آیات مبارکه را با حکم آن آموخته و مفهوم آن را به دیگران گفته بتوانند.
- کلمات کلیدی درس را با مفهوم آن یادداشت و تحلیل و تجزیه نمایند.

دانش لازمی

آداب محبت و پیروی از پیامبرﷺ

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است: **(ثَلاَثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ بِهِنَّ حَلاَوَةَ الإِيمَانِ وَطَعْمَهُ : أَنْ يَكُونَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا ، وَأَنْ يُحِبَّ فِي اللهِ ، وَأَنْ يَبْغُضَ فِي اللهِ ، وَأَنْ تُوقَدَ نَارٌ عَظِيمَةٌ فَيَقَعَ فِيهَا أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يُشْرِكَ بِاللَّهِ شَيْئًا)**[1].

(سه چیز است که در هر کس وجود داشته باشد، او حلاوت وشیرینی ، مزه وطعم ایمان را چشیده است : یکی اینکه خدا و پیامبر وی را بر غیر تر جیح دهد و آنان را از غیر آنان بیشتر دوست داشته باشد ، رضایت خدا وپیامبر را بر هر چیز دیگری تر جیح دهد . دوم اینکه هر کس را دوست دارد تنها به خاطر خدا ودر راه او دوست داشته باشد وهر کس را دشمن داشته باشد تنها درراه خدا و بخاطر او دشمن داشته باشد . سوم اینکه ببیند که آتش بزرگی بر افروخته شده است واو افتادن در آن را بر شرک ورزیدن به خداوند تر جیح دهد).

مراعات ادب و احترام همه جانبه رسول خدا بر هر مسلمان واجب است و در زیر برخی از آداب محبت وپیروی از پیامبر طور مختصر بیا ن می گردد .

۱- خداوند متعال در قرآن کریم با صراحت تمام محبت ، اکرام و ادب با پیامبر گرامی را واجب گر دانیده و می‌فرماید : ﴿**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ**﴾ . **[الحجرات: ۲]** ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید ! صدای خود را از صدای پیامبر بلند تر ننمایید ، و همچنان که با یکدیگر سخن می گویید ، با او با صدای بلند صحبت نکنید ، تا ندانسته اعمالتان ضایع وبی اجر نشود.

۲- خداوند متعال اطاعت از پیامبررا بر اهل ایمان واجب گردانیده است ومی فرماید : ﴿**وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا**﴾ **[الحشر: ۷]** (آنچه را که پیامبر برای شما آورده (وبه آن فرمان داده) بگیرید وپیروی کنید واز آنچه شمارا نهی نموده خود داری نمایید).

۳- خداوند متعال امامت ، قضاوت وحکمیت را به پیامبر بزرگوار اسلام سپرده است ومی فرماید : ﴿**فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا**﴾ . **[النساء: ۶۵]**

---

[1]- روایت مسلم و نسائی.

(اما، نه! به پر وردگارت سوگند که آنان مؤمن به شمار نمی‌آیند ، تا در مورد اختلاف‌ها و نزاع‌های خود داوری ترا در خواست نکنند ، و سپس در مورد قضاوتت ملالی به دل نداشته باشند و کاملاً تسلیم قضاوت تو باشند .

۴- پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید : سوگند به ذاتی که جان من در اختیار اوست ، هیچیک ازشما ایمان ندارد مگر آنکه مرا بیشتر از فرزند ، پدر وهمه مردم دوست داشته باشد .

آنچه بیان گردید اموری بودند که ضرورت اکرام وادب با پیامبر را بیان می کرد ، مراعات ادب با پیامبر در موارد زیر خلاصه می‌شود :

۱- در همه امور زندگی از فرامین پیامبر فرمانبرداری و از روش زندگی اجتماعی و فردی ایشان پیروی کنیم .

۲- هیچکس را – هر کس که باشد – بیش از او دوست نداشته با شیم .

۳- با احترام فروان نام پیامبررا بر زبان بیاوریم واز گفتن درود وسلام براو غفلت نکنیم و شمایل وفضایل اورا گرامی بداریم .

۴- در انتخاب نوع دوست ودشمن ، خوشنودی وخشمناکی روش وسنت اورا در پیش گیریم .

۵- در راستای گسترش سنت ، ترویج شریعت ، ابلاغ دعوت و اجرای دستورات او از هیچ تلاشی کوتاهی نکنیم .

معانی کلمات

قُلْ: امر است از مصدر قول بمعنی بگو(ای محمدﷺ).

تُحِبُّونَ: دوست دارید.

فإِن تَوَلَّوْاْ: پس اگر رو گردانیدند.

روش تدریس: مباحثوی، توضیحی، کار گروپی، سؤال و جواب.

مواد ممد درسی: کتاب درسی تفسیر شریف، کتاب تفسیر، چارت کلان و مارکر.

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	معلم محترم بعد از ادای سلام و موضوعات مقدماتی، درس گذشته را با طرح پرسشهایی چنین ارزیابی کند: ۱. کلمات زیر را معنا کنید: (ذَلُولًا، مَنَاكِبِهَا، يَخْسِفَ، تَمُورُ) ۲. کلمهٔ (ذلول) در اصل برای چه استعمال میشود و استعمال آن برای زمین در آیهٔ مبارکه چه مناسبت دارد؟ توضیح بدهید.
۲۵ دقیقه	ـ معلم محترم بعد از دریافت پاسخ‌های درست، عنوان درس جدید را به تخته و یا چارت به خط زیبا می‌نویسد و تسلسل علمی و منطقی درس جدید را با درس گذشته به نحو شایسته افاده می‌کند. ـ معلم محترم از جمع شاگردان به شکل داوطلبانه می‌خواهد تا دو نفر شاگرد را به جاهای شان ایستاده شده و آیت شماره(۳۱ و ۳۲) سورهٔ آل عمران را با گفتن استعاذه و بسمله تلاوت نمایند. ـ معلم محترم کلمات کلیدی درس را به تخته و یا چارت می‌نویسد و معنی آنرا کتبی و شفاهی به

شاگردان ارایه می کند. ـ معلم محترم با توضیح سبب نزول آیات مبارکهٔ درس و روش‌های نیک و مطلوب دوستی و محبت با خدای تعالی و حبیب او تعالی سیدنا محمدﷺ را مطابق ارشادات و هدایات شرعی به بحث و بررسی گرفته و از ادعاهای کاذبانه گروهای غیر اسلامی که با خدای واحد ولاشریک، دیگر معبودان باطل را می‌پرستیدند و دَم از دوستی با خدای تعالی می‌زنند در حقیقت این عمل قبیح و شرکی شان دشمنی با خدای عزیز و کتاب آسمانی و رسالت توحیدی محمدیﷺ است، شاگردان را آگاه می‌سازد. ـ معلم محترم با منحصر نمودن محبت الله تعالی و رسول گرامیﷺ به اطاعت و فرمانبرداری از اوامر و احکام الهیﷻ و دساتیر احادیث نبویﷺ طوریکه آیات درس بر آن دلالت تاکیدی دارد از شاگردان دعوت به عمل آورد تا در گروپ‌های دو نفری راجع به ثبوت و حقیقت حصول دوستی و محبت و راه و روش آن با هم بحث و مناقشه کرده و نکات مهم را یادداشت و در پایان فعالیت به نماینده‌گی از عموم متعلمین، یکنفر آنان به صدای بلند بخواند و توضیحات دهد. ـ معلم محترم به شاگردان موقع بدهد تا سؤالهای شان را مطرح نموده و در ارایهٔ پاسخ دهی در حل مشکل با طلاب همکاری نمایند.	
خلاصهٔ درس ▪ محبت خداوند جل جلاله و رسول اکرمﷺ واجب و از حقیقت ایمان سرچشمه میگیرد. ▪ کسیکه دعوای دوستی و محبت خدا جل جلاله را دارد به طریقه و راه و روش پیامبر اسلامﷺ پابندی و التزام داشته باشد. ▪ دعوای محبت خدا جل جلاله و رسول اکرم ﷺ با اصرار ورزیدن به معصیت و سرپیچی از اوامر خدا جل جلاله و رسول اکرمﷺ هیچگاه میسر نمیشود. ▪ نشانهٔ محبت بنده با الله تعالی، اطاعت و پیروی از رسول اکرمﷺ بوده که منتج به محبت خدا جل جلاله و آمرزش گناهان میگردد. ▪ ادعاهای واهی محبت با خدا جل جلاله که عاری از تعمیل اوامر و پیروی از پیامبرﷺ باشد یک ادعای کاذب و خلاف واقعیت شمرده می‌شود. ▪ از فحوای آیات کریمه بر میاید که شیوه و راهکار زنده‌گی مسلمان همانا عمل صالح، عبادت مخلصانهٔ خداوند جل جلاله و سعی و تلاش مستمر در این مورد جهت حصول اجر و ثواب و رضامندی الله تعالی؛ البته مطابق ارشادات پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم میباشد.	۵ دقیقه
ارزیابی معلم محترم جهت اطمینان از فراگیری مفهوم درس در حیطهٔ اطلاعات و دانش، عواطف و ارزش‌ها مهارت‌ها و عمل، با طرح سؤالهایی از متن درس شاگردان را ارزیابی می کند و به مشکلات شان پاسخ‌های مناسب داده رهنمایی لازم می کند. **کارخانه‌گی** معلم محترم با استفاده از کتاب تفسیر شریف کارخانه‌گی به شاگردان توصیه می کند.	۱۰ دقیقه

درس هشتم

عنوان: اسلام دین کامل و همه جانبه

صفحه: ۳۵- ۳۹.

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- به معانی کلمات و تفسیر آیات(۶۰ و ۶۱) سورهٔ نساء شناخت حاصل نمایند.
- مفاهیم ارشادی و تفسیری آیات مبارکه را با شأن نزول آن بیاموزند.
- مرجع تحاکم و حکمیت را در تمام منازعات و قضایای ذات البینی حکم و دستور خدای تعالی و رسول اکرمﷺ را ملاک عمل قرار دهند.
- به فیصله‌های قرآنی و احادیث نبویﷺ معتقد و در زنده‌گی به آن عمل کنند.

دانش لازمی

نواقض اسلام

خداوند متعال در بسیاری از آیه‌های قرآن مجید مسلمانان را از ردت و برگشتن از دین و سایر انواع شرک و کفر بر حذر داشته است. و علمای اسلام ـ رحمهم الله ـ در باب حکم مرتد ذکر کرده اند که ممکن است مسلمان مرتد و از دین خارج شود، آنهم با ارتکاب و انجام برخی از اعمال که آنرا نـواقض اسلام نامیده اند. و آن نواقض سبب می شود که او از دایره اسلام خارج گردد.

و شدیدترین این نواقض ده چیزاند که علما و دانشمندان اسلام آنرا در کتابهای خود ذکر کرده اند:

<u>اول:</u> شـرک آوردن در عبادت خـدای یکتا و برای او شریک قائل شدن.

خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ اللّهَ لاَ يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ﴾ [النساء: ١١٦].

[خـداوند نمی بخشد که به او شرک آورده شود، و جز آن را برای هرکس که بخواهد، می آمرزد].

ومی فرماید: ﴿من يُشْرِكْ بِاللّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللّهُ عَلَيهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ﴾ [المائدة: ٧٢].

[بی گمان کسی که به خداوند شرک آورد، خداوند بهشت را بر او حرام می گرداند و جایگاهش آتش (دوزخ) است، و ستمکاران یاورانی ندارند].

و از جملهٔ شرک در عبادت خـداوند متعال مدد خواستن از مردگان است، و همچنین نذر کردن و ذبح و قربانی برای آنهاست.

<u>دوم:</u> کسی که بین خود و بین خدا واسطه قرار دهد و از آن واسطه چیزی بخواهد(یعنی دعای خود را متوجه او سازد) و از او شفاعت بطلبد و بر او تـوکل کند، چنین شخصی به اجماع علما و دانشمندان اسلام کافر است.

<u>سـوم:</u> کسیکه مشرکان را کافر نداند، و یا اینکه در کفر آنان شک و تردید داشته باشد، و یا اینکه مذهب آن مشرکان را صحیح بداند کافر است.

<u>چهارم:</u> کسی که اعتقاد داشته باشد که هدایت و دستورهای غیر رسـول اکرم از هدایت و دستورهای رسـول اکرم کاملتر و بهتر است ، و یا اینکه بگوید حکم و قضاوت غیر رسول الله بهتر از حکم و قضاوت پیامبر است، مانند کسانی

که حُکْم و قضاوت طواغیت(قوانین رسمی کشوری)را که غیر شرعی باشد بر قوانین شرعی و دینی برتری می دهند همه اینها کافرهستند .

هرکس اعتقاد داشته باشد که قوانین وضعی و رسمی کشور که مردم آنرا اختراع کرده اند و از ساختهٔ بشر است از دین مبین اسلام بهتر است یا اینکه بگوید دستور اسلام برای قرن بیست ویکم غیر قابل قبول است.

و یا اینکه بگوید شریعت الهی ـ دین اسلام ـ سبب خسارت و عدم پیشرفت، و سبب عقب ماندگی مسلمانان شده است و یا اینکه بگوید دین اسلام فقط واسطه و رابطه ای است بین خدا و بنده، و هیچ ربطی در سایر شؤون زندگی ندارد، پس کسی که این باورها را داشته باشد نیز کافر است.

پنجم: کسیکه به چیزی از آنچه رسول الله برای امت اسلامی از هدایت و قضاوت و حُکْم به قرآن و سنت آورده، بُغض ورزد، اگر چه به آن حکم عمل کند، در حالیکه از آن نفرت دارد، باز هم جزو کافران می باشد. خداوند متعال می فرماید: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ﴾. [محمد: ۹]. ترجمه: این بسبب آن است که آنان آنچه را که خدا نازل کرده است ناخوش داشتند، در نتیجه خداوند اعمالشان را تباه کرد.

ششم: هر کسیکه به چیزی از دین مبین اسلام مسخره و نیشخند کند، همان دینی که رسول الله آنرا از طرف باری تعالی آورده، و یا از ثواب ، نیکی و پاداش آن، و یا از جزا ، عقاب و کیفر آن،انکارکند کافر شود، به دلیل قول تبارک و تعالی که می فرماید: ﴿قُلْ أَبِاللهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنتُمْ تَسْتَهْزِؤُونَ(٦٥)لاَ تَعْتَذِرُواْ قَدْ كَفَرْتُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ﴾ [التوبه: ٦٦].

[بگو: آیا دین وشرع خدا وکتاب و پیامبرش را مسخره می کردید؟ عذر نیاورید، به راستی که پس از ایمانتان کفر پیشه کردید].

هفتم: سحر و جادوگری و آنچه شامل آن شود، به دلیل قول تبارک و تعالی که می فرماید: ﴿وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولاَ إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلاَ تَكْفُرْ﴾ [البقرة: ١٠٢].

[و(آن دو فرشته) به هیچ کسی (جادو) نمی آموختند مگر آنکه می گفتند: ما تنها (مایه) آزمایش هستیم، پس (با به کار گیری جادو) کافر مشو].

هشتم: پشتیبانی از مشرکان و یاری کردن آنان بر ضد مسلمانان، و دلیل آن قول باری تعالی است که می فرماید: ﴿وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللهَ لاَ يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [المائده: ٥١].

و هرکس از شما آنان(یهود و نصاری) را دوست گیرد، براستی که خود از آنان است، بی گمان خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی کند].

نهم: کسیکه معتقد باشد که برخی از مردم می توانند از شریعت و دین محمد خارج شوند کافر می باشد.

خداوند تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الإِسْلاَمِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [آل عمران: ۸۵]. ترجمه: و هرکس دینی جز اسلام بجوید، هرگز از او پذیرفته نمی شود و او در آخرت از زیانکاران است.

دهم: روی گردانی و اعراض نمودن از دین خدا و نیاموختن اسلام و عمل نکردن به آن.

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ﴾ [السجده: ۲۲].

[و کیست ستمکارتر از کسی که به آیات پروردگارش پند یابد آنگاه از آن روی بگرداند، بی گمان ما از گناهکاران انتقام خواهیم گرفت].

هر کس معتقد باشد که بریدن دست دزد و سنگسار کردن زن یا مرد زنا کاری که قبلاً ازدواج کرده و یا در حال حاضر متأهل است برای این زمان غیر قابل قبول است نیز کافر می باشد، هرکس عقیده داشته باشد که حکم نمودن و قضاوت کردن در معاملات خرید و فروش و حدود الهی بغیر از حکم خداوند عز وجل جایز است کافر می شود، اگر هم به این عقیده نباشد که آن حکم از حکم خداوند بهتر است. و کسی چیزی از آنچه خداوند حرام دانسته و حرمت آن واضح و آشکار باشد، مانند زناکاری و شرابخواری و رباخواری و قضاوت و حکم بغیر از شریعت الهی را حلال وجائزبداند ، کافر است.

در تمامی این نواقض و مخالفتها بین اینکه انسان جدی باشد و یا اینکه شوخی کند و یا از انجام آن بترسد، هیچ فرقی وجود ندارد، مگر کسی که به زور مجبورساخته شود به انجام آن عمل در حالیکه او راضی نیست. همه اینها از امور خطرناکی است که ممکن است مردم در آن واقع گردند.

پس بر مسلمان لازم است از آنها بر حذر باشد و بترسد از اینکه در این گناهان بیفتد و باید از آن اجتناب و دوری ورزد.

معنای کلمات

أَلَمۡ تَرَ: آیا ندیدی و آگاهی به شما حاصل نشده.

أَن يَتَحَاكَمُوٓاْ: حکمیت و داوری کنند.

تَعَالَوۡاْ: بیایید.

مواد ممد درسی: کتاب تفسیر شریف، مراجع و منابع تفسیری، چارت کلمات قرآنی.

روش تدریس: توضیحی، سؤال و جواب، مسابقوی و گروپی.

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	معلم محترم بعد از سلام و موضوعات مقدماتی درس گذشته را با طرح سؤالهایی ارزیابی می کند. ـ معلم محترم بعد از دریافت پاسخ‌های درست و ملاحظه کارخانه‌گی شاگردان با توضیحات رهنمودی در حل مشکلات، شاگردان را رهنمایی می‌کند و سپس عنوان درس جدید (اسلام دین کامل و همه جانبه) را روی تخته صنف می‌نگارد و ارتباط درس جدید را با درس گذشته بصورت مدلل به شاگردان افاده می کند.
۲۵ دقیقه	ـ معلم محترم از یکنفر شاگرد که در علم قرائت و تجوید مهارت و ورزیده‌گی داشته باشد میخواهد تا به کمال ادب آیات مبارکه شماره(۶۰ – ۶۱) سورۀ نساء را به صوت خوب تلاوت ترتیل کند. ـ معلم محترم عناوین جانبی درس را توسط چند شاگرد به تخته می‌نویسد و هر کدام را تحلیل و تشریح می کند و سپس از چند متعلم میخواهد تا به نوبت یک یک عنوان جانبی درس را تشریح کنند و استاد محترم در هر قسمت آنان را همراهی و رهنمایی نماید. ـ معلم محترم دو گروپ از شاگردان را وظیفه بدهد تا در بین شان به شکل مسابقوی سه سه جمله پیرامون فحوای آیت مبارکه نوشته نموده و هر گروپ توسط یکتن از نمایندگان منتخب شان به صنفی‌های شان به صدای بلند بخوانش بگیرد و معلم به مشارکت شاگردان تیم برتر را با ارزیابی عادلانه ممتاز اعلان کند و در مجموع به تشویق عموم شاگردان بپردازد.

ـ معلم محترم به شاگردان وظیفه بدهد تا متن کامل صفحات(۳۵، ۳۶، ۳۷ ،۳۸) را بکمک یکدیگر بخوانند و مشکلات لغوی و علمی شانرا یادداشت نموده و از معلم استفسار کنند و نکات مهم درس که در عناوین جانبی صفحات(۳۶ و ۳۷) شامل مطالب تفسیر امام ابن کثیر رحمه الله و(حاکمیت خداوند و پیامبر) و (اسلام تجزیه را نمی‌پذیرد) توضیح شده با هم بحث و گفتگو نمایند و در هر قسمت با آنان رهنمایی و همکاری نماید. **خلاصهٔ درس** ■ اطاعت خدا و پیامبرش واجب و قطعی است. ■ کسانی که دعوای ایمان را میکنند باید در همهٔ امور خود از حکم خداﷻ و پیامبر اکرمﷺ اطاعت و فرمانبری نمایند. ■ آنانی که در فیصله و قضاوت از احکام اسلام عدول نموده و قضایا و منازعات شان را جهت داوری و حکمیت به طاغوت (قوانین باطل و غیر اسلامی) می‌گذارند به شدت مورد توبیخ و سرزنش قرار گرفته اند. ■ داوری و حکمیت باید بر اساس احکام الهی و ارشادات گرامی پیامبر اکرمﷺ صورت بگیرد و این حکم فراگیر بوده تمام قضایا و منازعات کوچک و بزرگ را دربر میگیرد و اسلام دین کامل بوده تجزیه و استثناء نمی‌پذیرد.	۵ دقیقه
ارزیابی معلم محترم بمنظور حصول قناعت از مؤثریت درس با استفاده از سؤال‌های مطرح شده کتاب تفسیر شریف، شاگردان را در حیطهٔ دانش، مهارت و ذهنیت ارزیابی کند. **کارخانه گی** مطابق هدایت کتاب درسی توصیه شود.	۱۰ دقیقه

درس نهم

عنوان: نماز فریضهٔ همیشه‌گی و انقطاع ناپذیر

صفحه: ۴۰- ۴۴.

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- آیات مبارکه(۱۰۱- ۱۰۴) سورهٔ نساء را به صورت درست تلاوت کرده بتوانند.
- مفهوم کلی و تفسیری آیات مبارکه را در باره نماز خوف و طریقهٔ ادا کردن آن به صورت نظری و عملی بیاموزند.
- احکام فقهی را در بارهٔ قصر نمازهای چهار رکعتی آموخته و جهت عملی کردن به خاطر بسپارند.

دانش لازمی

معرفت نماز وفرضیت آن

معنای لغوی نماز دعا است، چنانکه الله سبحانه وتعالی به پیغمبرش می فرماید: ﴿**وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ**﴾ صلات بفرست بر آنان، (یعنی درحقشان دعای خیر نما) به درستی دعای خیر تو برایشان باعث وقار و بردباری است. اما در شریعت، نماز آن گفتارها وکردارهای را گویند، که الله تعالی آن را فرموده وپیغمبرش طریقهٔ ادایش را تعلیم داده است. با تکبیر یعنی: الله اکبر شروع و با تسلیم یعنی سلام دادن خاتمه می پذیرد. فرض بودن نماز به امر الله تعالی وبا فرموده‌های پیغمبر(صلی الله علیه وسلم) وبه اجماع واتفاق امت اسلامی ثابت گردیده است. در قرآن کریم الله تعالی چنین دستور می دهد: ﴿**فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ**﴾ [الحج: ۷۸] (پس بر پا دارید نماز را و بدهید زکات را و چنگ بزنید به الله:(یعنی از وی مدد بخواهید و به وی توکل نمایید یعنی به مددش اعتماد کنید) الله سبحانه وتعالی مددگار شما است. او بسیار مددگار نیک و یاری کنندهٔ خوبی است.) رسول الله ﷺ چنین فرموده اند: (**بني الإسلام على خمس شهادت أن لا إله إلا الله و أن محمدًا رسول الله و إقام الصلاة و إيتاء الزكاة و صوم رمضان وحج البيت من استطاع إليه سبيلا** [1] .

ترجمه :- بنیاد اسلام عبارت از پنج چیز است: شهادت دادن به این که به غیر از الله تعالی دیگر هیچ خدایی وجود ندارد. و اینکه محمدﷺ بنده و فرستادهٔ او است و برپا داشتن نماز و دادن زکات و روزه داشتن ماه رمضان و خانه الله تعالی را حج کردن از برای کسی که قدرت داشته باشد.

تاریخ فرض شدن نماز و اهمیت آن در حیات شخصی و اجتماعی

اهل سیرت بر این اند که نماز درشب معراج رسول اکرمﷺ به نزد پروردگار فرض گردیده است. تاریخ آن را تقریبا پنج سال قبل از هجرت می گویند که این به بیست وهفتم ماه رمضان سال۶۱۶ میلادی: یعنی به سال هشتم آشکار شدن نبوت محمدﷺ برابر می آید. حکمت در فرضیت نمازاین است که علاقهٔ بنده را با پروردگارش مستحکم می کند و او بسبب ادا کردن نماز خالق مهربانش را سپاس می گوید. این عمل سبب رضایت پروردگار شده او تعالی این بنده شکر گزارش را از نعمتهای دنیوی و اخرویش بهره ور می سازد.

---

[1]- متفق علیه.

در نتیجه بنده سعادت مندی دو عالم را نایل گردیده از بد بختی دنیا و آخرت رهایی می یابد. الله سبحانه و تعالی می فرماید:﴿ لَئِن شَكَرْتُمْ لأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ [ابراهیم: ۷۱] یعنی: اگر شکر گزارید البته نعمتهایم را به شما افزون خواهم کرد. و اگر ناسپاسی کردید پس بدانید عذاب من بسیار سخت می باشد). اما آن منفعتهای شخصی که نماز گزار به سبب خواندن نماز کسب می کند این است که اگر آن را با اخلاص بخواند همیشه در بالای خود الله سبحانه وتعالی را نظارت کننده می بیند. در نتیجه به کارهای ناروا دست نمی زند، ولجام نفس سرکش را به جانب کارهای خیر می گرداند از جانب خود الله تعالی او را برای انجام دادن کارهای نیک قوت می دهد و براه راست هدایتش می کند. چنانکه او تعالی می فرماید: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاء وَالْمُنكَرِ﴾ [العنکبوت: ۴۵] یعنی: وبرپا بدار نماز را! بدرستی نماز از کارهای بی حیایی وناپسند منع می نماید) خواندن نماز چیزی را در ذات وصفات الله تعالی زیاد نمی کند و نخواندنش چیزی را از او کم نمی نکند، اما فایده‌های اجتماعی نماز بسیار بزرگ اند. آن جامعه که افراد آن واقعا نماز گزار باشند هرگز به کارهای بد دست نمی زنند. درچنین جامعه فضای دوستی ومحبت واتحاد و برادری حکم فرما خواهد بود وافراد آن در امنیت و برکت حیات بسر خواهند برد، چون همگی در صف نماز ایستاده می شوند آن صفی است که شاه و گدا در یک قطار می ایستند و هرروز چند مرتبه همدیگررا می بینند و از احوال همدیگر باخبر می شوند.

منفعتهای اخروی نماز

منفعتها ی اخروی نماز دو قسم می باشد: ۱- بخشش گناهان ۲- نایل گردیدن به نعمتهای فراوان وبی انتهای الله سبحانه وتعالی. اما قسم اول این منفعتها چنانکه گفتیم بخشش گناهان است که در این موضوع رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) می فرماید: (**الصلوات الخمس والجمعة إلى الجمعة ورمضان إلى رمضان مكفرات لما بينهن إذا اجتنبت الكبائر**)[1] یعنی: نمازهای پنجگانه، جمعه تا جمعۀ دیگر و رمضان تا رمضان دیگر جبران کنندۀ گناهان می باشند. گناهان در بین ادای یک نماز تا ادای نماز دیگر یا بین رمضان دیگر را محو می سازند. به شرط این که مرتکب گناهان کبیره مثل قتل به ناحق، زنا وغیره نگردیده باشد. در حدیث دیگر رسول اکرم ﷺ می فرماید: (**أريتم لو أن نهرا بباب أحدكم يغتسل فيه خمسا هل يبقى من درنه شيئ؟ قالوا لا يبقى من درنه شيئ قال: فذاك مثل الصلوات الخمس يمحوا الله بهن الخطايا**)[2] یعنی: (بگویید که اگر نهر آبی از دروازۀ یکی از شما جاری باشد و او در آن هر روز پنج مرتبه بدنش را بشوید، آیا چرکی در بدنش باقی می ماند؟ اصحاب کرام گفتند: چرکی در وی باقی نخواهد ماند. رسول اکرم ﷺ فرمود: این به گزاریدن پنج وقت نماز شباهت دارد که به سبب آن الله تعالی گناهان را محو می گرداند) . اما قسم دوم منفعتهای أخروی نایل شدن به نعمتهای پروردگار است

رسول الله ﷺ می فرماید (**صلوا خمسكم و صوموا شهركم وأدوا زكاة أموالكم و أطيعوا ذا أمركم تدخلوا جنة ربكم**)[3] یعنی (پنج وقت نمازتان را بگزارید وماه رمضانتان را روزه بدارید و زکات مالهایتان را ادا کنید و امیرخود را اطاعت نمایید، به بهشت پروردگارتان می درایید. درحدیث دیگری آمده است(**ما من مسلم يتوضأ فيحسن وضوءه ثم يقوم فيصلي ركعتين**

[1]- روایت مسلم.
[2]- متفق عليه
[3]- رواه أحمد والترمذي

مقبلا عليهما بقلبه و وجهه إلا وجبت له الجنة)[1] یعنی: (هر مسلمانی که طهارت را نیک انجام بدهد سپس دو رکعت نماز بخواند البته به فضل و کرم الله تعالی به جنت دراید. اما آن نعمتهای بی بها و جاودانی جنت آن چنان بزرگ و گوارایند که کسی آن را ندیده و نشنیده است.

عاقبت سستی در نماز

الله سبحانه وتعالی می فرماید: ﴿**فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ**﴾ *[الماعون: ۴- ۵]*

یعنی: (وای بر حال آن نماز گزارانی که در ادای نمازهایشان سستی می نمایند. در این آیت کریمه الله تعالی آن اشخاصی را که به نماز خواندن پابند نیستند و آن را به طور درست نمی خوانند تهدید به عذاب دوزخ کرده است. این چنین در جای دیگری از احوال دوزخیان چنین خبر می دهد : ﴿**مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ**﴾ *[المدثر ۴۲]* یعنی: ازدوزخیان می پرسند : چه چیز شمارا به دوزخ درآورد ؟ آنان در جواب می گویند : ما ازجمله نماز گزاران نبودیم . رسول اکرم ﷺ می فرماید:

(**بين العبد وبين الكفر ترك الصلاة)**[2] یعنی : در بین بنده وبین کفر، ترک نماز است،از این حدیث شریف دانسته می شود که رفتار بی‌نماز به رفتار کافر مانند می باشد: این نماز است که در ظاهر مسلمان را از کافر فرق می کند. این معنا را رسول اکرم(ص) در حیث دیگری چنین بیان کرده است: (**من استقبل قبلتنا وصلى صلاتنا وأكل ذبيحتنا فهو المسلم)**[3].

یعنی : هرکه هنگام نماز رو به قبله ما بگرداند ومثل ما نماز بخواند و از گوشت (ذبیحه) ما بخورد پس وی مسلمان می باشد.

امام ترمذی از عبد الله ابن شکیک روایت می کند که گفت :

(**كان أصحاب رسول الله ﷺ لايرون شيئا من الأعمال تركه كفر غير الصلاة) "رواه الترمذي.**[4]"

صحابهٔ پیغمبر الله تعالی ترک هیچ عملی را جز ترک نماز کفر نمی دانستند.

معانی کلمات

تَقْصُرُواْ: کوتاه کنید.

مِن وَرَآئِكُمْ:از پشت سر شما باشند.

مَّيْلَةً: تهاجم و حمله.

روش تدریس: توضیحی، مباحثوی، کار گروپی، تمثیل.

مواد ممد درسی: کتاب درسی، کتب تفسیر شریف، چارت کلان و پوسترها و نمادهای تصویری نماز با جماعت.

---

[1]- رواه مسلم

[2]- رواه مسلم

[3]- روایت بخاری و مسلم.

[4]- روایت ترمذی

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	ـ معلم محترم بعد از تقدیم سلام و موضوعات مقدماتی کارخانه‌گی شاگردان را به ارتباط اینکه اسلام عزیز، دین کامل و جامع بوده و غیر قابل تجزیه می‌باشد، ملاحظه می‌نماید وضمن پرسش‌ها از محتوا و فر آورده‌های درس گذشته میزان یادگیری شاگردان را ارزیابی می کند. ـ معلم محترم با گفتن استعاذه و بسمله آیات مبارکه شماره(۱۰۱- ۱۰۴) سورهٔ نساء را با لهجهٔ رسا و ترتیل قرائت میکند و سپس از چهار نفر شاگرد می‌خواهد تا به نوبت یک یک آیت درس را تلاوت کنند.
۲۵دقیقه	ـ معلم محترم عنوان درس (نماز فریضهٔ همیشه‌گی و انقطاع ناپذیر) و کلمات کلیدی درس را به تختهٔ صنف می‌نویسد و آیت به آیت مفهوم و ترجمه و تفسیر اجمالی را به شاگردان توضیح می کند و کیفیت ادای نماز را در حال سفر و در حال خوف بیان نماید. ـ معلم محترم شاگردان را در دو گروپ دو نفری وظیفه دهد تا ترجمه و تفسیر آیات کریمه را در باره نماز و قصر کردن نماز خوف و کیفیت ادای آن را در انطباق متن کتاب با هم بخوانند و معلم محترم در قطارها گشت کند و در حل مشکل و افهام واژه‌های فقهی و تفسیری، شاگردان را همکاری و کمک کند. ـ معلم محترم در صحن مکتب شاگردان را به دو دسته تقسیم و گروه اولی در محل شان قرار داشته و گروه دومی را از محل دور سازد و نماز خوف را بالای شان تمثیل نماید و هرگاه امکان این فعالیت در صحن مکتب موجود نبود از این فعالیت منصرف گردیده و عوض آن در صنف بصورت شفاهی توسط سه نفر شاگرد کیفیت نماز خوف را بپرسد. ـ معلم محترم با استفاده از آیات متعدد در قرآن کریم و آیات مبارکه درس در بارهٔ رکن دوم بنیادی اسلام بعد از ایمان که نظام نماز است و بر فرضیت آن و جایگاه آن در شریعت اسلامی، شرایط، فرایض، سنن، واجبات و آنچه در نماز انجام دادن آن حرام، مکروه و سبب فساد نماز می گردد در محور موضوع با ارتباط به مسائل فقهی به شاگردان به صورت مفصل بحث و مناقشه کند. **خلاصهٔ درس** ▪ آیات مبارکه مشروعیت نماز قصر در سفر را ثابت نموده است خواه سفر در حالت خوف و اضطرار باشد و یا مسافرت در حالت امنیت. ▪ قصر در کمیت و عدد رکعات است یعنی نماز فرض چهار رکعتی دو رکعت خوانده می‌شود. ▪ منظور از سفر، سفر عبادت چون جهاد، حج، عمره، مقاصد نیک، نگهداری صلهٔ رحمی و سفر مباح چون تجارت است در آن قصر جواز دارد اما در سفرهای معصیت چون دزدی، بغاوت و غیره به نزد جمهور علما قصر نماز جواز ندارد.

۵ دقیقه	▪ مدت اقامت نزد احناف پانزده روز بوده و در کمتر از پانزده روز قصر نماز را واجب نمیگرداند. ▪ مؤمنان در هیچ حالت و شرایطی از ادای فریضه نماز تساهل و تغافل نکنند و در حالت اقامت و سفر و امنیت و خطر باید ادا گردد. ▪ مؤمنان نباید در برابر دشمنان شان سستی و ضعف نشان بدهند.
۱۰ دقیقه	**ارزیابی** معلم محترم جهت اطمینان از یادگیری شاگردان به اجزاء و ارکان محتوای درس مطابق کتاب تفسیر شریف در زمینه سؤال‌ها را مطرح می‌کند و دانش، مهارت و گرایش شاگردان را ارزیابی می‌کند. **کارخانه‌گی** معلم محترم مطابق کتاب درسی به شاگردان کار خانه‌گی توصیه نماید.

درس دهم

عنوان: جهاد عمده ترین راه پیروزی و اصلاح جامعه است

صفحه: ۴۵- ۴۸

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- در پرتو آیات مبارکه(۳۹- ۴۱) سورۀ حج به مقام ارزش جهاد فی سبیل الله پی ببرند.
- مشروعیت جهاد و حکمت‌های اصلاحی، اعتقادی و اخلاقی امر به معروف و نهی از منکر را در زندگی از جمله وظایف مهم خود تلقی نمایند.

دانش لازمی

نخستین دستور جهاد با کفار:

مظالم کفار مکه بر مسلمانان به حدی رسیده بود که روزی نمی‌گذشت که مسلمانی از دست ستم آنها مجروح نشده باشد، در آخر مسلمانان از ظلم و ستم کفار به محضر آن حضرتﷺ شکایت کرده از او اجازه خواستند تا در مقابل کفار آمادۀ قتال باشند، رسول اللهﷺ در پاسخ می‌فرمود صبر کنید، تا اکنون دستور جهاد به من داده نشده است و این سلسله حدود ده سال بدین شکل ادامه یافت.

ترمذی، نسائی، ابن ماجه، حاکم و غیره از حضرت ابن عباسؓ نقل کرده اند که ابن عباسؓ فرموده است: این قول خداوند جل جلاله: ﴿وَلَوْلاَ دَفْعُ اللهِ النَّاسَ﴾ [سورۀ حج/ ۳۹ - ۴۱] نخستین آیۀ است که در بارۀ قتال با کفار، نازل شده است، در صورتیکه پیش از این در هفتاد آیت از قتال منع شده بود.

در این آیت حکمت قتال و جهاد بیان گردیده که به انبیای گذشته و امم آنها هم دستور قتال با کفار داده شده بود.

صوامع: جمع صومعه است که عبادتگاه مخصوص راهبان تارک الدنیای نصارا است.

بیع: جمع بیعه است که نام عموم کلیساهای نصارا است.

صلوات: جمع صلاة که نام عبادتگاه یهود است.

مساجد: جمع مسجد، نام عبادتگاه مسلمانان است.

نکتۀ قابل ذکر اینست که اگر به قتل با کفار اجازه داده نمی‌شد، پس در هیچ زمانی برای هیچ مذهب و ملتی جای ایمنی باقی نمی‌ماند و در زمان موسی علیه السلام صلوات و در زمان عیسی علیه السلام صوامع و بِیَع و در زمان خاتم الأنبیاءﷺ مساجد منهدم گردانیده می‌شدند[1].

معانی کلمات

أُذِنَ: اجازه داده شد.

يُقَاتَلُونَ: کسانیکه با آنان جنگ می‌شود.

عَاقِبَةُ الْأُمُورِ: بازگشت و فرجام کارها.

روش تدریس: توضیحی، پرسش و پاسخ، مطالعۀ خاموشانه، کار گروپی.

مواد ممد درسی: کتاب تفسیر شریف، منابع و آلبوم‌های جهادی، سیدی‌ها و ویدیوهای رزمی در صورت امکان.

---

[1]: معارف القرآن، جلد اول.

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	ـ معلم محترم بعد از تقدیم سلام و موضوعات مقدماتی مقالات شاگردان در بارۀ اهمیت نماز و فوائد آن را مشاهده و مقاله‌یی که از نگاه علمی و ادبی ممتاز باشد آنرا به تختۀ نشراتی مکتب جهت آگهی همگانی انتخاب و به اداره بسپارد و درس گذشته را ارزیابی نماید.
۲۵ دقیقه	ـ معلم محترم عنوان درس جدید را به تختۀ صنف بنویسد و سپس آیات مبارکه(۳۹– ۴۱) سورۀ حج را توسط سه نفر شاگرد به نوبت تلاوت کند و اشتباهات لفظی و تجویدی شانرا صمیمانه اصلاح کند. ـ معلم محترم از یکنفر شاگرد بطلبد تا کلمات قرآنی درس را به تخته و یا چارت بنویسد و سپس به ارتباط موضوع درس که (جهاد عمده ترین راه پیروزی و اصلاح جامعه است) با استفاده از ترجمه و تفسیر آیات مبارکه به شاگردان توضیحات لازم ارایه نماید. ـ معلم محترم راجع به حکم و مشروعیت جهاد و اسباب نزول آیات مبارکه و حکمت و فلسفۀ جهاد به خاطر اقامۀ نظام عدل الهی ﷻ در زمین و طرد و دفع ظلم و بی عدالتی و از بین بردن مظاهر شرک و کفر و غلبۀ ملحدان و کفار و اینکه جهاد از افضلترین عبادات و نقطۀ شامخ و قُلۀ حصار اسلام و انجام شعائر الله تعالی و وسیلۀ اصلاح جامعه از شرك و مفاسد اخلاقی و اجتماعی می‌باشد با مثال‌های زنده و آلبوم‌ها و پوسترها به تفصیل با شاگردان بحث دو جانبه نماید و به میتود پرسش و پاسخ نکات مهم درس را به بررسی و ارزیابی بگیرد. ـ معلم محترم شاگردان را وظیفه بدهد تا متن عناوین جانبی صفحه(۴۶ و ۴۷) را خاموشانه مطالعه نموده و در صورت بروز کدام مشکل آنرا یادداشت و در پایان فعالیت با معلم مطرح سازند. ـ معلم محترم شاگردان را در گروپ‌های دو نفری تنظیم و هدایت بدهد تا پیامدهای مهم ارشادی آیات مبارکه درس را با هم یادداشت نموده و به نمایندگی از همه یکنفر شاگرد فوائد و آموختنی‌های کسب شده از درس را به طور خلص بیان کند.
۵ دقیقه	**خلاصۀ درس** • آیات مبارکه اولین آیاتی اند که مشروعیت جهاد را اعلان میدارد. • جهاد به منظور اعلاء کلمة الله و دفاع از خود، مال و وطن اسلامی فرض گردیده است. • جهاد و مقابله در برابر ظالمان و تجاوزگران و جهت دفاع از حدود و ثغور اسلامی و حفظ عزت و آبروی مسلمانان یك وجیبۀ الهی است که نظام و مصلحت جهان نیز تقاضای آن را دارد. • اگر مسلمانان جهت قلع و قمع شرك، فتنه و فساد و تهاجم کفار به جهاد متوسل نگردند شرك و کفر روی زمین را فرا گرفته و حکم طاغوت در زمین گسترش می‌یابد. • در آیت مبارکه جهاد برای دفاع از حقوق همۀ انسانها و همه ادیان و دفع و طرد ظلم و فساد ذکر گردیده است. • آیات کریمه مهمترین مبانی و اساسات اصلاح و نیرومندی جامعۀ اسلامی را بیان نموده که مؤمنان راستین آنانی اند که الله تعالی را عبادت میکنند و زمانی که مورد ظلم و تجاوز قرار گیرند با قیام و جهاد پیوسته از مال، ناموس، وقار و مقدسات خویش دفاع مینمایند.
۱۰دقیقه	**ارزیابی:** معلم محترم جهت مطمئن شدن از دانشها، مهارتها و ارزشهای درس با طرح سؤال‌ها مطابق کتاب درسی، شاگردان را ارزیابی کند. **کارخانه‌گی:** معلم محترم با استفاده از کتاب درسی به شاگردان وظیفۀ خانه‌گی توصیه نماید.

درس یازدهم

عنوان: روزه و فواید آن

صفحه: ۴۹ – ۵۶

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- فرق میان روزه در دین مبین اسلام و امتهای قبلی را بدانند.
- برخی از دلایل فضل و رحمت خداوندﷻ برای مؤمنان در روزۀ ماه مبارک رمضان را بیاموزند.
- در بارۀ جایگاه و فرضیت روزۀ ماه مبارک رمضان در روشنایی درس توضیح داده بتوانند.

دانش لازمی

معنی لغوی صوم امساک یعنی خودداری و کناره‌گیری است و در اصطلاح شرع صوم عبارت از خودداری و کناره‌گیری از خوردن، نوشیدن و مباشرت با زن از طلوع صبح صادق تا غروب آفتاب به طور دایم و مسلسل می‌باشد که درین مدت نیت روزه را نیز داشته باشد و اگر کسی به همین ترتیب در تمام روز از این چیزها با احتیاط کامل پرهیز کرد اما نیت روزه را نکرده باشد پس این خودداری، روزه محسوب نمی‌شود و این روزه صحیح نیست.

حکم فرضیت روزه با یک مثال خاصی به مسلمانان اعلام گردید که این فرضیت مختص و منحصر به شما نیست بلکه برای امتهای گذشته هم بوده است، از این عبارت هم اهمیت فوق العادۀ روزه معلوم می‌شود و هم برای دلجویی مسلمانان خاطر نشان می‌نماید که اگر چه روزه گرفتن کاری بس مشکل است اما این مشکل را مردم گذشته پیش از شما تحمل کرده اند و این طبیعی است که هر گاه همه مردم گرفتار مشکلی واحد باشند آن مشکل آسان به نظر می‌رسد. البته ناگفته نباید گذاشت روزۀ مسلمانان با امتهای گذشته از نظر احوال و صفات از جمله تعداد روزها، زمان و اوقات آن فرق دارد.

﴿لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ به این مطلب اشاره دارد که روزه در تحصیل تقوا تأثیر عمیقی دارد زیرا به سبب آن هواهای نفسانی تحت کنترول در می‌آیند و اساس تقوا همین کنترول نمودن خواهشهای نفسانی است.

﴿فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا﴾ مراد از مریض آن مریض است که به سبب گرفتن روزه دچار مشقت غیر قابل تحمل می‌شود یا بیماری او به احتمال قوی شدت پیدا می‌کند و در آیت بعدی ﴿وَلاَ يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ اشاره به همین موضوع دارد.

﴿أَوْ عَلَى سَفَرٍ﴾ در اینجا به جای سفر لفظ ﴿عَلَى سَفَرٍ﴾ اختیار فرموده یعنی مسافر در راه سفر طولانی قرار گیرد (در جریان سفر باشد). اما تعیین نمودن اینکه حدود مسافت چقدر باشد در الفاظ قرآن بیان نشده است ولی با توجه به بیان آنحضرتﷺ و تعامل صحابه، امام ابو حنیفه رحمه الله و بسیاری از فقهاء مسافت آن را سه منزل یعنی آن مسافتی که پیاده بتواند آنرا تا سه روز به آسانی بپیماید، مقرر کرده اند و فقهای بعدی بر مقیاس میل آنرا چهل میل دانسته اند.

﴿فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ در اینجا آوردن جملۀ (فعلیه القضاء) کافی بود اما بجای آن﴿فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ بکار رفته و به این موضوع اشاره شده که قضای روزۀ فوت شده بر مریض و مسافر در صورتی واجب می‌شود که مریض بعد از تندرستی و مسافر بعد از اقامت به اندازۀ همان روزهای فوت شده فرصت بیابد تا بتواند آن روزها را قضا بیاورد پس اگر کسی قبل

از صحت و اقامت به اندازهٔ روزهای فوت شده بمیرد قضای روزه یا وصیت برای پرداخت فدیه آن بر او واجب نمی‌باشد.

﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ﴾ معنای ساده آیه همان است که کسانی مانند مریض یا مسافر که از روزه گرفتن معذور نیستند بلکه می توانند روزه بگیرند؛ اما بنا به دلایلی نمی‌خواهند روزه بگیرند پس آنان نیز این اختیار را دارند که بجای روزه گرفتن فدیه روزه را به صورت صدقه ادا کنند.

البته با این الفاظ نیز به آنان خطاب فرمود: ﴿وَأَن تَصُومُواْ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾ یعنی با وجود این باز هم برای شما بهتر است که روزه بگیرید.

این حکم در بدو اسلام و در زمانی بود که هدف عادت دادن مردم به گرفتن روزه بود ولی با نزول آیه ۱۸۵﴿فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾ در حق عموم مردم منسوخ شد و فقط در حق افراد بسیار سالخورده و ناتوان هنوز باقی است.

و همچنین در حق بیماری که امید به صحت آن نباشد طبق قول تمام صحابه و تابعین نیز باقی و نافذ می‌باشد.

مقدار فدیه: فدیهٔ یک روز روزهٔ ماه رمضان نصف صاع گندم یا قیمت آن است و در مقیاس با سیر تقریباً یک بر چهارم حصهٔ سیر می‌باشد که با محاسبه قیمت آن با نرخ رایج در بازار آن را به فقیر یا مسکین به طور تملیک بدهد و اگر این فدیه را به خادم مسجد و یا مدرس مدرسهٔ دینی می‌دهد به شرطی جایز است که قصد پاداش خدمت او نباشد.

مهمترین فضیلت آنست که قرآن در همین ماه «رمضان» نازل شده است طوری که از آنحضرتﷺ نقل شده که صحیفه‌های حضرت ابراهیم علیه السلام در روز اول و تورات در روز ششم و انجیل در سیزدهم و قرآن در بیست و چهارم رمضان نازل شده است و در روایت دیگر آمده است که زبور در دوازدهم و انجیل در هژدهم رمضان نازل شده است.

البته باید دانست که قرآن در رمضان و در شب قدر از لوح محفوظ به آسمان دنیا نازل گردید و از آن جایگاه به تدریج ظرف بیست و سه سال بر آنحضرتﷺ نازل شد[1].

روش تدریس: گروپی، مباحثه، توضیح و تشریح.

مواد ممد درسی:

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
	ـ معلم محترم بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را ارزیابی می کنند البته با طرح چنین سؤال: ـ کی می‌تواند بگوید که جهاد بر مسلمانان چرا فرض گردید. ـ معلم محترم آیات متبرکهٔ سورهٔ بقره را که در این درس آمده است بالای شاگردان تلاوت می‌نماید و اشتباهات تجویدی شان را اصلاح می‌نماید. ـ معلم محترم شاگردان را وظیفه می‌دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند. ـ سپس در مورد ترجمه و تفسیر(فرضیت روزه) توضیح و تشریح مختصر می‌دهد. ـ معلم محترم شاگردان را وظیفه می‌دهد تا در مورد عنوان جانبی«آسانی احکام دین اسلام» با هم مباحثه

[1]: معارف القرآن، جلد اول.

نمایند.
سپس از چند شاگرد میخواهد تا پیش روی صنف آمده نتیجهٔ بحث شانرا بیان نمایند؛ همچنان به سؤالات همصنفیان جواب بدهند.
ـ از شاگردان میخواهد تا در مورد عنوان جانبی«منزلت روزه داران در نزد خداوندﷻ» تشریح بدهند و اگر در جریان تشریح به مشکل برخوردند معلم آنها را کمک می‌کند، و در اخیر توضیحات لازم را مختصراً ارایه دارد.
ـ شاگردان را به گروپ‌های مناسب تقسیم نموده و به آنها عنوان جانبی«روزه و قبول دعا» را تقسیم می‌نماید تا آنها بین خود کار نمایند، سپس نمایندهٔ هر گروپ را پیش روی صنف خواسته تا نتیجهٔ کارشان را بازگو کنند، تشویق و همکاری صورت گیرد.

خلاصهٔ درس

- خداوندﷻ ماه رمضان را بهترین ماه‌ها گردانید و قرآن کریم را در این ماه نازل نمود.
- این فریضه تنها برای امت اسلام(امت محمدﷺ) فرض نبوده بلکه برای امت‌های پیشین نیز فرض گردیده بود، پس هر حکمی که عمومیت داشته باشد اجرای آن نیز آسان خواهد بود.
- مشقت و تکلیف گرفتن روزه را از سر مسافران و مریضان برطرف ساخته، ادای آن را برای روزهای راحت و آسودگی شان مبدل گردانید.

ارزیابی

- کی می‌تواند بگوید که دعا چه وقت قبول می‌شود؟
- کی می‌تواند بگوید که فرق میان روزه در دین مبین اسلام و امتهای قبلی چه بود؟
- در مورد جایگاه و فرضیت روزهٔ ماه مبارک رمضان کی می‌تواند اظهار نظر نماید؟

کارخانه‌گی

با استفاده از کارخانگی داده شده در کتاب برای شاگردان کارخانگی می‌دهد.

درس دوازدهم
عنوان: حج یا کنگرۀ جهانی مؤمنان
صفحه: ۵۷

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- بدانند کعبه و بیت الله الحرام باید پاکیزه نگهداشته شود.
- این موضوع را بفهمند که: کعبه برای طواف کننده گان و نماز گزاران آماده گردیده است.
- بیاموزند که: کعبۀ شریف در صورتی که دچار شکستگی و خرابی گردد باید تعمیر شود.

دانش لازمی
حج کنگرۀ جهانی مؤمنان

آیاتی که در ابتدای درس دوازدهم آمده مربوط سورۀ حج می‌باشد.

آغاز بنای بیت الله: در روایات آمده است که ابراهیم علیه السلام از سرزمین شام بدانجا (مکه مکرمه) هجرت نموده بود و در (مکان البیت) اشاره به این است که بیت الله پیش از حضرت ابراهیم علیه السلام وجود داشته است، چنانکه در روایات معتبر وارد شده است که بنای قبلی او پیش از فرود آمدن آدم به زمین یا همراه با او بوده است و آدم علیه السلام و انبیای بعد از او بیت الله را طواف می‌کردند و در زمان توفان نوح علیه السلام ساختمان آن برچیده شد، اما اساس و جای معین آن موجود بود که حضرت ابراهیم علیه السلام در آنجا مسکن گزین شد.

بعد از آمدن ابراهیم علیه السلام به مکه به او دستور رسید که ﴿أَن لَّا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا﴾[الحج: ۲۶- ۳۰] یعنی در عبادت من کسی را شریک نساز، ظاهر است که از حضرت ابراهیم احتمال شرک نمی‌رفت زیرا وقایع بت شکنی و مقابله با بت پرستان و سخت ترین آزمایش در این باره از او قبلاً بیان شده بود؛ لذا مراد آن عام است به همه مردم که از شرک پرهیز کنند.

در ادای حج منافع دینی بی شماری وجود دارند و منافع دنیوی بسیاری هم مشاهده می‌گردد، حد اقل این امر خود قابل تعجب و حیرت است که در سفر حج مبالغ هنگفت و زیادی مصرف می‌گردد، اما در تاریخ جهان هیچ واقعه را سراغ نداریم که کسی به سبب مخارج حج و عمره فقیر و محتاج شده باشد، اما در هزینه کارهای دیگر مانند مراسم عروسی، تعمیر منازل که هزاران تن از مردم فقیر و محتاج شده اند بر عکس این ویژگی حج است که فقر و افلاس را برطرف می‌کند.

نکته: خدا جز در مسجد الحرام هیچ کس را به مجرد قصد گناه و نافرمانی، مؤاخذه و محاسبه نمی‌کند؛ چون مسجد الحرام مکانی است مقدس که باید انسان در آن با قلب آگنده از خلوص و پاکی و پرهیزگاری حضور داشته باشد و نهادش از هر لکه و میل به گناهی پاک باشد، پس هر کس حرمت ملکش را نقض کند مستحق عذاب دردناک دوزخ است[1].

---

[1]: معارف القرآن و صفوة التفاسیر.

روش تدریس:

مواد ممد درسی:

جریان درس

فعالیت‌ها	وقت
ـ معلم محترم بعد از مسائل مقدماتی درس گذشته را ارزیابی می کند. ـ آیات متبرکه سورۀ حج را که در این درس ذکر گردیده بالای شاگردان تلاوت نموده و اشتباهات شانرا در تجوید و تلفظ حروف اصلاح می‌نماید. ـ معلم محترم شاگردان را هدایت می‌دهد تا متن درس را خاموشانه مطالعه نمایند. ـ سپس شاگردان ضعیف را پیش روی تخته خواسته کلمات مشکل آیات متبرکه را که در درس (قبل از ترجمه) موجود است بروی تخته بنویسند و از چند شاگرد ضعیف دیگر میخواهد تا حرکات و معانی آن کلمات را بنویسند. ـ معلم مختصراً به توضیح ترجمۀ آیات شریف میپردازد. ـ سپس شاگردان را وظیفه می‌دهد تا در مورد تفسیر و عنوان جانبی«اساس و مقصد بنای کعبه» با هم مباحثه نموده و تبادل نظر نمایند. ـ بعداً به نماینده‌گی از شاگردان چند شاگرد را پیش روی صنف خواسته و از آنها میخواهد تا نتایج بحث شان را به نوبت بیان نمایند، همکاری و تشویق صورت می گیرد. ـ سپس معلم خودش توضیحات لازمه را در مورد عنوان جانبی«حج موسم خیر و برکت» داده اگر شاگردان سؤالاتی در این بخش درس داشتند با حوصله مندی کامل جواب شاگردان را می‌دهد. **خلاصۀ درس** • وجوب تعمیر کعبه در صورتیکه دچار شکستگی و خرابی گردد. • کعبۀ شریف باید پاکیزه نگهداری شود، و برای طواف کننده گان و نمازگزاران آماده گردد، و از هر گونه شرک و گناه و جنگ و جدال در امان باشد. • در سفر حج و موسم حج تجارت جواز دارد. • وجوب شکر و ذکر خداوندﷻ در حج. • مسلمانان با ادای فریضۀ حج منافع بزرگ و متعدد دینی و دنیوی را کمایی می کنند. **ارزیابی** کی می‌تواند در مورد کلمات: «بَوَّأْنَا، وَأَذِّن، رِجَالًا، ضَامِرٍ، فَجٍّ عَمِيق، ثُمَّ لْيَقْضُوا» توضیحات بدهد؟ ▪ کعبۀ مشرفه را چه کسی بنا نمود؟ ▪ کی می‌تواند برخی فواید و منافع دینی و دنیایی حج را شرح کند؟ ▪ ارکان حج را کدام یک از شماها نام گرفته می‌تواند؟ **کارخانه‌گی** با استفاده از کتاب درسی شاگردان را کارخانه‌گی می‌دهد.	

درس سیزدهم

عنوان: نیکی و احسان به دیگران

صفحه: ۶۲

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- بیاموزند که عبادت تنها و تنها حق الله جل جلاله است و نباید کسی یا چیزی را با خدا در عبادتش شریک ساخت.
- بدانند که: نیکی و احسان به والدین در آیات مبترکۀ قرآن که در این درس ذکر است بعد از توحید و عبادت خدا جل جلاله ذکر شده که دلالت به اهمیت زیاد احترام و احسان به پدر و مادر می‌نماید.
- بفهمند که: خداوند جل جلاله ریا و ریاکاران، فخر فروشی ناشی از غرور و تکبر را مذمت نموده و آنرا عمل زشت می‌داند.

دانش لازمی

آیاتی که درین درس آمده وحدانیت خدا، حقوق والدین، خویشاوندان، همسایگان و عموم مردم را بیان نموده است، این حقوق را کسی می‌تواند ادا کند که به خدا و رسول و قیامت به درستی معتقد باشد و از بخل، کبر و ریا اجتناب ورزد.

باید دانست که پیش از تفصیل حقوق، توحید و عبادت خدای تعالی ذکر گردیده: ﴿وَاعْبُدُواْ اللّهَ وَلاَ تُشْرِكُواْ بِهِ شَيْئًا﴾ [النساء: ۳۶-۳۹] یعنی بنده‌گی خدا را به جا بیاورید و با او چیزی را در عبادت شریک نسازید، در ذکر کردن مبحث توحید و عبادت، پیش از بیان حقوق، حکمتهای زیادی وجود دارد که از آن جمله یکی این است که کسی خوف و ترس از خدا نداشته باشد و احترام و اهتمام به حقوق خدا نکند از او برای رعایت حقوق دیگران چه توقع می‌رود؟ لذا مناسب است که قبل از حقوق والدین، خویشاوندان و سایرین، از اهمیت توحید و ارزش عبادت یادآوری شود.

قابل ذکر است بعد از عبادت و توحید خدا جل جلاله کلمۀ «احسان» به والدین آمده است یعنی بعد از الله جل جلاله بیشتر احسان‌ها و نیکی‌ها بر انسان از جانب والدین می‌باشد.

حضرت معاذ بن جبل رضی الله عنه می‌فرماید که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به من ده وصیت کرده که از آنجمله این است:

۱. با خدا کسی را شریک نگردان اگر چه کشته یا در آتش سوخته شوی.

۲. نافرمانی والدین و دل آزاری آنان را نکن اگر چه به تو دستور بدهند که اهل و مال را رها کنی[۱].

در حدیث بخاری و مسلم آمده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: هر کسی که بخواهد در رزق و عمر او برکت آید باید صلۀ رحم به جای آورد؛ یعنی حقوق خویشاوندان را ادا نماید.

حضرت سلمان بن عامر رضی الله عنه می‌فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: صدقه بر عموم فقرا و مساکین تنها ثواب صدقه را می‌رساند؛ اما اگر به ذی رحم و خویشاوندان داده شود در آن دو ثواب است یکی ثواب صدقه، دوم ثواب صلۀ رحمی؛ یعنی ادای حقوق خویشاوندان[۲].

۱- مسند احمد

۲- مسند احمد و ترمذی و نسائی

در آیت شریف بعد از اقارب، حقوق یتیم و فقیر بیان گردیده که امداد فرزندان بی سرپرست و بی وارث را هم دربر می‌گیرد.

سپس حقوق همسایه ذکر گردیده که مفسرین «جَارِ ذِي الْقُرْبَى» را همسایه نزدیک و متصل به خانه و «الْجَارِ الْجُنُبِ » و همسایهٔ که در فاصلهٔ دورتر از خانه سکونت دارد، دانسته اند.

به تعقیب آن حقوق دوست و رفیق بیان گردیده است ﴿وَالصَّاحِبِ بِالجَنبِ﴾ یعنی (رفیق هم پهلو) که در اینجا رفیق سفر هم داخل است که در قطار، هواپیما، سرویس همراه تو بنشیند همچنان در مجلس یا سفر همراه شخص باشد خواه مسلمان باشد خواه غیر مسلمان همچنان خویش و بیگانه با هم برابر اند.

کمترین خدمت آنست که شخص بکوشد تا از گفتار و کردارش هیچ آزاری به آنان نرسد و آداب همنشینی را کاملاً رعایت کند.

بعضی از مفسرین شریک کسب و کار و همکاران وظیفه را نیز در﴿وَالصَّاحِبِ بِالجَنبِ﴾ داخل دانسته اند.

سپس حقوق مسافر بیان گردیده است ﴿وَابْنِ السَّبِيلِ﴾ یعنی مسافر مراد شخص مسافر است که پیش کس بیاید یا مهمان شود به ویژه کسی که بیگانه و نا آشنا باشد باید مطابق دستورات قرآنی حقوق لازم او را به جا آورده و مطابق توانایی با حسن سلوک با وی رفتار نماید.

بعداً حقوق غلام و کنیز ذکر گردیده است ﴿وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ﴾ اگر چه مدلول صریح آیه غلام و کنیزان مملوک اند اما بنا بر اشتراک علت و فرمان نبوی ﷺ این احکام حاوی خادمان و مستخدمان هم هستند که آنان هم حق دارند که در پرداخت ماهیانه، مقرری و خوراک و غیره قصور و درنگ نکنند و بالاتر از قدرت شان کار نگیرند.

در آخر آیت خداوند ﷻ می فرماید ﴿إِنَّ اللهَ لاَ يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالاً فَخُورًا﴾ یعنی الله ﷻ چنان شخصی را که مکتبر و خودستا باشد دوست نمی‌دارد، این جملهٔ آخر آیت تکمیل کنندهٔ تمام فرمایش‌های گذشته است که به حقوق شان تاکید گردیده بود.

در وعید تکبر و تفاخر حدیثی از حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که آنحضرت ﷺ فرمود آن کس در جهنم (برای همیشه) نمی‌رود که در دل او به قدر دانهٔ اسپند ایمان باشد و در جنت چنین کسی نمی‌تواند برود که در دل به قدر دانهٔ اسپند کبر داشته باشد[1].

روش تدریس: مطالعهٔ خاموشانه، تشریحی و مباحثوی.

مواد ممد درسی:

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
	ـ معلم محترم بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را ارزیابی می کند. ـ آیات متبرکهٔ سورهٔ النساء را که در این درس ذکر است بالای شاگردان قرائت نموده و اشتباهات شانرا از نگاه تجوید و تلفظ حروف اصلاح می کند. ـ سپس به شاگردان هدایت می‌دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند، حین مطالعهٔ خاموشانه به شاگردان

[1]: معارف القرآن، جلد سوم.

وقت مناسب و کافی می‌دهد.
ـ از شاگردان میخواهد تا داوطلبانه آنچه که از مطالعهٔ خاموشانه در ترجمه و تفسیر برداشت نموده اند به زبان ساده مختصراً بیان نمایند، همکاری و تشویق صورت می گیرد.
ـ شاگردان با رهنمایی معلم در بارهٔ انواع همسایگان و حقوق هر یک آنها از دیدگاه اسلام بحث نموده و پیش روی صنف تشریح کنند.
ـ معلم شاگردان را هدایت می‌دهد تا با وی در مورد عنوان جانبی«زشتی بخل و تکبر» مباحثه و تبادل نظر نمایند و اگر شاگردان سؤالاتی راجع به این موضوع پرسیدند معلم محترم با حوصله مندی جواب می‌دهد.

خلاصهٔ درس

- عبادت تنها و تنها حق الله جل جلاله است و نباید کسی یا چیزی را با خداوند جل جلاله در عبادت شریک ساخت.
- احسان و نیکی به والدین در این آیت و آیات دیگر قرآن پس از توحید و عبادت خداوند جل جلاله ذکر شده که دلالت به اهمیت زیاد و احترام و احسان به پدر و مادر می‌نماید.
- نیکی به دیگران وجیبه و مکلفیت شرعی هر مسلمان است.
- خداوند جل جلاله فخر فروشی و تکبر، ریاکاری و همنشینی با بدان را مذمت نموده و زشت می‌انگارد.

ارزیابی

- کی می‌تواند بگوید که مراد از ریاکاران که در آیات فوق ذکر گردیده چه کسانی اند؟
- آیت اول این درس مسلمانان را به ادای ده حق امر نموده است این ده حق کدامها اند؟
- در آیات فوق، شیطان، همنشین کدام مردمان معرفی گردیده است؟

کارخانه گی

معلم کارخانه گی داده شده در کتاب را به شاگردان کارخانگی می‌دهد.

درس چهاردهم

عنوان: استفاده از رزق حلال و اجتناب از حرام

صفحه: ۶۵

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- بدانند که خون حرام چگونه خون است؟
- رزق حلال را بشناسند.
- فرق بین حلال و حرام را کرده بتوانند.
- بفهمند که دو خون و دو خود مرده در اسلام حلال است.

دانش لازمی

در آیات مذکور طوری که از طعام حرام ممانعت شده به خوردن چیزهای حلال و شکر گزاری بر آنها ترغیب شده است؛ زیرا همانگونه که بر اثر خوردن غدای حرام در وجود انسان اخلاق رذیله به وجود می‌آید که به دنبال آن لذت عبادت از بین می‌رود و دعا مستجاب نمی‌گردد، همچنین از خوردن طعام حلال نور ایمان در شخص پدید می‌آید و به موجب آن از اخلاق نکوهیده احساس نفرت می‌کند و به کسب اخلاق حسنه علاقه مند می‌شود و به هنگام عبادت احساس آرامش می‌کند و قلبش از ارتکاب گناه به لرزه در می‌آید و دعاهایش به دربار خداوندﷻ پذیرفته می‌شود، به همین سبب است که خداوندﷻ در سورهٔ مؤمنون به همه پیامبران علیهم السلام توصیه فرموده است ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾ [الانبیاء: ۱۷۲ – ۱۷۶] ترجمه: ای پیامبران از چیزهای پاکیزه بخورید و اعمال شایسته انجام دهید.

پس معلوم شد که استفاده از روزی حلال بسیار اثر ارزنده و مهم در انجام افعال نیکو دارد و به پذیرش دعا کمک می‌کند ولی خوردن از راههای حرام مانع اجابت دعا خواهد شد.

نبی اکرمﷺ می‌فرماید «اشخاص زیادی هستند که هنگام سفر در حالت پریشانی دست دعا بلند می‌سازند و یا رب، یا رب می‌گویند در حالیکه تمام خوراک و پوشاک و نوشیدنی آنان از راههای نا مشروع و حرام به دست آمده، پس آیا با چنین وضع دعای شان پذیرفته می‌شود؟

در آیات درس چهاردهم چهار چیز حرام گردیده که عبارت اند از:

۱. **میتة** (خود مرده): مراد حیوانی است که بدون ذبح خود به خود بمیرد یا خفه شود و یا هم به طریق دیگری زده و کشته شود (**میتة**) نامیده می‌شود و حرام است به استثناء حیوانات دریایی که در آیت «۹۶» سورهٔ مائده ذکر گردیده، همچنان بنا بر احادیث صحیح ماهی و ملخ از (**میتة**) مستثنی شده حلال به شمار آمده اند.

۲. خون: چیز دیگری که در این آیه حرام قرار داده شده خون است اگر چه لفظ دم در آیه به معنای خون است اما در آیهٔ ۱۴۵ سورهٔ انعام ﴿أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا﴾ آمده که به معنای خون جاری و روان می‌باشد.

۳. خنزیر: چیز سومی که در این آیه حرام گردانیده شده گوشت خنزیر (خوک) است، در این آیه در رابطه با حرمت خنزیر قید لحم ذکر شده است، امام قرطبی فرموده است که هدف از آن تخصیص لحم یعنی فقط گوشت نیست؛ زیرا تمام اجزای آن: استخوان، پوست، موی، رگ و پی همه به اتفاق امت اسلامی حرام اند؛ اما

اضافه کردن لفظ لحم اشاره دارد به این که خوک مانند حیوانات دیگر نیست که به وسیله ذبح پاک گردد و بدون ذبح خوردنش حرام باشد؛ بلکه گوشت آن با ذبح هم پاک نمی‌شود زیرا که خنزیر نجس العین است فقط استفاده از موی آن برای دوختن پوست در احادیث مجاز قرار گرفته است که تمام فقهای امت هم بر این اتفاق نظر دارند.

۴. ﴿وَمَآ أُهِلَّ لِغَيْرِ اللهِ بِهِ﴾ حیوانی که هنگام ذبح بر آن نام غیر خدا خوانده شود.

چهارمین چیزی که در این آیه حرام قرار داده شده، آن حیوانی است که برای غیر الله نامزد گردد و برای تقرب غیر الله ذبح شود و به هنگام ذبح اسم همان غیر الله برده شود که به اتفاق و اجماع امت حرام و آن حیوان مردار است و استفاده از هیچ جزء آن جایز نیست[۱].

روش تدریس: مطالعۀ خاموشانه، توضیح و تشریح، سؤال و جواب.

مواد ممد درسی:

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	ـ معلم محترم بعد از موضوعات مقدماتی ارزیابی درس گذشته می‌پردازد. ـ آیات شریف سورۀ بقره را که در این درس آمده است بالای شاگردان تلاوت می‌نماید و اشتباهاتی که در تجوید داشتند آنرا اصلاح می‌نماید. ـ به شاگردان وظیفه می‌دهد تا درس را خاموشانه مطالعه نمایند. ـ بعد از آن از شاگردان میخواهد تا داوطلبانه آنچه را که از ترجمه آیات شریف آموخته اند بیان نمایند همکاری و تشویق صورت می‌گیرد. ـ سه شاگرد ضعیف را وظیفه می‌دهد تا به نوبت پیش روی تخته آمده یکی از آنها کلمات مشکل را که از آیات بیرون آورده شده بنویسند، بعد از آن از شاگرد دوم میخواهد تا همان کلمات را حرکات بدهد.و بالاخره از شاگرد سومی میخواهد تا معنای همان کلمات را در مقابل آنها بنویسد. ـ شاگردان را هدایت می‌دهد تا در مورد«تفسیر» آیات این درس با هم مباحثه نمایند، بعد دادن وقت کافی به مباحثه؛ چند شاگرد را به نمایندگی از شاگردان پیش روی صنف خواسته و نتیجۀ بحث شان را بیان کنند. همچنان معلم خودش بعد از کمک و همکاری با شاگردان توضیحات لازم را می‌دهد. **خلاصه** • خداوندﷻ نعمتهای خود را بر بنده گانش ارزانی فرموده تا از آن به حیث روزی حلال و پاکیزه استفاده نمایند و شکر و ثنای پروردگار خویش را بجا آورند. • (**الميتة**) و یا خود مرده عبارت از حیوانی است که بدون ذبح و یا خود به خود مرده باشد؛ البته مردۀ حیوان خفه شده، کوبیده شده افتیده از بلندی و غیره نیز در جملۀ حیوان خود مرده شامل می‌باشد. • دو خود مرده و دو خون برای ما حلال است و آن عبارت از ماهی و ملخ، جگر و تلی حیوانات

[۱]: معارف القرآن، جلد دوم.

ذبح شده حلال.

- خون حرام عبارت از خون جاری حیوان زنده است و یا خونی که در اثر ذبح حیوان خارج شود؛ اما خون مخلوط با گوشت، حرام نیست و خوردن آن باکی ندارد.
- در وقت ضرورت و خطر مرگ استفاده از چیزهای حرام جواز دارد.
- استفاده از گوشت خوک، روغن، پوست و همه اجزای خنزیر حرام است.

ارزیابی

- چیزهایی که در آیهٔ مبارکه حرام گفته شده کدام‌ها اند؟
- کدام حیوانات خود مرده از حکم(**المیتة**) استثناء و حلال است با حدیث نبوی استدلال نمایید.
- مسلمان از کدام حالت و تحت کدام شرایط می‌تواند از چیزهای حرام استفاده نماید؟.

کارخانگی

شاگردان با استفاده از آیات و احادیث نبوی در روشنی تازه ترین حقایق علمی، ضررهای دینی، صحی، اقتصادی و اجتماعی چیزهای حرام را که در این درس ذکر است در کتابچه‌های شان یادداشت نمایند.

درس پانزدهم

عنوان: پاداش انفاق در راه خداﷻ

صفحه: ۶۹

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- بیاموزند که خداﷻ کدام نوع انفاق و صدقات را قبول می‌نماید.
- بفهمند که خداوندﷻ شخص صدقه کنندۀ همراه با منت را از جنت محروم ساخته است.
- شأن نزول آیۀ مبارکه﴿مَّثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ﴾ را تشریح کرده بتوانند.

دانش لازمی

انفاق در راه خدا

قرآن کریم خرج کردن در راه خدا را جایی با لفظ انفاق، و گاهی با لفظ اطعام، در جایی با لفظ صدقه و در جای دیگر به لفظ ایتاء الزکاة بیان فرموده است. با در نظر گرفتن الفاظ قرآنی و موارد استعمال آن معلوم می‌گردد که الفاظ انفاق، اطعام و صدقه عام هستند که حاوی همه اقسام صدقه و خیرات و هر نوع خرج کردن برای رضای خدا می‌باشند؛ برابر است که فرض و واجب باشند یا نفل و مستحب؛ و برای زکات فرض شده، قرآن فقط لفظ مشخص ایتاء الزکاة را به کار برده است که در آن اشاره به این است که در بدست آوردن و خرج کردن این صدقه شرایط خاصی مقرر گردیده است.

خداوندﷻ در ابتدای آیتی که در این درس آمده می‌فرماید: آنانی که در راه خدا خرج می‌کنند یعنی در حج، جهاد یا به فقیران و مساکین، یتیمان و بیوه زنان و یا به نیت کمک کردن به خویشاوندان و دوستان خود مثالش مانند کسی است که یک دانه گندم را در زمین مناسبی بکارد و از آن دانه یک بوته گندم بروید که در آن هفت خوشه گندم پدید آید و در هر خوشه صد دانه گندم حاصل دهد که در نتیجه از یک دانه «۷۰۰» هفتصد دانه گندم به دست می‌آید.

حضرت ابن عباس رضی الله عنه فرموده: ثواب خرج کردن یک درهم در حج و جهاد، برابر هفتصد درهم است.

این روایت را ابن کثیر به حواله مسند امام احمد نقل فرموده است.

شرایط پذیرفته شدن صدقات:

۱. مالی که در راه خدا خرج می‌شود باید پاک و حلال باشد، زیرا در حدیث آمده که خداوندﷻ علاوه بر مال پاک و حلال چیزی دیگر را نمی‌پذیرد.
۲. خرج کننده، نیت نیک و صالح داشته باشد؛ بد نیت و آن کسی که برای تظاهر و ریا انفاق می‌کند مانند دهقان بی خبری است که بذر را در زمینی بریزد که ضایع و خراب گردد.
۳. کسانیکه مستحق انفاق می‌باشند، جستجو نموده و بر آنها مطابق سنت انفاق نماید تنها به خرج کردن مال و بیرون آوردن پول از جیب این فضیلت به دست نمی‌آید.

ناگفته نباید گذاشت که شخص صدقه دهنده بالای صدقه‌گیرنده منت نگذارد، همچنان صدقه‌گیرنده را ذلیل و خوار تصور نکند و برخوردش با او قسمی نباشد که او خود را حقیر احساس کند یا به او اذیت و آزاری نرساند.

خلاصه تمام آیه این شد که بزرگترین شرط پذیرفته شدن صدقه به دربار خداوندﷻ اخلاص است که فقط برای رضای خدا و خوشنودی او انفاق شود و هیچ گونه نام و شهرتی در آن دخالت نداشته باشد.

اگر به این آیت و آیات بعدی آن دقت نماییم معلوم می‌گردد که برای پذیرفته شدن صدقه و انفاق فی سبیل الله شش شرط وجود دارد و آن عبارت است از:

۱- حلال بودن آن مالی که در راه خدا انفاق می‌گردد.

۲- خرج و انفاق آن موافق به دستور سنت باشد.

۳- صرف در مصرف صحیح باشد.

۴- پس از صدقه دادن به آن شخص که به او صدقه داده، منت نگذارد.

۵- پس از مصرف چنین برخوردی نکند که از آن تحقیر کسانی پیش بیاید که بر آنها تصدق شده باشد.

۶- آنچه انفاق می‌شود با اخلاص نیت فقط برای رضامندی و خشنودی خدا باشد نه برای نام و مقام.

در اخیر یک نکته مهم قابل ذکر است که محروم گردانیدن وارثان نیازمند و یا وقف و به صدقه دادن تمام اموال، خلاف تعلیم سنت است؛ باز برای خرج کردن در راه خداﷻ هزاران صورت و شکل وجود دارد طریقهٔ سنت این است که با درنظر گرفتن اهمیت مصرف و شدت ضرورت، باید انتخاب گردد که عموماً انفاق کننده گان به این توجهی نمی‌کنند[1].

معنای کلمات

روش تدریس: مباحثه، گروپی، سؤال و جواب.

مواد ممد درسی:

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	ـ معلم محترم بعد از موضوعات مقدماتی کارخانگی درس گذشته را ارزیابی می‌کند. ـ کی می‌تواند بگوید که مراد از خون حرام کدام خون است؟
۲۵ دقیقه	ـ بعد از گرفتن پاسخ آیات متبرکه سورهٔ بقره را که در این درس آمده خودش تلاوت می‌نماید. ـ از شاگردان میخواهد تا داوطلبانه به نزد تخته آمده و کلمات مشکل آیات را که در کتاب بیرون نویس گردیده نوشته و بعد از آن شاگرد دیگر را وظیفه می‌دهد تا کلمات را حرکات بدهد، و شاگرد دیگر را هدایت می‌دهد تا معنای همان کلمات را بنویسد. ـ سپس شاگردان را به گروپ‌های مناسب تقسیم نموده و به آنها وظیفه می‌دهد تا در مورد ترجمه و تفسیر این درس تبادل نظر نموده و کار نمایند، سپس نماینده‌های هر گروپ را پیش روی صنف خواسته و از آنان میخواهد تا فشردهٔ کار گروپی خود را بازگو کنند، همکاری و تشویق صورت می‌گیرد. ـ به شاگردان باز هم هدایت می‌دهد تا به شکل دو نفری در مورد عنوان جانبی «اجر مضاعف انفاق در راه خداﷻ» با هم بحث و گفتگو نمایند، و نتیجهٔ بحث را از چند شاگرد به شکل نمونه می‌پرسد و اشتباهات شانرا اصلاح می‌نماید.

[1]: معارف القرآن، جلد دوم.

ـ همچنان در مورد عنوان جانبی«منت و اذیت، انفاق را باطل می‌سازد» توضیحات لازم را می‌دهد و اگر شاگردان کدام سؤالی داشتند با حوصله مندی کامل جواب می‌دهد و در ضمن نظریات شاگردان را نیز در رابطه به موضوع فوق می‌شنود. ▪ **خلاصهٔ درس** ▪ صدقه و انفاق که همراه با ریا، منت و اذیت باشد باطل است. هر گاه صدقه و انفاق با نیت خالص، از قلب سالم، از نفس پاک و از مال حلال بیرون شود و در جای مناسب آن گذاشته شود، بدون شک اجر و ثواب آن چندین برابر، بلکه بی حساب خواهد بود؛ زیرا که فضل و احسان و بخشش خداوندﷻ حدودی ندارد. **ارزیابی** ▪ کی می‌تواند کلمات و مفردات زیر را معنا و توضیح کند؟ «يُضَاعِفُ، مَنًّا، مَغْفِرَةٌ، وَابِلٌ، صَلْدًا، صَفْوَانٍ». ▪ کی می‌تواند بگوید که در مقابل فقیر و سؤال کننده چگونه رویه داشته باشیم؟ ▪ خداوندﷻ کدام نوع انفاق و صدقات را قبول می‌کند؟ ▪ در آیهٔ اخیر این درس صدقهٔ همراه با منت و اذیت چگونه تشبیه گردیده است؟	۵ دقیقه

درس شانزدهم

عنوان: مساوات انسانی در قرآن کریم

صفحه: ۷۴- ۷۷.

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- ترجمهٔ آیات درس را درست بفهمند.
- نعمت ایمان و اسلام را بدانند.
- مساوات انسانی را دانسته و مطابق به آن عمل کنند.

دانش لازمی

در آیت اول این درس تعلیم جامعی در رابطه با مساوات انسانی داده شده تا هیچ کسی دیگری را از خود ذلیل تر و کمتر نپندارد، لذا فرمود: تمام مردم از یک پدر و مادر متولد شده اند و از این جهت با یکدیگر برادرند و تفاوتی که خداﷻ در خاندان، قبیله، ثروت یا مال مقرر کرده است برای تفاخر نیست؛ بلکه به جهت تعارف و آشنایی می‌باشد.

شأن نزول: این آیت هنگام فتح مکه و در وقتی نازل شد که حضرت رسول گرامیﷺ به حضرت بلال حبشی دستور داد که اذان بگوید، یکتن از قریش مکه که هنوز مسلمان نشده بود، گفت خدا را شکر که پدرم قبلا وفات کرده و به دیدن این روز موفق نشد و حارث بن هشام گفت: آیا محمدﷺ جز کلاغ سیاه کسی دیگر را نیافت که در مسجد الحرام اذان بگوید؟ ابو سفیان گفت من می‌ترسم چیزی بگویم؛ زیرا مالك آسمانها به او اطلاع می‌دهد، جبرئیل علیه السلام به خدمت رسید و آنحضرتﷺ را از تمام ماجرا آگاه کرد، آنحضرت از آنها پرسید: شما چه گفتید؟ آنان به آنچه اتفاق افتاده بود اقرار کردند که در پی آن، این آیت نازل گردید و نشان داد که آنچه موجب فخر و عزت است، ایمان و تقوا است که شما از آن بی بهره هستید و حضرت بلال به آن آراسته است؛ لذا از شما اشرف و افضل می‌باشد[۱].

از حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول اللهﷺ در روز فتح مکه، بر ناقهٔ خویش سوار شد و طواف نمود، (تا همه او را ببینند) و پس از طواف، خطابهٔ ایراد نموده فرمود: «الحمدلله الذي أذهب عنكم عِبِّيةَ الجاهلية و تكبرها الناس رجلان: بر تقي كريم على الله و فاجر شقي هين على الله ثم تلا ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم﴾ [الحجرات/۱۳ – ۱۵]».

یعنی: خدا را شکر می گویم که رسوم جاهلیت و کبر آن را از میان برداشت و اکنون همهٔ مردم به دو صنف تقسیم می‌شوند: یکی نیک و متقی که در نزد خدا شریف و محترم می‌باشد، دومی فاجر و شقی که در نزد خدا ذلیل و خوار است؛ سپس این آیت را تلاوت نمود.

حضرت ابن عباسؓ فرموده است: عزت نزد مردم به واسطهٔ مال و ثروت است و پیش خداوند متعال بنا بر تقواست.

﴿شُعُوبًا وَقَبَائِلَ﴾ شعوب جمع شعب است و گروه بزرگی که بر یک اصل جمع شوند به آنها شعب گفته می‌شود و در آن شعب قبایل و خاندان گوناگون وجود دارد و در زبان عربی برای خاندان بزرگ و قسمت‌های کوچک نامهای جداگانهٔ وجود دارد که بزرگتر از همه شعب و کوچک تر از همه عشیره نامیده می‌شود.

قرآن کریم در این آیت این موضوع را روشن ساخته که خداوندﷻ همهٔ مردم را از یک پدر و مادر پدید آورده و با هم برادر قرار داده است، ولی تقسیم بندی آنها به اقوام و قبایل مبتنی بر این حکمت است که تعارف و شناخت مردم

---

[۱]– معارف القرآن جلد سیزدهم.

آسانتر گردد از ینرو ما می‌آموزیم که تقسیم بندی اقوام و قبایل به هیچ وجه مایه افتخار یا فخر فروشی نیست بلکه معیار نزد خداوندﷻ تقوا است و بس[1].

معنای کلمات:

روش تدریس: مطالعهٔ خاموشانه، سؤال و جواب.

مواد ممد درسی:

جریان در س

وقت	فعالیت‌ها
	ـ معلم محترم بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را ارزیابی می کند. ـ کی می تواند که شأن نزول آیات درس گذشته را بگوید؟ ـ کی گفته می‌تواند که خداوندﷻ کدام نوع انفاق و صدقات را قبول می کند؟ ـ معلم محترم عنوان درس جدید را با خط درشت و برجسته روی تخته می‌نویسد و درس جدید را به نام خداوندﷻ آغاز می کند، آیات شریف را یک بار با رعایت تجوید برای شاگردان قرائت نمونه ای می‌نماید بعد از آن از شاگردان می‌خواهد تا درس را به شکل خاموشانه بخوانند، در جریان خواندن آنها عناوین درس را روی تخته می‌نویسد ، سپس از یک شاگرد می‌خواهد تا متن درس را به آواز بلند بخواند. ـ معلم به تشریح و توضیح درس پرداخته و در مورد هر یک از عناوین جانبی«وحدت اصل بشرست» و«نعمت ایمان و اسلام» توضیحات لازم را به شکل موجز و فشرده ارایه می‌نماید و در آخر تشریح درس برای شاگردان وقت میدهد تا سؤال‌های شان را مطرح نمایند، سپس به پاسخ سؤالات می‌پردازد. ـ معلم دو شاگرد را انتخاب کرده و از آنها می‌خواهد تا هر کدام به نوبت پیش روی صنف آمده و درس جدید را به اسلوب خویش تشریح کنند. **خلاصه درس** ● تمام انسان‌ها از یک اصل واحد یعنی آدم و حوا آفریده شده اند. ● انسان‌ها به شکل قبایل و گروه‌های مختلف آفریده شده اند تا یکدیگرشان را بشناسند. ● همه انسان‌ها با هم برادر هستند و عزت و کرامت انسانی شان محفوظ است. ● معیار برتری میان انسان‌ها تقوی و پرهیزگاری و اطاعت و پیروی از خدا و رسول می‌باشد. ● ایمان نسبت به اسلام خاص است، و این دو مکمل یکدیگر اند و یکی بدون دیگری بسنده نمی کند. ● افتخار به اصل و نسب حرام است. **ارزیابی** ▪ کی گفته می‌تواند که خداوندﷻ انسان را از کدام اصل آفریده است. ▪ کی می‌تواند احادیث شریف که در درس خواندیم از حفظ بگوید؟ **کارخانه‌گی** معلم محترم کارخانه‌گی کتاب درسی را برای شاگردان وظیفه می‌دهد.

[1]: معارف القرآن، جلد سیزدهم.

درس هفدهم

عنوان: صفات بنده گان خاص خداوندﷻ

صفحه: ۷۸- ۸۲ .

وقت: دو ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- ترجمهٔ درست آیات درس را بفهمند.
- صفات بندگان خاص خداوندﷻ را بشناسند.
- احکام آیات درس را در زندگی خود عملی نمایند.

دانش لازمی

این درس به آیات اخیر سورهٔ فرقان اختصاص یافته و موضوع این آیات بندگان مخلص خداوندﷻ و وصف آنان است. خداوندﷻ در این آیات صفات و ویژگی‌های بندگان واقعی خویش را که ایمان کامل دارند و در حرف و عمل، اخلاق و عادات خوشنودی خدا و رسول را مد نظر دارند و مطابق احکام شریعت اسلام، عمل می کنند بر می‌شمارد که شامل اوصاف ذیل می گردد:

۱- قرآن کریم چنین بندگان خاص را به﴿عِبَادُ الرَّحْمَنِ﴾ ملقب نموده که بزرگترین اعزاز آنها عبد و یا بنده بودن آنهاست. «عباد» جمع عبد و ترجمه آن بنده است که مملوک آقای خود باشد.

کسی مستحق بنده‌گی خدا می‌شود که تمام عقاید، افکار و ارادهٔ وی تابع حکم الله متعال باشد.

۲- صفت دوم این بنده گان خاص خدا این است که ﴿يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾ با تواضع بر روی زمین راه می‌روند نه با کبر و غرور، یعنی با اعتدال راه می‌روند، نه بسیار آهسته و نه بسیار به سرعت.

روایت شده که حضرت عمرﷺ یک مرتبه جوانی را دید که خیلی آهسته راه می‌رفت، پرسید آیا تو مریض هستی؟ جوان گفت: نه خیر، عمرﷺ دره را برداشت و به او دستور داد تا با قوت راه برود.

۳- صفت سوم بنده گان خاص این است که ﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ وقتیکه با جاهلی صحبت می کنند می‌گویند «سلام» مراد از سلام در این جا سلام عرفی نیست، بلکه سخن نیک و سالم است، بدون هیچگونه سخنی که در آن انتقام باشد.

۴- صفت چهارم ایشان این است که ﴿وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا﴾ آنها شب‌ها را با سجده و قیام به بارگاه خداوند متعال می‌گذرانند، ترمذی از ابو امامه روایت کرده که رسول اللهﷺ فرمود به «قیام اللیل» یعنی تهجد پایبند باشید؛ زیرا آن عادت بندگان نیک خداست.

حضرت ابن عباس رضی الله عنهما فرمود هر کسیکه بعد از نماز عشاء دو رکعت یا بیش از دو رکعت نماز بخواند در حکم شب زنده دار در عبادت خدا،قرار می گیرد.

۵- پنجمین صفت بنده گان خاص خدا این است که ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا﴾ با وجود اینکه مقبولان بارگاه خدا و شب و روز مصروف عبادت و طاعت هستند بی خوف نمی‌نشینند و به بارگاه خدا دعا می کنند.

۶- ششمین صفت ایشان این است که ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا﴾ در هنگام انفاق مال از اسراف و خرج کردن بیجا و همچنان از بخیلی و کوتاهی کردن در مصرف مال پرهیز می کنند و در میان هر دو، راه اعتدال را پیش می گیرند.

روش تدریس: تشریحی، سؤال و جواب، گروپی، مباحثوی.

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
	ـ معلم محترم بعد از انجام موضوعات مقدماتی، درس گذشته را با سؤال‌های زیرا ارزیابی می کند: ـ کی می‌تواند فواید و آموختنی‌های درس گذشته را از بر بگوید؟ ـ کی می‌تواند احادیث ذکر شده در درس گذشته را با ترجمهٔ آن بیان دارد؟ معیار فضیلت و برتری انسان‌ها در چیست؟ ـ معلم عنوان درس جدید را با خط برجسته روی تخته نوشته و به نام خداوندﷻ آغاز می کند، نخست آیات را یک مرتبه به شکل نمونه ای قرائت می کند. بعداً از دو شاگرد می‌خواهد تا هر کدام به نوبت پیش روی صنف آمده و آیات را با رعایت تجوید مطابق قرائت نمونه یی معلم قرائت نموده و متن درس را به آواز مناسب بخوانند، در جریان خواندن آنها عناوین جانبی و نکات مهم و کلیدی درس را روی تخته می‌نویسد، سپس از یک شاگرد می‌خواهد تا پیش روی صنف آمده و برداشت خود از درس را به شکل فشرده به همصنفیان خود بگوید. ـ معلم محترم به تشریح و توضیح درس پرداخته و نکات کلیدی و اساسی درس جدید را برای آنها بازگو می‌نماید. ـ معلم محترم شاگردان را دو گروه تقسیم نموده و به آنها هدایت می‌دهد تا هر گروه در بین افراد خود پیرامون راه رفتن به تکبر و غرور و یا عاجزی و تظاهر بحث و گفتگو نمایند. در اخیر از نمایندهٔ هر گروه می‌خواهد تا نتیجهٔ بحث را پیش روی صنف برای همصنفیان خود بگویند. **خلاصه درس** ● صفات بندگان خاص خداوندﷻ عبارت است از: ● به خداوندﷻ شرک نمی‌ورزند. ● در راه رفتن به تواضع و فروتنی راه می‌روند. ● وقتیکه مخاطب جاهلان قرار گیرند می گویند سلام بر شما. ● به خدای خویش دعا می کنند و می گویند پروردگارا! آتش جهنم را از ما دور بگردان. ● اسراف نمی کنند. ● بخل نمی‌ورزند. ● اعتدال و میانه روی را در همه کارهای خویش اختیار می کنند. ● با مردم تعامل و برخورد نیک می کنند. ● شب زنده داری نموده و شب را با دعا و نماز می گذرانند. **ارزیابی** ▪ کی می‌تواند که هشت صفت بنده گان خاص خداوندﷻ را بیان دارد؟ ▪ کی می‌تواند آیه﴿الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾ را ترجمه نماید. ▪ کی می‌تواند سه فایده از فواید این درس را بگوید؟ **کارخانه‌گی** معلم محترم مطابق کار خانگی داده شده در کتاب درسی به شاگردان وظیفه می‌دهد تا یک مقاله بنویسند.

درس هجدهم

عنوان: نقش مؤمنان در تهذیب جامعه

صفحه: ۸۳- ۸۷ .

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- ممنوعیت نظر کردن به نامحرم را بدانند.
- مفهوم حجاب اسلامی را بدانند و به آن عمل کنند.
- ترجمۀ درست آیات را یاد بگیرند.

دانش لازمی

آیتی که در این درس آمده مربوط سورۀ نور می‌باشد، سورۀ نور از جمله سوره‌های مدنی است که به احکام تشریعی و مسایل اخلاقی و رهنمودهای کلی خانواده می‌پردازد.

این سوره آداب و روش‌های را توضیح داده که مؤمنان در زندگی اجتماعی به آن پایبند باشند از جمله: اجازه گرفتن به هنگام ورود به منازل دیگران و نگهداری چشم در مقابل زنان نامحرم و حفظ فرج «شرمگاه» و حرام بودن آمیزش مردان با زنان نامحرم و بیگانه که خانوادۀ مسلمان بر اساس این روشها پایه گذاری می‌شود.

سبب نزول: از حضرت علی﷛ روایت است که در زمان حیات پیامبرﷺ مردی در کوچه‌های مدینه از کنار زنی گذشت، مرد زن را نگاه کرد و زن هم او را نگاه کرد. در همان حال که مرد زن را نگاه می‌کرد به طرف دیواری راه می‌رفت، ناگهان با دیوار برخورد کرد و بینی اش خون آلود شد، مرد به خود گفت: به خدا تا به خدمت پیامبرﷺ نروم و موضوع را به او نگویم، خون را نمی‌شویم، نزد پیامبرﷺ آمد و داستان را عرض کرد، پیامبرﷺ فرمود: این کیفر گناهت می‌باشد و پس از آن این آیه ﴿قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ﴾ ای محمد! به پیروان با ایمانت بگو: از نگاه کردن به زنان بیگانه و نامحرم خودداری کنند؛ زیرا نگاه کردن بذر شهوت و هوس را در قلب می‌کارد و بسی از هوس‌ها اندوهی طولانی دارد.

﴿وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ﴾ به آنها بگو که فرج «شرمگاه» خود را حفظ کنند، از زنا و نمایان کردن بدن اجتناب ورزند.

﴿ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ﴾ نگهداری و حفظ فرج بر آنان پاکیزه تر است.

﴿إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ خدا ناظر و عالم به اعمال آنهاست و یک ذره از احوال آنها بر او پنهان نمی‌شود بنابر این باید در نهان و آشکار از خدا بترسند.

در این رابطه حدیثی از رسول اکرمﷺ نقل شده که فرموده اند: «یقیناً اقوامی از امت خود را سراغ دارم که روز قیامت با کوه‌های از ثواب به بارگاه خدا حاضر می‌شوند، ولی خداوندﷻ اعمال آنان را مانند خاکستر برباد می‌دهد، آنها از برادران و خویشاوندان شما مسلمانان هستند و حتی شب را همچون شما زنده می‌دارند، اما چون تنها می‌شوند حرام و حلال خدا را رعایت نمی‌کنند»[1].

در آیت بعدی زنان با ایمان و مؤمن مورد خطاب قرار گرفته اند که چشم و فرج خود را حفظ کنند، مفسران گفته اند که: خدا برای زنان مؤمن حفظ فرج را به صورت مؤکد آورده است و از نشان دادن زیور و زینت خود جز به ذی محارم و خویشاوندان نزدیک منع شده اند.

---

[1] – روایت از ابن ماجه

ابن مسعود گفته است زینت دو نوع است، زیوری که جز شوهر هیچ کس نباید آن را ببیند، مانند انگشتر و دستبند (چوری) و زیوری که نامحرمان نیز آن را می‌بینند.

زنان باید رو سری و یا چادر را بر سینه بکشند تا گردن و سینه نمایان نشود و زینتی را که خدا کشف آن را حرام کرده است، نمایان نکنند جز برای شوهران خود و جز در محضر پدران خود و پدران شوهر که این دو شامل محارمند.

﴿أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاء بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ﴾ بدین ترتیب خدا فرزندان زن و پسران شوهر که از زنی دیگر هستند و پسران برادر و خواهرش یعنی برادرزاده و خواهر زاده را نام برده که تمام اینها محرم اند و ازدواج با آنها حرام است.

﴿أَوْ نِسَائِهِنَّ﴾ یا زنان مسلمان و همکیش خود، بدین ترتیب زنان کافر استثناء شده اند.

ابن عباس رضي الله عنهما گفته است: ﴿نِسَائِهِنَّ﴾ عبارتند از زنان مسلمان.

پس نباید زینت خود را برای زن یهودی و یا نصرانی نمایان کند.

﴿أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ﴾ یعنی کنیزان.

ابن جریر گفته است جایز است که زینتش را برای او نمایان کند چون کنیزش می‌باشد.

﴿أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُوْلِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ﴾ یا خدمتکاران مرد که تمایلی به هوس و نیازی به زنان ندارند.

مجاهد گفته است: مراد ابلهی است که خوراک می‌خواهد و به زن تمایلی ندارد.

﴿أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاء﴾ یا اطفال صغیر که به حد هوس نرسیده اند و به سبب صغر سن (کم عمر بودن) از امور نزدیکی و مقاربت چیزی نمی‌دانند. پس اگر زن در حضور آنان زینت خود را نمایان کند گناهی ندارد.

﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ﴾ و پاهای خویش را به زمین نکوبند تا مردان صدای پای آنها را نشنوند و انسان نا سالم به طمع نیفتد.

ابن عباس گفته است: زنی از کنار مردم می‌گذشت، پاها را به زمین می‌کوبید تا صدایش شنیده شود آنگاه خدا از چنان عملی نهی کرد، زیرا از جملهٔ اعمال شیطان است.

﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ ای مؤمنان با انجام دادن اوامر و دوری جستن از هوس‌ها به سوی خدا باز آیید، تا به رضایت و خشنودی او نایل آیید و نیک بختی دو جهان را دریابید[1].

روش تدریس: تشریحی، سؤال و جواب، گروپی و مباحثوی.

مواد ممد درسی:

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
	ـ معلم محترم بعد از موضوعات مقدماتی درس گذشته را با پرسیدن چند سؤال ارزیابی می‌کند مثلاً: ـ کی می‌تواند چهار صفت از صفات بندگان خاص خداوند جل جلاله را بگوید؟ ـ کی می‌تواند دو فایده از فواید و آموختنی‌های درس گذشته را بگوید؟ معلم عنوان درس جدید «نقش مؤمنان در تهذیب جامعه» را به خط درشت و برجسته روی تخته نوشته

[1]: صفوة التفاسیر، جلد سوم.

و درس جدید را به نام خداوندﷻ آغاز می کند.
نخست آیات شریف را با رعایت تجوید برای شاگردان قرائت نمونه یی می‌نماید بعد از آن از یک شاگرد می‌خواهد تا متن درس جدید را با آواز مناسب برای همصنفیانش بخواند و به یک دانش آموز دیگر هدایت می‌دهد تا عناوین جانبی درس را روی تخته بنویسد.
ـ معلم محترم آیات شریف را برای شاگردان ترجمه نموده و متن درس را برای آنها تشریح می کند و پیرامون نظر کردن به نامحرم، زینت زنان و چه کسانی برای زن محرم اند به شکل فشرده معلومات می‌دهد.
سپس دو شاگرد را انتخاب نموده و از آنها می‌خواهد تا هر کدام به نوبت پیش روی صنف آمده و یکی از عناوین جانبی درس را تشریح کنند.
ـ معلم محترم به شاگردان وقت می‌دهد تا سؤال‌های شان را مطرح سازند، نخست از بعضی شاگردان لایق صنف می‌خواهد تا به سؤال‌های پاسخ بگویند اگر آنها پاسخ گفته نتوانستند در آخر خودش پاسخ می گوید.
معلم فعالیت کتاب درسی را که برای شاگردان در نظر گرفته شده بالای شاگردان به شکل عملی کار می‌نماید.

خلاصه درس

- خداوند متعال در آیات شریف ذکر شده در این درس زنا را حرام گردانیده است.
- خداوند متعال مسلمانان را به نگهداری چشم و خود داری از نظر کردن به نامحرم امر فرموده است.
- مهمترین حس که انسان را به سوی غرایز جنسی می کشاند حس باصره یا بینایی است.
- آیات مبارکه به زنان مسلمان دستور داده تا سر و گردن و سینه‌های خود را با چادرهای شان بپوشانند.
- آشکار ساختن زینت زنان برای محارم شرعی باکی ندارد.
- آیات مبارکه زنان مسلمان را از حرکت‌های که باعث آشکار شدن زینت شان میگردد درمیان نا محرمان منع کرده است.
- آیات مبارکه به زنان دستور داده تا هنگام بیرون رفتن از خانه، حشمت، وقار، اخلاق و آداب اسلامی را رعایت کنند تا انظار دیگران را به خود جلب نکنند.
- آیات مبارکه مسلمانان را به رجوع و توبه دستور می‌دهد.
- خداوندﷻ حجاب را بر زنان فرض گردانیده است.

ارزیابی

معلم جهت اطمینان خویش از یادگیری درس شاگردان را با پرسیدن سؤال‌های کتاب درسی ارزیابی می کند.

کارخانه گی

معلم محترم، شاگردان را به انجام کارخانگی کتاب درسی مکلف می‌سازد.

درس نزدهم

عنوان: منزلت مؤمنان معیوب و فقیر در اسلام

صفحه: ۸۸- ۹۲.

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- عبدالله بن ام مکتوم را بشناسند.
- ترجمه و مفهوم آیات را بدانند.
- جایگاه فقرا و بیچارگان در اسلام را بفهمند.

دانش لازمی

در مورد شأن نزول آیات مبارکه این درس روایت شده که روزی رسول اللهﷺ در حال دعوت سران مشرکین بود که ناگهان حضرت عبدالله بن ام مکتوم صحابی نابینا حاضر شد و چیزی سؤال کرد، آنحضرتﷺ از اصرار عبدالله ابن ام مکتوم قدری ناراحت شد و به او توجهی نکرد، در این وقت وحی خداوند جل جلاله نازل گردید: ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّىٰ * أَن جَاءهُ الْأَعْمَىٰ * وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّىٰ * أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ الذِّكْرَىٰ * أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَىٰ * فَأَنتَ لَهُ تَصَدَّىٰ * وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ * وَأَمَّا مَن جَاءكَ يَسْعَىٰ * وَهُوَ يَخْشَىٰ * فَأَنتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ * كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ * فَمَن شَاء ذَكَرَهُ * فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ * مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ * بِأَيْدِي سَفَرَةٍ * كِرَامٍ بَرَرَةٍ﴾ [عبس: ۱- ۱۶]پس از این هرگاه این نابینا به خدمت آنحضرتﷺ می‌رسید آن جنابﷺ او را نوازش می کرد.

در این مورد امام بغوی چنین نقل کرده که حضرت عبدالله بن ام مکتوم در اثر نابینایی که داشت متوجه نشد که آنحضرتﷺ با دیگران صحبت می کند، در جلسه وارد شده آنحضرتﷺ را صدا نمود و صدا را تکرار کرد.

در روایت ابن کثیر آمده است که او از آنحضرتﷺ تقاضا نمود تا آیه ای از قرآن مجید را به او تعلیم بدهد و نسبت به پاسخ این سؤال اصرار فوری داشت درحالیکه رسول خدا مشغول به تبلیغ سران کفار مکه بود لذا پیغمبرﷺ از اصرار وی ناراحت شد زیرا او از مسلمانان پخته بود و همیشه حاضر در صحنه بود، می‌توانست که در اوقات دیگر سؤال کند، برخلاف رؤسای قریش که آنها نه همیشه در خدمت حاضر می‌شدند و نه آنحضرتﷺ می‌توانست همیشه کلمهٔ الله را به گوش آنها برساند.

پس از اختتام جلسه، آیات سورهٔ «عبس» نازل گردید و این روش پیغمبرﷺ ناپسند قرار داده شد و آنجنابﷺ مورد عتاب خداوند جل جلاله قرار گرفت.

در اینجا این امر قابل توجه است که شخصی از شما نسبت به تعلیم اصرار دارد مفید بودن به سؤال او یقینی است و مفید بودن صحبت با کسی که مخالف است و نمی‌خواهد با شما گفتگو کند، امر موهومی است و نباید امر موهوم بر امر یقینی ترجیح داده شود.

در اینجا این امر روشن است که برای رسول خداﷺ دو کار یکباره پیش آمد، تعلیم مسلمان و دلجویی او و رهنمایی غیر مسلمان و توجه به آن که در نتیجه، فرمان قرآنی روشن کرد که کار اول بر کار دوم مقدم است.

همچنان در این آیات هدایت و راهنمایی است برای آن دسته از علمایی که به جهت ازالهٔ «دور ساختن» شبهات غیر مسلمانان و مأنوس گردانیدن آنها با اسلام کارهای می‌کنند که در قلوب عموم اهل ایمان شک پدید می‌آید، آنها باید طبق این هدایت قرآنی، حفظ و اصلاح حال مسلمانان را مقدم بدارند.

قرآن عذر حضرت عبدالله را که بر خلاف آداب مجلس برخورد نموده بود با لفظ (أعمی) بیان فرمود که او نابینا بود نمی‌دید و متوجه نبود که آنحضرتﷺ در چه بحثی مشغول است و با چه کسانی گفتگو می‌نماید، لذا چون او معذور بوده و مستحق اعراض نبود.

همچنان علما و رهبران و پیشوایان را رهنمایی است که با افراد زیر دست خود یکنوع بر خورد داشته و معیار در نزد شان تقوا و دانش باشد.

معانی کلمات

روش تدریس: سؤال و جواب، تشریحی، مباحثوی.

وقت	فعالیت‌ها
	ـ معلم محترم بعد از موضوعات مقدماتی، درس گذشته را با طرح چند سؤال ارزیابی می کند؛ مثلاً: ـ کی گفته می تواند محارم زن چه کسانی اند؟ ـ کی می‌تواند کلمه‌های«أَزْكَى لَهُمْ، وَلَا يُبْدِينَ، بِخُمُرِهِنَّ» را بگوید. ـ مراد از زینت زنان چیست؟ معلم محترم بعد از ارزیابی درس گذشته عنوان درس جدید را که«منزلت مؤمنان معیوب و فقیر در اسلام» است به خط برجسته و درشت می‌نویسد و درس جدید را با نام خداوندﷻ آغاز نموده نخست آیات مبارکه را با رعایت تجوید برای شاگردان قرائت نمونه ای می‌نماید بعد از آن بالای یک شاگرد آیات را تکراراً قرائت می‌کند، سپس به یک دانش آموز هدایت می‌دهد تا متن درس را به آواز مناسب بخواند و از یک دانش آموز دیگر می‌خواهد تا عناوین جانبی درس را به شکل زیر روی تخته بنویسد: ـ شأن نزول. ـ عبدالله بن ام مکتوم کی بود؟ ـ معیارهای آسمانی و زمینی. ـ جایگاه فقرا و بیچارگان در اسلام. ـ فواید و آموختنی‌ها. بعد از آن از سه دانش آموز می‌خواهد تا هر کدام به نوبت پیش روی صنف آمده و دو عنوان از عناوین جانبی را به شیوه و روش خود تشریح کنند. سپس معلم به تشریح و توضیح درس پرداخته و نکات اساسی و کلیدی درس را برای شاگردان بازگو می‌نماید، در اخیر به سؤال‌های آنها پاسخ می گوید.

خلاصهٔ درس ▪ نام اصلی عبدالله ابن ام مکتوم عمرو بن قیس بود او پسر مامای خدیجه رضی الله عنها بود، عبدالله ابن مکتوم از مؤذنان پیامبرﷺ بود، در جنگ‌ها شرکت میکرد و در جنگ قادسیه شهید شد. ▪ انسان با معیارهای دینی سنجیده می‌شود نه با معیارهای بشری و زمینی. ▪ در این آیات پیامبرﷺ مورد عتاب شدید خداوند جل جلاله قرار گرفته است. ▪ آیات مبارکه اساس فضیلت و برتری انسان‌ها را ایمان و تقوا قرار داده. ▪ پیامبرﷺ بعد از نزول این آیات همیشه عبدالله بن ام مکتوم را تکریم و تقدیر می‌نمود. ▪ پیامبرﷺ بعد از هجرت اصل برادری میان مسلمانان را ایجاد کرد. **ارزیابی** معلم محترم با استفاده از سؤال‌های کتاب درسی، دانش آموزان عزیز را ارزیابی می‌نماید. **کارخانه‌گی** معلم به شاگردان وظیفه می‌دهد تا فواید و آموختنی‌های این درس را در کتابچه‌های شان نوشته و آنرا حفظ کنند.	۱۰دقیقه

درس بیستم
عنوان: وحدت و همبستگی مؤمنان
صفحه:۹۲- ۹۷ .

وقت: سه ساعت درسی

اهداف: شاگردان باید:

- ترجمه و مفهوم آیات را بدانند.
- از دسایس و توطئه‌های دشمنان آگاهی حاصل نمایند.
- ریسمان نجات و رستگاری را دانسته و به آن عمل کنند.

دانش لازمی
در آیات این درس دو اصل مهم و دو رمز جهت کامیابی مسلمانان نشان داده شده که عبارت اند از:

۱. تقوا
۲. اتحاد.

اصل اول: تقوا
۱. **تقوا:** لفظ تقوی از نظر لغت عرب به معنای اجتناب و پرهیز است که به ترسیدن ترجمه می‌شود؛ زیرا آنچه دستور به اجتناب از آنها داده شده چیزهای ترسناکی هستند و یا در ارتکاب آنها خطر ابتلا به عذاب الهی است، تقوا درجاتی متفاوت دارد، پایین ترین درجهٔ تقوا اجتناب از کفر و شرک است و با توجه به این معنی به هر مسلمان می‌توان متقی گفت اگر چه او آلوده به گناه باشد چنان که در چند جای قرآن لفظ «متقین» و «تقوی» به همین معنی به کار رفته است.
۲. درجهٔ دوم تقوا اجتناب از اموری است که نزد خدا و رسولﷺ ناپسند باشد و فضایل و برکاتی که در قرآن و حدیث برای تقوا وعده گردیده متعلق به این درجهٔ تقوا می‌باشد.
۳. سومین درجهٔ تقوا همان مقام والایی است که انبیاء علیهم السلام و اولیاء الله به آن نایل می‌گردند و آن عبارت است از: زدودن غیر الله از قلب و معمور نمودن آن به یاد خدا و رضای او و با اضافه نمودن ﴿حَقَّ تُقَاتِهِ﴾ بعد از جمله « اتَّقُواْ اللَّهَ» اشاره به آن است که آن درجه ای از تقوا را دریابید که حق تقوا است.

حضرت عبدالله بن مسعود، ربیع، قتاده و حسن بصری به روایت مرفوعی آن را چنین تعریف نموده اند:

﴿حَقَّ تُقَاتِهِ﴾ هو أن یطاع فلا یعصی و یذکر فلا ینسی و یشکر فلا یکفر.

یعنی حق تقوا آن است که در هر کار از خدا اطاعت شود و هیچ کاری بر خلاف اطاعت او انجام نگیرد و او را همیشه یاد نموده فراموشش نکنند و همیشه شکر او را به جا آورند و ناسپاسی نکنند.

اصل دوم: اتحاد و دوری از اختلاف
در آیهٔ دوم ﴿وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعًا﴾ به گونهٔ بسیار بلیغ و حکیمانه نخست قانون ارتباط دسته جمعی و نسخهٔ یکپارچگی انسانها را بیان فرموده به اتحاد دستور داده و از هر گونه تشتت و تفرقه برحذر داشته است.

امروز ملت اسلامی در اثر عدم توجه به این اصل قرآنی، شکار تشتّت و افتراق قرار گرفته اند؛ لذا خداوندﷻ در آیه مذکور برای محو و نابودی مرض صعب العلاج افتراق و تشتّت نسخه ای نشان می‌دهد و می‌فرماید﴿وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللهِ جَمِيعًا﴾ ریسمان خدا را همه با هم محکم بگیرید، که مراد از ریسمان خدا قرآن مجید است.

حضرت عبدالله ابن مسعودؓ نقل نموده که رسول اللهﷺ فرمود: «کتاب الله هو حبل الممدود من السماء إلى الأرض» «ابن کثیر». یعنی کتاب خدا ریسمان خدا است که از آسمان تا زمین آویزان است. و در روایت حضرت زید بن ارقمؓ «حبل الله هو القرآن» آمده است.

نتیجه این شد که قرآن حکیم در این یک جمله چند اصول سازنده و حکیمانه ای تجویز فرموده، نخست اینکه بر هر فرد لازم است که با اخلاص تمام به قانون خدا یعنی قرآن شدیداً تمسّک جسته بر آن عمل نماید.

دوم اینکه چنان با اتحاد و اتفاق و سازماندهی بر آن عمل نمایند که همه گروه مسلمانان مانند یک پیکر واحد قرار گیرند.

تمسک به قرآن چیزی است که به وسیله آن نیروهای پراگنده جمع شده به ملت مرده روح دمیده می‌شود و با انحراف از آن، زنده گی ملی و اجتماعی برباد و تباه می گردد، سپس در زندگی انفرادی چیزی باقی نخواهد ماند[1].

معنای کلمات:

روش تدریس: مطالعه خاموشانه، توضیحی و تشریحی.

مواد ممد درسی: کتاب درسی، کتب تفسیر، تخته و تباشیر.

جریان درس

وقت	فعالیت‌ها
۵ دقیقه	ـ معلم محترم بعد از انجام موضوعات مقدماتی درس گذشته با ارایهٔ چند سؤال ارزیابی می کند مثلاً: ـ کی می‌تواند بگوید که عبدالله ابن ام مکتوم کی بود؟ ـ کی می‌تواند شأن نزول آیات درس گذشته را توضیح دهد؟
۲۵ دقیقه	معلم محترم بعد از دریافت جواب‌ها عنوان درس جدید را با خط برجسته روی تخته نوشته و درس نو را با نام خداﷻ آغاز می‌کند، نخست آیات مبارکه را با رعایت تجوید بطور نمونه قرائت می‌نماید؛ سپس به شاگردان هدایت می‌دهد تا متن درس را به شکل خاموشانه بخوانند در جریان خواندن آنها عناوین جانبی و نکات مهم و کلیدی درس را روی تخته مینویسد بعداً از یک دانش آموز می‌خواهد تا پیش روی صنف آمده و برداشت خود از متن درس جدید را که مطالعه نموده است برای همصنفیانش بیان کند. ـ معلم محترم به توضیح و تشریح درس پرداخته و نکات مهم، اساسی و کلیدی درس را به شکل درست و فشرده برای دانش آموزان بیان می‌دارد. ـ معلم محترم پرسش‌های شاگردان را یادداشت نموده و به پاسخ آنها می‌پردازد بعداً از یک شاگرد می خواهد تا پیش روی صنف آمده و درس را به شکل خلاصه و به اسلوب خود تشریح کند.

[1]: معارف القرآن، جلد سوم.

خلاصه ▪ آیات مبارکه در بارهٔ دو تن مسلمانان انصار هر یک اوس بن قبطی و جبار بن صخر نازل گردیده است. ▪ برای مسلمانان معقول و سزاوار نیست که از سخنان یهود و نصارا پیروی کنند. ▪ خداوندﷻ به مؤمنان ارشاد فرموده: یگانه وسیلهٔ که آنها را از مکر و نیرنگ یهود و دشمنان شان محفوظ نگهمیدارد رجوع به خداوندﷻ، توکل به او تعالی و تمسک به دین شان است. ▪ خداوندﷻ مسلمانان را امر نموده که تنها از او بترسند و به دین اسلام پابند باشند. ▪ مراد از رشته یا ریسمان خداوند دین خدا و کتاب او تعالی می‌باشد که تمسک به آنها باعث رستگاری می گردد. ▪ تمسک و التزام به دین اسلام واجب و اختلاف و تفرقه حرام است.	۵ دقیقه
ارزیابی معلم با استفاده از سؤال‌های کتاب درسی شاگردان را غرض اطمینان از یادگیری آنها ارزیابی می کند.	۱۰ دقیقه
کارخانه گی معلم محترم، شاگردان را به انجام کار خانه گی داده شده در کتاب درسی مکلف می‌سازد.	